



دانشگاه خوارزمی



دانشگاه زنجان



دانشگاه علامه طباطبائی



دانشگاه فردوسی مشهد



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه امام صادق

چکیده مقالات

کنفرانس بین المللی الهیات عملی

۱۶ تا ۱۸ اسفند ۱۴۰۰



انجمن علمی فلسفه دین ایران



انجمن گرامر اسلامی حوزه



بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آستان قدس اسلامی



پژوهش‌های دینی و فلسفی



جامعه المصطفی العالمیه



دانشگاه ادیان و مذاهب



دانشگاه اصفهان
University of Isfahan



دانشگاه الزهراء

دانشگاه پژوهش‌های فلسفی



IMAM KHOMENI
INTERNATIONAL UNIVERSITY



دانشگاه سام نور



دانشگاه خوارزمی

برگزارکننده

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

حامیان

دانشگاه ادیان و مذاهب | دانشگاه اصفهان | دانشگاه الزهراء (س)
دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) | بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی | دانشگاه پیام نور
دانشگاه تبریز | دانشگاه تربیت مدرس | دانشگاه تهران | جامعه المصطفی العالمیه
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران | دانشگاه خوارزمی | دانشگاه زنجان
دانشگاه شهید بهشتی | دانشگاه شیراز | دانشگاه علامه طباطبائی
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | دانشگاه فردوسی مشهد | انجمن علمی فلسفه دین ایران
دانشگاه قم | انجمن کلام اسلامی حوزه | وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

practicaltheologyfa.isu.ac.ir

اعضای شورای علمی

حسین اترک (دانشگاه زنجان) | عباس اشرفی (دانشگاه علامه طباطبائی)
رضا اکبری (دانشگاه امام صادق (ع)) | محمد اصغری (دانشگاه تبریز)
رضا برنجکار (دانشگاه تهران، پردیس فارابی) | نعیمه پورمحمدی (دانشگاه ادیان و مذاهب)
غلامحسین توکلی (دانشگاه اصفهان) | محسن جوادی (دانشگاه قم)
امیرحسین خداپرست (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) | رسول رسولی پور (دانشگاه خوارزمی)
مریم سالم (دانشگاه شهید بهشتی) | محمد سعیدی مهر (دانشگاه تربیت مدرس)
امیرعباس علی زمانی (دانشگاه تهران) | احد فرامرز قراملکی (دانشگاه تهران)
قدرت الله قربانی (انجمن علمی فلسفه دین ایران) | محسن قنبری (جامعه المصطفی)
قاسم کاکائی (دانشگاه شیراز) | نجف لک زایی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)
جهانگیر مسعودی (دانشگاه فردوسی مشهد) | مجید ملایوسفی (دانشگاه بین المللی امام خمینی)
محمدحسین مهدوی نژاد (دانشگاه پیام نور) | حسین هوشنگی (دانشگاه امام صادق (ع))
لیلا هوشنگی (دانشگاه الزهرا (س))

Kent Burreson (Concordia Seminary, St. Louis, USA)

Abdulla Galadari (Khalifa University, Abu Dhabi, UAE)

Joshua Hollmann (Concordia University St. Paul., USA)

Hud Hudson (Western Washington University, Washington, USA)

Thaddeus Metz (University of Johannesburg, South Africa)

Yujin Nagasawa (University of Birmingham, UK)

Joshua Ralston (University of Edinburgh, Scotland)

Sajjad Rizvi (University of Exeter, England)

Klaus von Stosch (University of Bonn Germany)

Edward Wierenga (University of Rochester, USA)

Tahir Uluç (Necmettin Erbakan University, Turkey)

دبیر علمی: رضا اکبری

دبیر اجرایی: روح الله فدائی

فهرست

- مقدمه ۱
- الهیات حداثی شهروندان: پیش‌نیازی نظری برای الهیات عملی
اسداله آذیر ۳
- خداشناسی در منظومه آموزش و پرورش دانشگاهی؛ مدیریت فرهنگی بهره‌مندی از دستاوردهای
غرب در علم و فناوری
امید آسمانی ۴
- الهیات عملی و فقه: بازبینی نظام استنباطی و اجرایی شریعت اسلام با نظر به مقاصد الشیعه
اصغر آقامهدوی ۵
- بررسی امکان ارتقاء اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد الهیات عملی
امید آهنگی ۶
- نقد چارچوب نظری تفکیک معنویت از قدرت جسمی و قدرت ذهنی
راحله ابراهیمی؛ حسن مرادی ۷
- نقدی بر روش توجیه باورهای دینی بر اساس سودمندی عملی
حسین اترک ۸
- ضرورت پیوند دانش و مهارت در ترویج حیات دینی در زمانه مدرن
مجید احسن ۹
- راه کارهای گذر از تفسیر مفهومی قرآن کریم به تفسیر کاربردی
سیدمصطفی احمدزاده ۱۰

- الهیات سکوت، سخن گفتن از ذات متعالی و «اُذُن بودن پیامبر»
مهدی اخوان ۱۱
- الهیات عملی، اخلاق و رفتار اجتماعی با تکیه بر رعایت حق الناس
قاسم اخوان نبوی ۱۲
- فتوت بود گوهر شایگان؛ بازخوانی دیدگاه ابن عربی از فتوت در چهارچوب الهیات عملی
محمدجواد ادبی ۱۳
- دروغ در اخلاق و الهیات عملی بر اساس دیدگاه پیتر کریفت
مریم اردشیر لاریجانی؛ عبدالله عابدی فر ۱۴
- الهیات عملی در بستر جامعه اسلامی
علی اردشیر لاریجانی ۱۵
- الهیات عملی و رنج بشری؛ پیش‌نهاد سیمون وی
مجتبی اعتمادی‌نیا ۱۶
- درآمدی بر الهیات رخداد از منظر جان دی کاپوتو
حامدعلی اکبرزاده ۱۷
- الهیات عملی و شاکله
حوران اکبرزاده ۱۸
- بازتعریف آموزش‌های الهیاتی در دروس دانشگاهی
رضا اکبری ۱۹
- جایگاه عمل دینی در سنجش ایمان دینی
علی‌الله‌داشتی ۲۰

- ۲۱..... رضا انصاری بارده
- الهیات عملی و رویکرد فتیان در مواجهه با دین
- ۲۲..... سعید انواری؛ علی علی‌نژاد
- تفسیرپذیری ایمان و نقش آن در جهت‌گیری‌های الهیات عملی
- ۲۳..... سیده شیما انوشه؛ احمد کریمی
- تجربه دینی الهیات عملی در آفریقای جنوب صحرا (گذشته، حال و آینده)
- ۲۴..... محمدحسن اپیکچی
- تحلیل عقلی فلسفی رابطه بین قانون‌مداری و پیشرفت جامعه
- ۲۵..... محسن ایزدی
- بازتاب باور به کرامت ذاتی انسان در کیفیت مواجهه با مجرمین
- ۲۶..... احسان بابایی
- بازتاب الهیات عملی در اهداف تاریخ‌نگاری مسلمانان
- ۲۷..... احمد بادکوبه‌هزاوه
- درآمدی بر الهیات هواخواهی، با تأکید بر هواخواهان ایرانی گروه موسیقی کره‌ای اکسو
- ۲۸..... محمدجواد بادین فکر
- «انعطاف‌پذیری نوروئی» و نگره بالا به پایین در اشتدادپذیری ایمان از طریق انجام مناسک دین اسلام
- ۲۹..... مهرناز باشی‌زاده مقدم
- کلام کاربردی و مسئله رنج
- ۳۰..... رضا برنجکار

بررسی کارایی الهیات شبانی در معنویت برای کودکان به سبک کارن برگ

زینب برخوردار؛ هانیه دارائی؛ سینا تکیه ۳۱

تحلیل معرفت‌شناسانه دین‌گزینی

زهره بهارلو ۳۲

واکاوی تجربه الهیات مدرسی در مواجهه با پدیده‌های اقتصادی؛ رهیافت‌هایی از نظریه قیمت عادلانه

محمدحسین بهمن‌پور خالصی؛ محمدجواد شریف‌زاده ۳۳

الهیات بیماری به مثابه الهیات عملی

نعیمه پورمحمدی ۳۴

موضوع مکتب فقاقت و استنباط شیعه نسبت به تفکر نقادانه و اندیشه متأملانه

مهدیه تک‌فلاح ۳۶

آموزش قوی: ادیان و مسئله آموزش آموزه‌ها

محسن جاهد ۳۷

واکاوی مباحث مؤثر بر کاربرد الهیات در امداد فرهنگی

مجید جعفریان؛ نیره زارعی ۳۸

مطهری و جایگاه شر در حرکت تکاملی تاریخ

فاطمه جمشیدی؛ میثم سفیدخوش ۳۹

الهیات عملی بر بنیاد نظریه اعتباریات

محسن جوادی ۴۰

اختلاف نظر دینی در عمل

غزاله حجتی ۴۱

- از الهیات استدلالی تا الهیات ایمان‌گرایانه: بررسی سیر تطور محتوای درسی کتاب‌های دینی
مدارس ایران
- ۴۲ احمد حسینی
- بررسی آموزه‌ها و الهیات عملی پولس درباره زنان در انجیل
- ۴۳ نسرين حیدرزاده اصفهانی
- مواجهه الهیاتی با مسئله کاهش مالکیت بر نیروی کار و شکاف دستمزدی
- ۴۴ زهرا حیدری؛ محمدجواد رضائی
- اعتدال‌بخشی قوای انسانی در تفسیر صدرایی از حریت
- ۴۵ مریم خاکسار
- یادآوری رنج‌های اولیای الهی در مقام تسلای سوگوار؛ با نگاهی ویژه به مصائب حسین بن علی
علیه السلام
- ۴۶ سجاد خاکی صدیق
- حکمت عملی جایگزینی مناسب برای الهیات عملی مسیحی
- ۴۷ طیبہ خسروی
- خوشبینی و امید در الهیات اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم
- ۴۸ علی اصغر خندان
- الهیات مداومت یا مداومت به مثابه امر مقدس
- ۴۹ زهرا داورپناه
- سیاست تدرج در روابط بین الملل اسلام
- ۵۰ محمدرضا دهشیری
- الهیات مردانگی
- ۵۱ مجید دهقان

- کاهش رنج مومنان از دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی
عباس دهقانی‌نژاد؛ محمد مهدی دهقانی اشکذری ۵۲
- الهیات عملی و هنر؛ بررسی ظرفیت‌های فلسفه سینوی
هادی ربیعی ۵۳
- تأثیر الهیات عملی اسکاندیناوی بر ملت‌سازی و دولت‌سازی رفاه
رضا رحمتی ۵۴
- الهیات فضایی مجازی و خوانش عامه‌پسند از متون مقدس
فاطمه رحیمی ۵۵
- الهیات عملی و دین شهری
رسول رسولی‌پور ۵۶
- درک حضور خداوند راهی به معناداری الهی در زندگی؛ بررسی موردی دیدگاه علامه طباطبائی
سیده‌زهرا رشیدی‌فرد ۵۷
- تأثیر ارتباط و درهم تنیدگی اجزای عالم ماده بر نگرش اعتقادی بر اساس دیدگاه فلسفی شهید
مطهری و فیزیک کوانتوم
سپیده رضی ۵۸
- الهیات و فلسفه سیاسی: تأملی بر نسبت میان مبانی الهیاتی و تحقق نظم اخلاقی در زندگی
اجتماعی
مصطفی زالی ۵۹
- ضرورت فلسفی در اندیشه ابن‌سینا و لایب‌نیتس و کاربردهای الهیاتی آن
محمد رضا زبان فهم نصیری؛ مهدی منفرد ۶۰
- تأثیر عوامل گوناگون در معرفت
غلامرضا زکیانی ۶۲

- مفهوم «ایمان عملی» در آراء ویلیام جیمز عباس
- حاج زین العابدینی ۶۳
- تبیین ضرورت دین‌داری عملی با کمک تقریری از دلیل معقولیت بر پایه شرطیه پاسکال
- روح‌اله زینلی ۶۴
- معناشناسی الهیات عملی بر مبنای متافیزیک عمل در اندیشه علامه طباطبائی
- مهدی ساعتچی ۶۵
- الهیات عملی ارسطو غایت الهیات نظری
- مریم سالم ۶۶
- از الهیات عملی تا کلام کاربردی
- محمدتقی سبحانی ۶۷
- الهیات عملی و معنای زندگی از نظر علامه محمدتقی جعفری و جان کاتینگهام
- نسرین سراجی‌پور ۶۸
- فهم مقاصد عقاید و الهیات عملی؛ طرح‌واره دینی غزالی
- کیهان سلطانیان؛ قربان ابراهیمی ۶۹
- کاربرد تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی؛ جسمانیت، فرهنگ و زبان
- مریم‌السادات سیاهپوش؛ زهرا جوادی ۷۰
- بازخواست خدا در مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری؛ روایتی دیگر از الهیات اعتراض
- هاتف سیاهکوهیان ۷۱
- نسبت الهیات عملی با الهیات معنوی در مسیحیت
- احمد شاکر نژاد ۷۲

- انسان بیدار علامه حسن‌زاده آملی به مثابه تمهیدی بر الهیات عملی
شهناز شایان‌فر ۷۳
- الهیات معطوف به قدرت
علی‌رضا شجاعی‌زند ۷۴
- الهیات عملی در منظومهٔ دین اسلام، با تأکید بر انسان معیار در تراز مولای متقیان
محمدرضا شمشیری ۷۵
- «مفتاح الحیاة» نموذج من إعادة قراءة التراث الإسلامي في اتجاه التطبيق العقلاني للدين في المجتمع
حسن شواهدی ۷۶
- محوریت عشق در الهیات زنانه‌نگر
مریم صانع‌پور ۷۷
- تقریری از شیوهٔ تسری مباحث نظری به آموزه‌های عملی فقه
محمدحسین صفایی ۷۸
- دلشورهٔ دیگری از دریچهٔ الهیات عملی به روایت نمط‌های عرفانی اشارات
عبدالله صلواتی ۷۹
- «طیب دُوار» به مثابه مدلی فراراه الهیات عملی
حسن صیانتی ۸۰
- تفسیر فلسفی باطن و غیب و پیامدهای اخلاقی و عملی آن
مجید ضیائی قهنویه ۸۱
- درآمدی بر الهیات عملی امامیه
سیدعلی طالقانی ۸۲

بنیادهای الهیاتی سینما در جهان

۸۳ علی طالقانی؛ داوود طالقانی

شکل‌گیری «نگرش ایمانی» در قرآن کریم؛ رهیافت الگوی کارکردی در روان‌شناسی اجتماعی

۸۴ سیدسجاد طباطبائی نژاد

قابلیت‌سنجی فقه پویا در تحقق الهیات عملی

۸۵ مجتبی عابدی؛ محمدامین ستاریان

ربط ایمان، مرجعیت عقل و معرفت اشراقی و تأثیر آن بر حیات بشر عصر حاضر

۸۶ وحید عزیزی

مکتب اخلاقی تهران: از آیت‌الله شاه‌آبادی تا آیت‌الله مجتهدی

۸۷ حسین عطایی

تبیین مفهوم ایمان با توجه به عنصر عمل محوری در منظر نورمن مالکوم با التفات به فلسفه

ویتگنشتاین متأخر

۸۸ داود عطایی

الهیات به مثابه درمان (الهیات و رنج‌های وجودی)

۸۹ امیرعباس علی‌زمانی

تصمیم‌گیری الهی و معنوی بر اساس الگوی نور

۹۰ سیدمحمدکاظم علوی

الهیات عملی و راهکار دستیابی به سلامت معنوی

۹۱ عیسی عیسی‌زاده

ظرفیت‌های مشاوره فلسفی در حیطه الهیات عملی

۹۲ سعیده فخار

الهیات در مشاوره و روان درمانی

مهدی فرجی‌پاک ۹۳

نظریه اتحاد عمل و عامل و معمول و نقش آن در تبیین رابطه خودپرستی و خداپرستی

محمدکاظم فرقانی ۹۴

الهیات کوانتومی؛ از الهیات اخلاقی تا الهیات وجودی

رستم فلاح ۹۵

درک کودکان مقطع ابتدایی از خداوند در مسیر آموزش با توجه به نظریه پیاژه

محمد فیض‌اللهی ۹۶

الهیات عملی و معضله هم‌سرنوشتی

احد فرامرز قراملکی ۹۷

چالش‌هایی پیش روی الهیات عملی

اکبر قربانی ۹۸

دیدگاه اخوت پیچیده؛ یک خوانش الهیات عملی از عدالت

مهدی کریمی ۹۹

حکمت عملی به مثابه الهیات عملی (کاربردی)

طاهره کمالی‌زاده ۱۰۰

الهیات عملی با تأکید بر آموزش الهیات به کودکان

مسلم گریوانی ۱۰۱

حضور اجتماعی زنان با توجه به رویکرد شهید مطهری به حقوق فطری ساره لاریجانی ۱۰۲

با توکل زانوی اشتر بیند

احمد لهراسبی ۱۰۳

- رویکردی بر الهیات عملی و مدیریت اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های علامه طباطبایی
سلیمان محمدیگی دهقی ۱۰۴
- کلام کاربردی و مسئله امید
مسلم محمدی ۱۰۵
- الهیات عملی و داوری درباره رنج دیگران
حسین محمودی ۱۰۶
- الهیات زیارت
جعفر مروارید ۱۰۷
- الهیات عملی: از مسیحیت تا اسلام محمد مسجد جامعی ۱۰۸
- الهیات عملی و آسیب‌شناسی دینی
جهانگیر مسعودی ۱۰۹
- چیستی و کارکرد «الهیات کاربردی» با رویکرد تفسیر موضوعی در مکتب علامه طباطبایی
عباس مصلانی‌پور یزدی ۱۱۰
- نظریه «نظام حق»؛ چارچوب نظری برای الهیات عملی
علیرضا ملاحمدی ۱۱۱
- نسبت رویکرد دین‌شناسی رضا بابایی با الهیات عملی
عباسعلی منصوری ۱۱۲
- الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای
سیدمهدی موسوی ۱۱۳

- الهیات عملی در قصص قرآن با رویکرد توصیفی و تفسیری؛ بررسی موردی: قصه‌های یوسف (ع) و موسی (ع) ۱۱۴
- سیدمحمدرضا میرسید ۱۱۴
- ماندگاری ادیان، در پرتو عقلانیت و رفع تبعیض
نرگس نظرنژاد ۱۱۵
- گفت‌وگوی فلسفه دین و فلسفه پزشکی
حمیدرضا نمازی ۱۱۶
- از تحریف الهیات عملی تا ایجاد جریان‌های تکفیری
جواد نوائی ۱۱۷
- رهیافتی بر مؤلفه خودکنترلی در هوش اخلاقی در بستر مباحث الهیات عملی
اعظم وفایی ۱۱۸
- الهیات اجابت: بررسی تجربی اثربخشی دعا
هادی وکیلی ۱۱۹
- تأثیر ایمان بر علم از دیدگاه ژاک مریتن
حسینی همایون ۱۲۰
- غلبه انسان‌شناسی عملی در عصر مدرن و ضرورت الهیات عملی
حسین هوشنگی ۱۲۱

مقدمه

الهیات عملی، الهیات کاربردی، کلام عملی، کلام کاربردی، مطالعات میان‌رشته‌ای الهیات و ... عبارتهایی بودند که در طول برگزاری کنفرانس بین‌المللی الهیات عملی و پیش‌نشست‌های آن مکرراً شنیده شدند. این کلمات گشوده شدن درهای جدیدی از مطالعات فلسفی و الهیاتی را نوید می‌دهند. زمانی که در جلسه‌ای با آقای دکتر محسن جوادی و آقای دکتر علیرضا اسماعیلی، برای اولین بار جرقه‌های این ایده به ذهن خطور کرد، تصور این که در یک بازه زمانی شش ماهه بتوان به این میزان از ایجاد علاقه‌مندی و نیز کشف اشتیاق مخاطبان دست یافت دور از ذهن می‌نمود. اما حضور استادان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته‌هایی همچون فلسفه اسلامی، کلام امامیه، فلسفه دین، فلسفه غرب، دین‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، بهداشت، پزشکی، زیست‌شناسی، تعلیم و تربیت، و ... در میان سخنرانان و مخاطبان این کنفرانس این پیام آشکار را منتقل کرد که فضای علمی کشور مشتاق نگاه‌های میان‌رشته‌ای در زمینه مطالعات دینی، فلسفی و الهیاتی است. این اشتیاق از سویی نشان‌گر تمایل فضای علمی کشور به نوآوری است و از سوی دیگر نشان می‌دهد که ما تا چه اندازه نیازمند مطالعات نظری- کاربردی هستیم.

یک سوال باقی می‌ماند: علی‌رغم وجود چنین اشتیاقی، چرا چنین مطالعاتی زودتر آغاز نشده است؟ به نظر می‌رسد عادت‌های ذهنی و خوکردن به روزمرگی ما را به بند کشیده و فرصت نگاه جدید را از ما گرفته است. آشنایی‌زدایی از آن چه مشاهده می‌کنیم -از طریق ایجاد گفت‌وگو میان گذشته و حال از یک سو، و اسلام و ادیان دیگر از سوی دیگر- اجازه می‌دهد که عادت‌های ذهنی را کنار گذاشته و با انبانی از سوالات جدید مجدداً تأمل کنیم؛ این که کجا هستیم، خطاهای ذهنی و عملی ما چه بوده است، و چه باید انجام دهیم.

امیدوارم این تلاش اولیه که با حضور مراکز حوزوی و دانشگاهی اعم از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی آغاز شده است، آغازی مبارک باشد. تصور می‌کنم ثمردهی این تلاش اولیه، هنگامی است که حلقه‌های مطالعاتی تخصصی‌تر همچون الهیات و اقتصاد، الهیات و مدیریت، الهیات و بهداشت و ... شکل گیرد تا با به‌کارگیری ظرفیت حداکثری دانشگاه و حوزه، و به دور از شعارزدگی، به دور از سطحی‌نگری، به دور از خودبرتربنداری، و به دور از استهزای دستاوردهای دیگران، زمینه را برای نشان دادن ظرفیت‌های الهیات در عرصه زیست

روزمره فراهم سازند و منجر به ایجاد آرامش روانی و ایجاد چشم‌اندازهای روشن نسبت به آینده گردد.

در پایان از همهٔ دوستانی که در برگزاری این کنفرانس مشارکت داشتند تشکر می‌کنم. اجازه دهید نام چند نفر را از باب ادب ذکر کنم. آقای دکتر روح‌اله فدائی با دقت مثال‌زدنی خود و تواضع علمی و رفتاری، جایگاهی ویژه در برگزاری مناسب این کنفرانس داشته‌اند. دکتر عباس مصلائی‌پور و دکتر مهدی ایزدی، رئیس و معاون پژوهشی دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، و دکتر سید مجتبی امامی، معاون پژوهش و فناوری دانشگاه امام صادق همکارانی صادق در برگزاری این کنفرانس بوده‌اند. سخاوت مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و فراهم کردن امکان استفاده از سامانهٔ کنفرانسی خود نیازمند تشکر ویژه است.

امیدوارم این کتاب و مطالب تفصیلی موجود در سامانهٔ کنفرانس بتوانند ایده‌های مناسبی را برای نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و طرح‌های پژوهشی در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند.

رضا اکبری

اسفند ۱۴۰۰

الهیات حداثی شهروندان: پیش‌نیازی نظری برای الهیات عملی

اسداله آذیر*

بحث الهیات عملی در خاستگاه اصلی‌اش، بستر و پیشینه‌ای دارد که به نظر می‌رسد برای عملی شدن از پس پیش‌نیازهایی برآمده است. برخی از این پیش‌نیازها جنبه نظری دارند و به نحوه نگاه صاحب‌نظران این عرصه به امور مرتبط مختلف، از جمله به خود الهیات و نیز به مخاطبان آن بستگی دارد. الهیات به مثابه یک برنامه جامع، یکسان و الزامی برای همگان، از ظرفیت کمتری برای ارائه عملی برخوردار است. ممکن است بخش‌هایی از آموزه‌های کلامی، فقهی، معنوی یا اخلاقی برای برخی صنف‌های شخصیتی یا اشخاص، مناسب یا خوشایند نباشد، اما بخش‌های دیگری مطلوب و خوشایند باشد. مثلاً ممکن است کسی روزه در ماه رمضان را مناسب حال معنوی‌اش ببیند، اما به نماز جمعه یا جماعت احساس نیاز نکند. حال مسئله این است که آیا آن نظام الهیاتی این انعطاف را دارد که متناسب با ظرفیت روان‌شناختی مخاطبانش، طیف متنوعی از برنامه‌های معنوی را ارائه کند یا در صورت بروز سبک‌های مختلف دینداری آمادگی پذیرش آنها را دارد. این پیش‌نیاز به نوبه خود مبتنی بر پیش‌فرض‌های دیگری در زمینه دین‌شناسی (عمدتاً فلسفه دین) و مخاطب‌شناسی (عمدتاً روان‌شناسی و جامعه‌شناسی) است. از جنبه دین‌شناسانه مهم است که بدانیم آیا نوعی کثرت‌گرایی (دست کم درون‌دینی) در سطح رفتار (نه لزوماً در حقانیت و نجات) پذیرفتنی است یا نه، زیرا پذیرش سطوح مختلف دینداری یا سبک‌های متنوع دین‌ورزی به قبول یک چنین کثرت‌گرایی حداثی بستگی دارد. از جنبه مخاطب‌شناسانه نیز الهی‌دانان باید بدانند که در دنیای معاصر با مخاطبانی مواجه‌اند که از حیث جامعه‌شناختی (و روان‌شناختی) خود را شهروند می‌شناسند و می‌نامند. این عنوان نیز پیش‌فرض‌های فرهنگی و لوازم الهیاتی خود را دارد. از جمله لوازم آن در ارائه الهیات عملی این است که تحمیل را بر نمی‌تابند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات حداثی، کثرت‌گرایی مذهبی، کارکردگرایی دینی

* استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه (asadazhir@yahoo.com)

خداشناسی در منظومه آموزش و پرورش دانشگاهی؛ مدیریت فرهنگی بهره‌مندی از دستاوردهای غرب در علم و فناوری

امید آسمانی*

امروزه بسیاری از منابع علمی و آموزشی در رشته‌های علوم پایه، بالینی و علوم انسانی توسط نویسندگان غربی نگاشته شده‌اند. سوال اساسی این است که آیا احوال نویسنده و فرهنگ حاکم بر او می‌تواند نظام پرورشی مخاطبانی را که فرهنگی متفاوت و بعضاً ناسازگار دارند، تحت تأثیر قرار دهد؟ غرب خصوصاً در قرن اخیر به عنوان مظهر مادی‌گرایی، دستاوردهای علمی و فنی چشمگیری داشته و منابع علمی و آموزشی بسیاری را ارائه نموده است. غالب این دستاوردها ظاهراً خشی (بدون مشخصه‌های فرهنگی) و حاصل تجربه و آزمایش بر مبنای فلسفه اثبات‌گرایی هستند. آگاهی و استفاده از دستاوردهای علمی و فنی غرب در یک چارچوب طراحی شده برای مصرف‌کنندگان میسر می‌شود؛ اما، این وابستگی، به صورت نرم، علاوه بر مادی‌گرایی، باعث از خود بیگانگی فرهنگی و «اضمحلال در» و «سرسپردگی به» فرهنگ غربی شده و دانش‌آموختگان را از راه علم به عواملی غرب‌زده، خودباخته، از خود بیگانه، دنباله‌رو و وابسته تبدیل می‌کند. الهیات دینی اصیل، ظرفیت بسیار بالایی برای تحلیل منطقی دستاوردها با یک نگاه همه‌جانبه‌نگر و مطابق با واقعیات و حقایق مادی و معنوی از یک طرف و لذا، مقابله با این تهاجم نرم اولی و فرهنگی ثانوی در طرف مقابل دارد. این مهم نیازمند رویکرد سیستماتیک و نه فردی به مقوله خداشناسی در نظام آموزش آکادمیک می‌باشد. الهیات عملاً باید در پرورش استاد، فضاسازی‌ها، روش‌ها و محتواهای آموزشی، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی تبلور یابد و پیوست‌های الهیاتی ملاک تصویب، اجرا و ارزیابی برنامه‌های آکادمیک باشد. بخش مهم و تأثیرگذاری از مدیریت فرهنگی بهره‌مندی از دستاوردهای غرب در علم و فناوری در دانشگاه اتفاق می‌افتد و به جامعه تسری می‌یابد؛ لذا، گسست از خداشناسی در دانشگاه منجر به آسیب کل جامعه و اضمحلال فرهنگی آن خواهد شد و این زنگ خطر بزرگی است. خداشناسی به نظام پرورش دانشگاهی اصالت می‌بخشد و به دنبال آن امید به سعادت‌مندی جامعه ارتقا می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، علوم تجربی، پزشکی، آموزش و پرورش، دانشگاه، علم و فناوری

* استادیار گروه اخلاق پزشکی و فلسفه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز (asemanio@sums.ac.ir)

الهیات عملی و فقه: بازبینی نظام استنباطی و اجرایی شریعت اسلام با نظر به مقاصد الشیعه

اصغر آقامهدوی*

برای شریعت اسلام به نحو عام و احکام خاص آن اهدافی تبیین شده است که از آنها به مقاصد شریعت تعبیر می‌شود. درباره جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام، اقوال مختلفی نقل شده است که آنها را می‌توان در سه دسته عدم تأثیر، تأثیر مستقیم و تأثیر غیر مستقیم در استنباط احکام قرار داد. محوریت نص و محوریت مقاصد در استنباط احکام در ابتدا و انتهای طیف‌های مختلف دسته دوم قرار می‌گیرند. کسانی که قائل به تأثیر غیر مستقیم بر استنباط احکام می‌باشند؛ جایگاه مقاصد را در فهم درست از احادیث و جلوگیری از جمود بر نص می‌دانند. در این مقاله از زاویه دیگری به بحث مقاصد پرداخته شده است و از آن به عنوان روشی برای بازنگری نظام استنباطی و اجرایی یاد شده است. یعنی با توجه به این که برای شریعت اسلام، اهداف و مقاصدی در نظر گرفته شده است، عدم تحقق این مقاصد می‌تواند ناشی از عدم فهم درست شریعت یا تطبیق نادرست آن بر موضوعات مستحدثه باشد. برای مثال اگر هدف و مقصد نهایی شارع از تشریع احکام حوزه مالی، عدم چرخش مال در دست ثروتمندان جامعه باشد، در صورتی که وضعیت جامعه نشان‌دهنده انباشت و تراکم اموال در دست تعداد خیلی از ثروتمندان باشد، این امر حاکی از عدم تحقق فرامین الهی و شرایع اسلام در مقام عمل است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، فقه، نظامی استنباطی، مقاصد الشریعه

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (aamahdavy@yahoo.com)

بررسی امکان ارتقاء اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد الهیات عملی

امید آهنجی *

یکی از مهم‌ترین اهداف تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها، دستیابی دانشجویان به منظومه معرفتی منسجم و کارآمدی است که آنان را به بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی رهنمون باشد و از این رهگذار آنان به افرادی دین‌مدار بدل گردند. لازمه دستیابی به چنین هدفی، هم‌خوانی میان مطالب ارایه شده در کلاس‌ها و نیازهای دانشجویان می‌باشد. از سوی دیگر الهیات عملی نیز در پی تبیین نقش دین در صحنه زندگی روزمره آدمیان و هویدا نمودن اثرات دینداری برای غلبه بر مشکلات فردی و اجتماعی است؛ بنابراین لازم است در پژوهشی به این سوال کلیدی پاسخ داده شود که آیا می‌توان سرفصل‌های دروس معارف اسلامی را به منظور ارتقاء اثربخشی این دروس با رویکرد الهیات عملی تنظیم نمود؟ با توجه به لزوم هم‌خوانی میان نیاز دانشجویان و سرفصل‌های ارایه شده برای ارتقاء اثربخشی دروس، لازم است ابتدا نیازها و اولویت‌های دانشجویان در دروس معارف اسلامی بررسی گردد؛ چرا که اگر این نیازها با رویکرد الهیات عملی مطابق باشد می‌توان به استقبال دانشجویان و همچنین ارتقاء اثربخشی این دروس امیدوار بود. بدین منظور، پژوهشی در دانشگاه صنعتی شریف صورت گرفت تا ضمن آن اولویت دانشجویان مقطع کارشناسی این دانشگاه به موضوعات مختلفی که امکان طرح در کلاس‌های دروس معارف اسلامی را دارد مشخص شود. نتایج حاکی از آن است که نزد دانشجویان بین موضوعات پنج‌گانه مطرح شده در پرسشنامه (اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، مسائل اجتماعی و خانوادگی) پرداختن به موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی مانند حقوق زن، لزوم حجاب در جوامع اسلامی، روابط دختر و پسر، بررسی مفهوم آزادی و همچنین مسئله صلح و خشونت در اسلام، از اولویت بیشتری نسبت به سایر موضوعات برخوردار بود و بین موضوعات چهارگانه دیگر از منظر دانشجویان تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین با توجه به اقبال دانشجویان به طرح مسائل اجتماعی، بازنگری در سرفصل‌های این دروس با رویکرد الهیات عملی می‌تواند موجب ارتقا اثربخشی دروس معارف اسلامی و اقتناع بهتر دانشجویان گردد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، دروس معارف اسلامی، مسائل اجتماعی

نقد چارچوب نظری تفکیک معنویت از قدرت جسمی و قدرت ذهنی

راحله ابراهیمی^۱؛ حسن مرادی^۲

بسیاری از اهل معنویت معتقدند برای رسیدن به خدا و آخرت نیازی به داشتن قدرت جسمی و ذهنی نیست. بسیاری از اهل ورزش معتقدند داشتن قدرت جسمی بدون داشتن معنویت، ممکن و مطلوب است. بسیاری از اهل دانش دنیوی نیز معتقدند برای داشتن قدرت ذهنی نیاز به داشتن معنویت ندارند. موضوع این مقاله، رویکرد تفکیک معنویت از قدرت جسمی و قدرت ذهنی است. مسئله ما این بود که چارچوب نظری این تفکیک چه بوده و چه نقدهایی بر آن وارد است. ضرورت کار در این امر است که نبود یا کمبود معنویت، موجب نقص در دو قدرت دیگر یا عملکرد منفی آنها می‌شود. روش ما استخراج پیش‌فرض‌های چارچوب نظری این تفکیک و سپس نقد آنهاست. دستاورد مقاله این است که این تفکیک دارای دو دسته پیش‌فرض است: فلسفی و الهیاتی. پیش‌فرض‌های فلسفی آن تفکیک ذهن از عین، تفکیک مادی از مجرد و تفکیک عقل از قلب است. اولی حاصل این فرض نادرست است که ذهن در بدن است و بدن ما جدا از سایر موجودات عینی است. دومی مبتنی بر این مبنای نادرست است که مرز ماده مشخص است و می‌توان موجود غیر مادی را از آن جدا کرد. سومی بر این اساس است که عقل منبعی برای شناخت است و قلب جایگاه احساسات. پیش‌فرض‌های الهیاتی آن، مجرد محض دانستن خدا و تفکیک دنیا از آخرت است. اولی حاصل این مبنای نادرست است که خدا موجودی محدود به عالم مجرد است و در عالم ماده نمی‌تواند حضور داشته باشد. دومی مبتنی بر عدم فهم رابطه دنیا و آخرت یعنی رابطه ظاهر با باطن است. نوآوری این مقاله در استخراج این پیش‌فرض‌ها و نقد آنهاست.

کلیدواژه‌ها: معنویت، قدرت جسمی، قدرت ذهنی

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و حکمت، دانشگاه شاهد، تهران (r.ebrahimi1388@gmail.com)

۲ دانشیار گروه فلسفه و حکمت، دانشگاه شاهد، تهران (dr.hassan.moradi@gmail.com)

نقدی بر روش توجیه باورهای دینی بر اساس سودمندی عملی

حسین اترک*

تحقیقات زیادی بر روی سودمندی عملی باورهای دینی برای انسان صورت گرفته است؛ نظیر: تأثیر دین بر بهداشت روانی، نقش دین در کاهش اضطراب، نقش دین در کاهش جرم و جنایت، و ... سوال اینجاست که آیا سودمندی عملی دلیل کافی و درستی برای باورمندی دینی است یا نه؟ برخی فیلسوفان و دانشمندان علوم تجربی در توجیه معقولیت باورهای دینی به فایده‌مندی دین برای انسان تمسک کرده‌اند. آیا چنین روشی صواب است؟ حقانیت و صدق باورهای دینی به معنای مطابقت آنها با واقع چه میزان اهمیت دارد؟ اگر باور به هر گزاره‌ای، اعم از دینی و غیر دینی، در مقام عمل برای شخص باورمند مفید باشد، آیا این دلیل کافی برای درستی آن باور و فعل شخص باورمند در باور به آن است؟ یا اینکه صدق و مطابقت باورهای دینی با واقع، مقدم بر اصل فایده‌مندی عملی است؟ به نظر می‌رسد روش اثبات درستی و معقولیت باور دینی با استناد به دلایل و شواهدی در رابطه با سودمندی عملی آن نوعی مغالطه است. فایده‌مندی عملی به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان دلیل در مقام توجیه و اثبات حقانیت دینی مورد استناد قرار گیرد. استناد به سودمندی عملی در مقام توجیه مانند این است که کسی فریب سودمند را به‌خاطر سودمندی آن برای شخص فریب‌خورده جایز شمارد. علاوه بر اینکه، چون سودمندی عملی باور دینی، امری مشترک بین تمام باورهای دینی، باورهای شبه دینی و حتی غیردینی است، در نتیجه، اساساً چنین روشی نمی‌تواند توسط فرد باورمند به یک دین خاص دلیلی بر حقانیت دین خود باشد. در نتیجه، به نظر می‌رسد توجیه معقولیت باورهای دینی بر اساس سودمندی عملی روشی نادرست است. ارتباط این مسئله با الهیات عملی از آن جهت است که با توجه به تأثیر مستقیم عقاید دینی بر زندگی انسان و آثار مفید یا مخرب آن بر زندگی فردی و اجتماعی جوامع دینی، برای رسیدن به یک الهیات عملی پایدار و سودمند به معنای واقعی، چاره‌ای جز توجه به مقام صدق و توجیه باورهای دینی نیست. به طور قطع، شناخت حقیقت و زندگی مطابق با آن، سودمندی عملی پایدار برای انسان خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: سودمندی عملی، حقانیت، پراگماتیسم، باور دینی

ضرورت پیوند دانش و مهارت در ترویج حیات دینی در زمانه مدرن

مجید احسن*

درهم‌تنبیدگی اندیشه و کنش در وجود انسان، امری انکارناپذیر است. البته اندیشه همان قدر که می‌تواند با الفاظ هویدا شود، ممکن است با کنش نیز ابراز شود. به همین دلیل، روی آوردن برای فهم آدمی، مستلزم ملاحظه توأمان کلام و کردار اوست. در این میان، دستاوردهای الهیات کلاسیک برآمده از آن است که عالم و آدم را در افق آموزه‌های قدسی نگریسته و تلاش علمی و عملی خود را به ترویج آنها معطوف نموده است. با این حال، اگرچه مشارکت و یا توصیه به مشارکت در انضمامی‌ترین حالات حیات بشری مسبوق به سابقه است، اما این تحولات بنیادین زمانه است که ضرورت این راهبرد را برای امر دینی دوچندان کرده است. عهد جدید انسان با هستی که بر محور سوژه رقم خورده است، با فراهم آوردن توسعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری گسترده، هزاران امکان تبدیل برای آدمی به ارمغان آورده و امر قدسی را به یک انتخاب از هزاران انتخاب ممکن بدل نموده است. این امر، نهادهای دینی را وادار به رقابت برای اثرگذاری و استمرار می‌سازد. شاید بتوان تلاش برای یافتن افق‌های انضمامی‌تر و کاربردی‌تر الهیات و روش‌های تبلیغ را برآمده از همین رقابت شمرد. به عنوان مثال، انتقاد از روش‌های تشریری کلاسیک که در سنت مسیحی رخ داد نهایتاً به نگرش‌های نوینی انجامید که لزوم توجه به دغدغه‌های وجودی انسان را گوشزد می‌کردند. بر این اساس، الهیات نظری اسلامی اگر سودای استمرار نسبت آدمیان با ساحت قدس را دارد نمی‌تواند و نباید دیده بر اقتضائات عالم مدرن ببندد و دغدغه‌های وجودی آدمی را نادیده بگیرد و به همین لحاظ، ناگزیر از آن است ظرفیت‌های معرفتی‌اش را در بسترسازی برای زیست مطلوب‌تر آدمیان به کار گرفته و خود را مهبای ورود به ساحت کنش و مشارکت وجودی با غم و شادی ایشان سازد. این مهم جز با کسب مهارت‌های لازم و استمداد از علوم دیگر میسر نخواهد گشت. در این راستا، علاوه بر بسط محتوای الهیات نظری، آسیب‌شناسی گفتگوی دینی و نیز تدوین سرفصل‌های مهارتی همچون مهارت‌های ارتباط موثر، مخاطب‌شناسی، مهارت‌های همدلی، روش‌شناسی پاسخگویی مطلوب به پرسش‌ها، اخلاق معاشرت و... برای توسعه الهیات عملی ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات نظری، اندیشه مدرن، حیات دینی، دانش و مهارت

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (ahsan.majid62@gmail.com)

راه کارهای گذر از تفسیر مفهومی قرآن کریم به تفسیر کاربردی

سیدمصطفی احمدزاده*

لایه‌های فرهنگ - نگرش، ارزش، رفتار و نماد - در پیوستاری از ذهنی تا عینی و از حقیقت تا واقعیت و از مفهوم تا مصداق شدت و ضعف دارند. خداوند در قرآن، به هر یک از این لایه‌ها متناسب با نقش و اهمیت آن پرداخته است. بر مفسران قرآن است تا در برداشت‌های خود از قرآن به وزن شایسته هر لایه توجه داشته باشند. اکثر مفسران به این اصل تفسیری پایبند نبوده‌اند و تفسیر به سوی تفسیر مفهومی گراییده و کمتر به تفسیر عملی و کاربردی پرداخته است. این آسیب به تفاسیر دوران معاصر نیز راه یافته است. هر چند تفسیر کاربردی بر پایه تفسیر مفهومی استوار است، اما دایره بهره‌گیری حداکثری از تفسیر مفهومی به مفسران محدود می‌شود و پاسخگویی به سایر نیازهای قرآنی جامعه از عهده تفسیر کاربردی برمی‌آید. باید مفسران در لایه نخست خویش، به تفسیر مفهومی بپردازند و پس از آن، معارف تفسیر مفهومی را در قالب تفسیر کاربردی عرضه کنند. راه کارهای برون‌رفت از تفسیر مفهومی به سوی تفسیر کاربردی دست کم در چهار دسته قرار می‌گیرند: ۱. بازسازی نظام آموزشی حوزه و دانشگاه در ساحت تفسیر قرآن کریم. ۲. تولید روش‌شناسی و روش‌های نوین تفسیری. ۳. تغییر رویکردهای تفسیری مانند: تفسیر فردی به تفسیر اجتماعی و تفسیر تمدنی، تفسیر فردی به تفسیر گروهی با تخصص‌های گوناگون، تفسیر تک‌رشته‌ای به تفسیر میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای و ۴. زمینه‌سازی جهت ارتباط میان خبگان و نهادهای فرهنگی و اجتماعی با مفسران. هدف این پژوهش توسعه و تعمیق تفسیر کاربردی و پیاده‌سازی آن در آحاد جامعه است. پرسش اصلی از این قرار است: فرایند تبدیل مفاهیم بلند قرآن کریم به رفتار و نماد چیست؟

کلیدواژه‌ها: تفسیر مفهومی، تفسیر کاربردی، تفسیر عملی، تفسیر معاصر، راه کارها.

* استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم (mostafa.ahmadzadeh@gmail.com)

الهیات سکوت، سخن گفتن از ذات متعالی و «اُذن بودن پیامبر»

مهدی اخوان*

گرایشی در سنت عرفانی در ادیان به سکوت و صمت توصیه می‌کند. این نگاه به مسائلی دامن می‌زند، از جمله اینکه آیا دین به طور عام یا برخی ادیان بطور خاص، سکوت را ترجیح می‌دهد؟ برخی فلاسفه همچون ویتگنشتاین در آخرین فقره تراکتاتوس (۱۹۲۱) سکوت را مقید به آنجا می‌کند که مقوله‌ای پیش آید که نتوان در باب آن سخن گفت. از فقرات پیش تا حدودی می‌توان فهمید مراد ویتگنشتاین از ناگفتنی‌ها چیست. در قرآن در آیاتی می‌توان ارزش سکوت/ و یا ترجیح شنیدن را استنباط کرد. نخست در داستان حضرت مریم (سوره مریم: ۲۳-۲۶) و «زکریّا» (آل عمران، آیه ۴۱) و دیگر (توبه، آیه ۶۱) که از پیامبر (ص) به عنوان «اُذن» یاد می‌شود. در رابطه با آیه اخیر، باید دید این آیه در تفسیر رایج به چه واقعه‌ای اشاره دارد و آیا می‌توان ترجیح سکوت را از آن استنباط کرد؟ این مقاله بر آن است که ضمن اشاره به برخی مباحث فلسفی در باب سکوت، این پرسش را پاسخ دهد که آیا سکوت در آموزه‌های دینی «ارزش مثبت» دارد و اگر دارد در مورد چه سخن گفتنی و چگونه سخن گفتنی؟ آیا توصیه به سکوت در رویکرد برخی عرفا با سخن گفتن خود آنها دست کم در آنچه نمی‌توانسته اند از آن سخن بگویند و به تعبیری آنچه رازهای مگو بوده است، در تناقض نیست؟ و آیا نظام عملی آنها مبتنی بر سخن گفتن و شنیدن نیست؟ و آیا سخن نگفتن به نوعی خود عملی نیست که بتوان در الهیات عملی جایی برای آن یافت؟ آیا می‌توان ردی از کلام سعدی در آموزه‌های دینی در باب سکوت یافت که دم فروبستن به وقت گفتن همان قدر خطاست که سخن گفتن به وقت خاموشی؟

کلیدواژه‌ها: الهیات سکوت، الهیات ادیان، الهیات کاربردی، الهیات تنزیهی، راز

الهیات عملی، اخلاق و رفتار اجتماعی با تکیه بر رعایت حق الناس

قاسم اخوان نبوی*

یکی از مباحث الهیاتی قابل طرح درباره رفتار و عمل اجتماعی، رعایت حقوق مردم یا حق الناس است. رعایت این حق که برآمده از روابط بین افراد در جامعه دینی است موجب گسترش عدالت اجتماعی در جامعه می‌گردد، زیرا حق الناس حقی است که قانونگذار برای فرد یا افراد خاصی قرار داده است تا در پرتو آن به منافع مورد نظرشان برسند. حق الناس به حق عام و حق خاص تقسیم می‌شود، و هر یک از این دو قسم مصادیق متعددی دارند که در منابع دینی بیان شده، و راهکارهایی برای حفظ و مراعات آن نیز مطرح گردیده است. بنابر یک تفسیر، الهیات عملی، رشته‌ای از الهیات است که تلاش می‌کند تا از روش‌های الهیاتی برای مطالعه وضعیت معاصر و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان استفاده کرده، و از دریچه ایمان به حوادث انسانی نگاه کند. در این مقاله سعی شده است از موضع الهیات عملی مسئله حق الناس و رعایت آن و تأثیری که در رفتار و عمل اجتماعی انسان دارد بررسی شود. این مقاله نشان می‌دهد که رعایت حق الناس دارای آثاری همچون ۱. گسترش عدالت اجتماعی و به تبع آن حفظ کرامت، شأن و منزلت انسان‌ها، ۲. برطرف شدن تبعیض و رفتارهای مبتنی بر سلیقه فردی، صنفی و گروهی، ۳. توجه به فضائل و شایستگی‌های انسان‌ها در انجام وظائفی که به آنها واگذار می‌شود، ۴. رواج و گسترش همدلی، تعاون و ایثار بر پایه حفظ و احترام به حقوق دیگران، ۵. حفظ حقوق مادی و معنوی انسان‌ها مانند حفظ آبروی انسان‌ها، حفظ جان و مال آنها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، حق الناس، فضائل، اخلاق، رفتار اجتماعی، کرامت انسان

* استادیار گروه کلام پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، قم

(ghasemakhavan@gmail.com)

فتوت بود گوهر شایگان؛ بازخوانی دیدگاه ابن عربی از فتوت در

چهارچوب الهیات عملی

محمدجواد ادبی *

بسیاری فتوت را شعبه‌ای از تصوف دانسته‌اند که مجموعه‌ای از ملکات فاضله و سجایای پسندیده انسانی است که هم به بخشایش و ایثار و چشم‌پوشی از خطای دیگران «دعوت» می‌کند و هم به آدمیان رنجور «خدمت» روا می‌دارد. محی‌الدین ابن عربی در تقسیم سالکین الی الله و مقامات آنها به گروهی اشاره می‌کند که اهل خلق‌اند و نسبت فتوت را به خدا باز می‌گردانند. وی اتصاف به صفت جوانمردی را در ذیل صفات خداوندی قرار می‌دهد و معتقد است حکم فتوت ذاتاً از آن خدا است و به واسطه حق در باب خلق معنا پیدا می‌کند. شیخ اکبر در الهیات عملی صوفیانه‌اش تبیین می‌کند که در خداوند صفت جوانمردی محقق است و آن را به آدمیان از روی ایثار اعطا می‌کند تا آدمیان نیز به یکدیگر جوانمردی کنند؛ به همین دلیل جوانمرد را در نسبت با خدا تعریف می‌کند تا صفت فتوت از جانب خدا و برای خدا در جهت کمک‌کاری به خلق در او تجلی یابد. ابن عربی تلاش در رفع کاستی‌ها و ناراستی‌ها را در عین نگاه نقادانه‌اش به فتوت در نظر دارد و آن را ایثار علم مشروع بر هوای نفس مطبوع می‌داند و در عین حال به نقد شطح و رعونات توجه نموده و مکر متین الهی را در کمین فتیان نیز می‌داند. مقاله حاضر تلاش دارد الهیات عملی صوفیانه و اقتضائات آن را در مصداق فتوت از منظر ابن عربی خصوصاً در ابوابی از فتوحات مکیه به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی صوفیانه، ایثار، شطح، فتوت

دروغ در اخلاق و الهیات عملی بر اساس دیدگاه پیتز کریفت

مریم اردشیر لاریجانی^۱؛ عبدالله عابدی‌فر^۲

بنا بر برخی تعاریف، وظیفه الهیات عملی در وهله نخست، تحلیل و تفسیر الهیاتی از واقعیات اجتماعی و فرهنگی و اعمال فردی و اجتماعی انسان‌ها است و سپس ارائه راهکار الهیاتی متناسب. بر این اساس، دروغ که در اشکال متنوعی در زندگی روزمره متبلور می‌شود موضوعی است در خور اعتنا. پیتز کریفت، فیلسوف تومیسست و مؤلف کتاب «الهیات عملی»، معتقد است که دروغ گاهی نه تنها بد نیست بلکه خوب هم هست. اینکه در چه شرایطی، دروغ گفتن بهتر از دروغ نگفتن است را می‌توان با رجوع به شهود و وجدان دریافت. او با توسل به عقل‌گرایی ارسطویی-توماسی به نقد مکتب نام‌گرایی، فلسفه دکارت و کانت می‌پردازد و معتقد است آنها شهود را که در فلسفه ارسطو و آکویناس ذیل عقل بود کنار گذاشته‌اند و تعریفی از عقل ارائه کرده‌اند که گویی عقل صرفاً به مثابه کامپیوتری است که از قبل برنامه به آن داده شده است و بر اساس آن عمل می‌کند؛ درحالی که در عقل‌گرایی ارسطویی توماسی، شرایط و موقعیت و قصد، اهمیت قابل‌توجهی دارد. در جواز صحت دروغ، بر آن است که شرایط، قصد خوب و شهود اخلاقی عواملی هستند که می‌توانند گاهی جواز صحت دروغ باشند؛ اما در مقابل نقدهایی بر آن وارد شده از جمله اینکه این دیدگاه با آموزه‌های کلیسا و الهیات کاتولیک تنافی دارد و به‌نوعی شهود اخلاقی را جایگزین حقیقت مطلق موجود در آموزه‌های عیسی مسیح (ع) کرده است. در این مقاله سعی می‌شود نظر پیتز کریفت در خصوص دروغ بر اساس نمونه‌های عینی آن بیان شده و نقدهای وارد بر آن از منظر اخلاقی و الهیاتی بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: پیتز کریفت، دروغ، شهود، عقل‌گرایی، قصد، الهیات عملی

۱ استادیار گروه فلسفه اخلاق، دانشگاه قم (m.larjani@qom.ac.ir)

۲ دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشگاه قم (abdollahabedifar@gmail.com)

الهیات عملی در بستر جامعه اسلامی

علی اردشیر لاریجانی*

گرچه الهیات عملی، بخشی از تأملات الهی‌دانان مسیحی است که در دو قرن اخیر به‌ویژه با کاوش‌های اشلایر ماکر در غرب مطرح گردید، اما در گذشته تمدن اسلامی -بدون بهره جستن از این واژگان- در سازمان روحانیت چه شیعه و چه اهل سنت وجود داشته است. هدف این مقاله آن است که چه موضوعاتی و چه اقداماتی در جوامع اسلامی، به عنوان الهیات عملی باید مورد نظر باشد و بلکه اولویت دارد. برای دقت بیشتر در کاوش، ابتدا جوامع اسلامی دو بخش جامعه اسلامی تحت حکومت‌های غیر اسلامی و جامعه اسلامی تحت نظام یا حکومت اسلامی تقسیم و الهیات عملی در هر یک مورد تامل واقع گردید. در این دو بخش گرچه موضوعات مشترک وجود دارد، اما امور اختصاصی آن به‌ویژه با تجربه عملی پس از انقلاب اسلامی، بر اهمیت و قابل توجه می‌باشد. لذا تمرکز بیشتر را اولویت‌های الهیات عملی در متن جامعه ایرانی امروز قراردادیم. چند موضوعی که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفته، مستقیماً به ماهیت موضوعات دینی ربط پیدا نمی‌کند، اما تاثیر زیادی بر باورهای دینی مردم گذاشته است. نکته نخست درباره نحوه ارتباط روحانیت با حکومت است. دیگر، به تاثیر فرهنگ‌ها و سنن قومی و ملی بر نحوه تبلیغ دین می‌پردازد و نکته سوم مربوط به مقتضیات زمان در فهم دین و تبلیغ آن می‌باشد. نکته چهارم ناقص بودن طرح‌ها و عدم توفیق در ارائه طرح‌های مناسب با ادعای حکومت را مورد توجه قرار داده و پنجم عدم وجاهت عقلانی برخی گفتارها و رفتارها در بخش‌های حکومت را بررسی می‌نماید که همگی بر تلقی جامعه از باورهای دینی تاثیر گذاشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: حکومت، باورهای دینی، روحانیت، تلقی جامعه

الهیات عملی و رنج بشری؛ پیش‌نهاد سیمون وی

مجتبی اعتمادی‌نیا*

پرسش از معناداری و چگونگی مواجهه با رنج، به‌مثابه یکی از دغدغه‌های جدی در حوزه الهیات عملی، سیمون وی، فیلسوف، الهی‌دان، عارف و مبارز فرانسوی را بر آن داشته تا در این باب، نظریه ویژه‌ای پیش نهد که بر اساس آن آفرینش، نوعی وانهادگی و انصراف خداوند از طبیعت است. خدا همه هستی ما را، غیر از حقیقت ازلی روحمان، در دستان ضرورت بی‌رحم ماده و خشونت شیطان وانهاده است. ازاین رو، آفرینش در نگاه «وی» نه خوب است و نه بد؛ بلکه «ضروری» است. بنابراین، اولین گام برای درک و کنارآمدن با چرایی رنجی که در این جهان دچار آنیم، فهم بی‌معنایی این چرایی است. این جهان بر مدار ضرورت می‌چرخد و ضرورت به اراده خداوند «سازوکاری کور و کر» است و خداوند در این میان، با اراده خود، بی‌طرف باقی می‌ماند. اما از سویی دیگر، به این ضرورت می‌توان عشق ورزید و بهترین انتخاب در مواجهه با امری که ما هیچ اختیاری در قبال پذیرش یا عدم‌پذیرش آن نداریم، همین است. سیمون وی بر آن بود که آدمی اگر به بی‌طرفی خداوند و حضور قاهرانه ضرورت در این عالم تسلیم شود، زیبایی جهان اندک‌اندک برای او رخ می‌نماید. «وی» عقیده داشت که میان «رنج» و «محنت» تفاوتی مهم وجود دارد. در این میان، رنج عمدتاً ناظر به امور جسمانی است و محنت به رغم آنکه از رنج انفکاک‌ناپذیر است، در ژرفای روح رسوخ می‌کند. از این منظر، محنت، نوعی ریشه‌کن شدن زندگی و معادل کمابیش تخفیف‌یافته مرگ و فروستگی تمام‌عیار ساحت امید است که به جای رهایی از آن، باید خود را در آن به اضمحلال کشانید. چنانکه پیداست، این دیدگاه سیمون وی با تغییر نگرش متعارف ما نسبت به رنج و محنت، در واقع راهکاری عملی در مواجهه با آن پیش روی ما قرار می‌دهد و از این حیث، به آموزه‌ای کاربردی در حوزه الهیات عملی بدل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیمون وی، رنج، محنت، ضرورت

* استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، البرز (etemadinia@gmail.com)

درآمدی بر الهیات رخداد از منظر جان دی کاپوتو

حامدعلی اکبرزاده*

«الهیات رخداد» نگرشی پسامردن به دین محسوب می‌شود که ریشه در ناکامی نظام‌های الهیاتی و فلسفی پس از جنگ جهانی دوم دارد و به شکلی جدی از اندیشه‌های فیلسوفانی مانند نیچه، هایدگر و دریدا متأثر است. این مفهوم را جان دی. کاپوتو فیلسوف دین آمریکایی، بر اساس نگاهی پساساختارگرایانه و برای نفی نظام‌های الهیاتی مبتنی بر فلسفه سنتی غرب یا همان «متافیزیک حضور» وضع کرده است. الهیات رخداد بر عدم تعین و ثبات معنا در تعبیر الهیاتی تأکید دارد و وضعیتی آستانه‌ای را در معنا تصویر می‌کند. این نگرش با نفی هرگونه مطلق‌انگاری، ساختارمندی و سویه‌های ایدئولوژیک، از مفاهیمی در حال تحقق، آینده‌ای باز، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مهار سخن می‌گوید و به جای سویه‌های معرفت‌شناختی، بر ویژگی‌های پراگماتیک و اگرستانسپال دین تأکید دارد. در نتیجه این نگرش، با دین و مفاهیم الهیاتی باید مواجهه درونی داشت و آن را به شکلی پراگماتیک و عمل‌گرایانه محقق ساخت و بر همین اساس است که الهیات رخداد با نوع دوستی، کارهای خیر، کمک به انسان‌ها، عدالت‌ورزی و اخلاق پیوند وثیقی می‌یابد. از منظر کاپوتو دین - به عنوان فعل انسان - به معنای عشق‌ورزیدن به خداست و این عشق‌ورزی در خدمت به بیهو زنان و یتیمان متجلی می‌شود. از این منظر، حقیقت دین با نظام‌های الهیاتی تفاوتی بنیادین دارد و متعلق به پایگاهی است که می‌توان آن را «مواجهه ناگهانی با حقیقت»، «برساختن» یا «انجام» حقیقت نامید، چیزی که به ما انسان‌ها تأکید می‌کند دست از سستی برداشته و موجب رخ دادن حقیقت بشویم.

کلیدواژه‌ها: الهیات رخداد، کاپوتو، ساخت گشایی، دریدا، متافیزیک حضور

* دانش‌آموخته دکتری رشته کلام، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (hamed.akbarzadeh@yahoo.com)

الهیات عملی و شاکله

حوران اکبرزاده *

طبق آیه ۸۴ سورة اِسرائ «اقل کُلَّ یعمل علی شاکلته فریکم أعلم بمن هو اُهدی سبیلاً»، این شاکله است که گمراهی و هدایت من را رقم می‌زند. شاکله منابع مختلفی دارد و برآیندی است از امور مختلف که نحوه وجود و هویت انسان را شکل می‌دهد: اکسابات (هیئت‌های حاصله از طریق انتخاب‌ها، افعال و آموزش‌هایی که می‌بینیم)، ژنتیک و محیط. بنابراین، شاکله، طینت و خلقت من نیست، و انسان با شاکله متولد نشده که در رفتارش مجبور باشد، بلکه در آن عنصر اختیار وجود دارد. بنابراین، انسان در صورت داشتن خودآگاهی می‌تواند نسبت به شاکله‌اش خودآگاهی داشته، آن را مدیریت کرده و تغییر دهد. تغییر در شاکله معادل تغییر در رفتار و اوصاف نیست بلکه معادل تغییر در خود است. انسان تنها موجودی است که می‌تواند در خود تغییر ایجاد کند. تغییر در شاکله می‌تواند بر دو نوع باشد: الف) تغییری که در آن، انسان متفعل است و عوامل زیست محیطی و ژنتیکی و .. شاکله وی را تغییر می‌دهند؛ ب) تغییر فعالانه شاکله توسط خود انسان. توبه نمونه‌ای از تغییر فعالانه شاکله است. این تحول را محیط نمی‌دهد بلکه من انسان تصمیم می‌گیرم که خود را عوض کنم. بنابراین، از طرفی شاکله امری عارضی نیست و از طرفی قابل تغییر است. «من» می‌تواند شاکله را تغییر دهد و به واسطه این تغییر، فعل تغییر پیدا نماید. با توجه به این که در قرآن، حرف «علی» استفاده شده است و نه حرف «باء سببیت»، معلوم می‌شود که رابطه شاکله با فعل انسان رابطه علی-معلولی یا لازم و ملزومی نیست، بلکه رفتار انسان بر وفق الگوی شاکله است مانند نسبتی که فرش با نقشه‌اش دارد. نظریه حرکت جوهری نفس آدمی در ملاصدرا و رابطه نفس - بدن در ساختار فلسفی وی در تبیین این بحث، بسیار کارساز است.

کلیدواژه‌ها: شاکله، الهیات عملی، ملاصدرا، حرکت جوهری، اختیار

بازتعریف آموزش‌های الهیاتی در دروس دانشگاهی

رضا اکبری*

دروس اعتقادی در دانشگاه‌ها تحت عنوان مبانی نظری اسلام ارائه می‌شود که چهار درس اندیشه اسلامی ۱، اندیشه اسلامی ۲، انسان در اسلام، و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام را در بر می‌گیرد. در کنار این عنوان، عنوان‌های عام دیگری از جمله اخلاق و آشنایی با منابع اسلامی نیز وجود دارد. در مصوبات اخیر، تغییراتی همچون تنوع بخشی به سرفصل‌ها و منابع درسی، و معرفی ساختارهایی همچون «شورای معارف اسلامی»، «کمیسیون تخصصی محتوا و متن دروس معارف اسلامی»، و «کمیسیون تخصصی استادان و گروه‌های معارف اسلامی» انجام گرفته است. هر چند که تغییرات صورت گرفته، قدمی رو به جلو محسوب می‌شود اما تغییرات سریع اجتماعی، تغییراتی مستمر را ضروری می‌کند. در این مقام، توجه به نکاتی ضرورت دارد از جمله: ۱. حضور صاحب‌نظران رشته‌ها و زیررشته‌های تخصصی علوم انسانی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، و ... در کمیسیون‌های سه‌گانه برای وصول به شناختی عینی‌تر از مسائل فردی و ایجاد گفتگویی میان رشته‌ای میان متخصصان الهیات و رشته‌های علوم انسانی؛ ۲. تنوع بخشی بیشتر به تعداد دروس اعتقادی با نظر به علائق دانشجویان (مثلاً درس علم و دین با محوریت مسائل یک رشته خاص علمی مثل روان‌شناسی، زیست‌شناسی یا فیزیک) یا با نظر به نیازهای اجتماعی و مهارت‌افزایی (مثلاً مشاوره الهیاتی و تربیت الهیاتی)؛ ۳. ارائه دروس کارگاهی با مشارکت دانشجویان رشته‌های گوناگون برای تبادل تجربیات الهیاتی؛ ۴. ارائه دروس سمیناری با تدریس اساتید متعدد در یک نیمسال تحصیلی؛ ۵. معرفی دروسی مثل تفکر نقاد و تفکر خلاق برای مواجهه دقیق‌تر با پرسش‌های الهیاتی؛ ۶. معرفی دروسی با محوریت معرفی منظومه فکری متفکران دینی همچون آیت الله مطهری. این گونه تغییرات، علاوه بر توجه به نیازها و علائق دانشجویان، در پویایی اساتید معارف و ارتباط علمی آنها با رشته‌های دیگر و در نتیجه ارتقای علمی آنان موثر است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، معارف اسلامی، دروس اعتقادی، آموزش دانشگاهی

جایگاه عمل دینی در سنجش ایمان دینی

علی الله‌بداشتی*

خدای سبحان در عالم وجود چه در دنیا و چه در آخرت برای هر چیزی میزانی قرار داده است. انبیاء میزان سنجش ایمان و عمل امتشان هستند. در روایات اسلامی داریم علی(ع) میزان‌الاعمال است. میزان، اختصاص به آخرت که پاداش و عقاب بر اساس ترازوی عدل الهی است ندارد، در جهان بشری هم برای هر چیزی میزانی است، منطق میزان اندیشه‌های درست از نادرست، امتحان میزان یادگیری دانش‌آموزان و دماسنج میزان برای سنجش دمای هوا است. سوال ما در این مقاله این است که میزان سنجش ایمان گروندگان به یک دین چیست؟ چگونه می‌توان مؤمن را از منافق و مدعی ایمان بازشناسی کرد؟ اگرچه ایمان امر قلبی است و تنها خدا به درون سینه‌ها آگاه است، اما ظهور ایمان در اعمال فردی و اجتماعی انسان، حکایتگر خوبی از ایمان درونی است. از کوزه همان برون تراود که در اوست. مدعای نگارنده در اینجا این است که دست‌کم یکی از مهمترین سنجه‌های ایمان عمل است و هماهنگی اعمال ایمانی با موازین دینی و شریعتی که شخص متدین به آن دین و مذهب به آن شریعت است می‌تواند سنجشگر خوبی برای مرتبه ایمان وی باشد. مراد ما از عمل در اینجا اعم است از اعمال عبادی فردی چون نماز و روزه و اخلاق و رفتار فردی و... و اعمال اجتماعی که در اخلاق و رفتار و کنش‌های اجتماعی هر فرد ظهور پیدا می‌کند که تفصیل آن در منابع دینی هر دینی یعنی کتاب و سنت آمده است. هدف از این پژوهش در درجه اول خودآزمایی است، سپس بصیرت‌افزایی و بالابردن سطح معرفت عمومی برای تشخیص مؤمنان حقیقی از مدعیان ایمان.

کلیدواژه‌ها: ایمان، مؤمن، بی‌ایمان، عمل صالح، میزان

بررسی نسبت میان الهیات عملی و حکمت سیاسی در حل مشکلات

جوامع بشری

رضا انصاری بارده*

الهیات عملی رویکردی عمل‌گرایانه نسبت به مفاهیم الهیاتی عرضه می‌کند و به دنبال آن است که آثار پذیرش باورهای الهیاتی در زندگی عملی انسان و اجتماع انسانی متبلور شود. در مقابل، حکمت سیاسی نیز به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر دانش و عقلانیت در حوزه عمل است. حکمت سیاسی با استفاده از مبانی نظری خود که همان اندیشه و فلسفه سیاسی است به دنبال کاربردی‌ساختن یافته‌های نظری و استفاده از آن یافته‌ها در زندگی بشر است. مشخصه مهم حکمت سیاسی، ناظر بر عمل بودن آن است. حکمت سیاسی در سنت اسلامی توصیه‌ها و راهکارهایی را برای مخاطبان خود بیان می‌کند که آن راهکارها به سعادت‌مند شدن زندگی ایشان در این دنیا کمک می‌کند و در واقع راهکار عقلانی زیستن برای کمتر شدن مشکلات را به آنها می‌آموزد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که با توجه به وجه اشتراک الهیات عملی و حکمت سیاسی در رویکرد عمل‌گرایانه برای حل نیازهای بشر؛ رابطه الهیات عملی و حکمت سیاسی چیست؟ یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که الهیات عملی و حکمت سیاسی هر دو به دنبال حل مشکلات عملی زندگی بشر و همچنین به دنبال تربیت افرادی هستند که بتوانند دانش‌های نظری خود را در عرصه عمل مورد استفاده قرار دهند. خروج از عرصه نظری و ورود به حل نیازها و سوالات عملی جامعه، وجه اشتراک الهیات عملی و حکمت سیاسی است. همراهی الهیات عملی و حکمت سیاسی می‌تواند باعث حل مشکلات بیشتری از جوامع بشری گردد. در این پژوهش به بیان نتایج همراهی الهیات عملی و حکمت سیاسی در بهبود زندگی جوامع می‌پردازیم. الهیات عملی و حکمت سیاسی علی‌رغم اینکه پایه‌های دینی دارند اما در حل مشکلات انسان‌ها رویکرد فرادینی را دنبال می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، حکمت سیاسی، زندگی دینی، جامعه بشری

* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (ansarirez313@gmail.com)

الهیات عملی و رویکرد فتیان در مواجهه با دین

سعید انواری^۱؛ علی علی‌نژاد^۲

جماعت فتیان (جوانمردان) گروهی بودند که مراتب والای معرفتی و معنوی را در زندگی عادی و کسب روزی مادی می‌دانستند. ایشان با طرح آداب کسب و کار در فتوت‌نامه‌ها، اعمال ظاهری دنیایی و مراتب باطنی اخروی را به یکدیگر نزدیک می‌ساختند. در فتوت‌نامه‌ها آداب جوانمردی بیان شده است و برای هر پیشه، آدابی وجود دارد که فرد با مؤذّب بودن به آنها، در مسیر دین‌داری قدم بر می‌دارد و از مسیر حضور اجتماعی و دست‌گیری از مردم، به مراتب والای معرفتی دست می‌یابد. در آیین جوانمردی به نوعی میان عمل و نظر رابطه برقرار می‌کردند؛ مثلاً مشخص می‌کردند که شاطر باید چگونه رفتار کند و هنگام چانه گرفتن و درآوردن نان چگونه رفتار کند و از این طریق چگونه به سلوک معنوی بپردازد. این دیدگاه به جنبه عملی دین و معنویت توجه ویژه دارد و عبادت را در خدمت به خلق می‌یابد. این جماعت که نقش مهمی در فرهنگ ایرانی - اسلامی دارند معتقد بودند که: «اصل فتوت آن بود که بنده دائم در کار غیر خویش مشغول بود». ایشان هم به ظواهر دین پایند بودند و هم در جستجوی معنایی معنوی در اعمال ظاهری روزمره بودند. از این منظر می‌توان فتیان را به نوعی قائل به الهیات عملی دانست که نوعی حکمت عملی را برای عامه مردم ترویج می‌کردند. این جماعت که به آداب و سنت‌های عملی توجه ویژه داشته‌اند، کمتر به نوشتن پرداخته‌اند که این امر در پوشیدگی ایشان مؤثر بوده است. در این مقاله رویکرد فتیان در مواجهه با دین از منظر الهیات عملی مورد شرح و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، فتیان، عمل و نظر، دینداری عملی

۱) دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (saeed.anvari@atu.ac.ir)

۲) دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (alialinejad110@gmail.com)

تفسیرپذیری ایمان و نقش آن در جهت‌گیری‌های الهیات عملی

سیده شیما انوشه^۱؛ احمد کریمی^۲

«ایمان» به عنوان یکی از مهم‌ترین همراهان تاریخ زندگی آدمی، اگرچه در جوامع همگون ایمانی، عاملی برای زیستی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود، در عین حال، با بروز اختلافات تفسیری از آن، به دلیلی برای ایجاد خشونت‌ورزی میان افراد بدل می‌گردد. تا جایی که حتی برخی آتش‌افروزی‌های بزرگ تاریخ، ریشه در عدم پذیرش و تحمل افراد از تفاسیر ایمانی یکدیگر داشته است. درک بُعدی از مسئله ایمان که آن را برخوردار از «قابلیت تفسیرپذیری» می‌داند و بیان می‌کند که شرایط و موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و حتی طبیعی و تاریخی بر برداشت انسان‌ها از ایمان اثر می‌گذارد، به ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر و تحمل بالاتر افراد از یک‌دیگر در سطح جامعه کمک شایانی می‌کند. آنچه در آموزه‌های دینی اسلام نیز بدان پرداخته شده است و جامعه اسلامی را علی‌رغم تفاوت‌های ظرفیتی افراد در پذیرش و تجلی ایمان، همواره به برادرگرایی و اخوت‌ورزی تشویق نموده و افراد را از تحمیل بار گران‌تر بر دوش افرادی با گنجایش ایمانی محدودتر نهی کرده است. از این‌رو مقاله حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از شواهد قرآنی - روایی، بر خوررداری ایمان از قابلیت تفسیرپذیری را تبیین نماید و روشن سازد که از یک‌سو با توجه به «تدرج ایمان»، وجود تفاسیر گوناگون از آن در جامعه اجتناب‌ناپذیر است و از سوی دیگر دست‌یابی به اصل مهم برادری و اخوت در جامعه، در گرو درک این ویژگی ایمان و افزایش انعطاف و تحمل افراد از برداشت‌های ایمانی یکدیگر رخ خواهد داد. امری که به برقراری زیستی مسالمت‌آمیز و همدلانه و به دور از خشونت در میان افراد منتهی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ایمان، تفسیرپذیری ایمان، اخوت، تدرج ایمان، جهت‌گیری الهیات عملی

۱ دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم (sh.anoosheh@gmail.com)

۲ استادیار گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، قم (ahmad.karimi@gmail.com)

تجربه دینی الهیات عملی در آفریقای جنوب صحرا (گذشته، حال و آینده)

محمدحسن ایپکچی*

«بدیاکو» و «امبیتی»، دو فیلسوف دین آفریقا، ضمن رد مفهوم «بومی شدن الهیات» در آفریقای جنوب صحرا، مبتنی بر تلاش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صورت گرفته در دوران مبارزات استعمارزدایی و ضد میسیونری غرب، از تنوع الهیات آفریقایی بومی غیر استعماری دفاع نموده، الهیات عملی در آفریقای پسااستعمار را زندگی دینی توأم با ایمان دانسته و تفسیر هستی‌خداجویانه آفریقایی را در فضای فرهنگی متنوع می‌دانند. تجربه دینی آفریقا ازسوی متالین و فلاسفه دغدغه‌مند معاصر آفریقایی توانست پس از دهه‌ها استیلای استعمار و میسیونری غربی، - از طریق توجه به باورها، نمادها، مناسک، داستان‌ها، روایت‌ها و اسطوره‌ها- نوعی نظم ساختاری اندیشه الهی بومی را در رویارویی با واقعیات اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی سرزمین‌های آفریقایی رقم بزند که عصاره شاخص آن را در مفهوم «معنویت روزمره در آفریقا» خلاصه می‌نماید. درواقع، آنچه این خودآگاهی دینی بومی آفریقایی را نتیجه داد، مبارزات ضد استعماری رهبران، روشنفکران و رهبران انقلاب اندیشه در آفریقا بود. دو فیلسوف دین اعتقاد داشتند که کلیسای غرب با تمام تلاش‌هایش برای جذب هستی دینی مردم آفریقا، نتوانست بر رشد توانمند الهیات عملی آفریقایی فائق آید؛ چرا که در راهیابی از واقعیت‌های اجتماعی و دینی مردم آفریقا غافل بود. امروزه، افزایش کلیساهای مستقل آفریقایی به همراه رشد جنبش‌های دینی و پیروان مسیحیت پروتستان، به عنوان مهم‌ترین نتایج رشد الهیات عملی مطرح است. همچنین، چاپ‌های متعدد از انجیل‌های آفریقایی، آهنگ‌های بومی مذهبی، افزایش فعالیت کلیساهای بومی و مستقل و انگیزه و علاقه فراوان توده مردمی آفریقا در برنامه‌های مذهبی کلیسا (یکشنبه‌ها)، آموزش‌های مذهبی درون خانواده و مدارس و فرهنگ عمومی جامعه نشان از رشد الهیات عملی و تأثیرات آن در برنامه‌های زندگی روزانه مردم آفریقا دارد. درس زندگی عملی مذهبی (معنویت‌گرا) در آفریقا می‌تواند در تجدید نظر و بهسازی ساختار تجربه دینی در کشورمان موثر بوده، نوعی معنویت‌گرایی را در روح و روان جامعه تزریق نماید.

کلیدواژه‌ها: الهیات آفریقا، بومی‌گرایی دینی، مسیحیت غربی، الهیات عملی

* دانشجوی دکتری رشته دین پژوهشی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (hasanipakchi@gmail.com)

تحلیل عقلی فلسفی رابطه بین قانون‌مداری و پیشرفت جامعه

محسن ایزدی*

مسائل جامعه‌شناسی می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای تبلور الهیات عملی و اجتماعی باشد. در همین راستا، می‌توان از طریق اصول فلسفی-منطقی و با استشهاد به برخی از آیات قرآنی، رابطه بین پیشرفت یک جامعه و قانون‌مداری مردم آن جامعه را تحلیل نمود. برای نیل به این مقصود، باید نخست به تحلیل و تبیین سریان قوانین تکوینی عقلی در کل عالم پرداخت و در پی آن، از طریق استدلال فلسفی-منطقی و نیز با الهام و بهره گرفتن از آیات قرآن کریم، به تبیین و اثبات این مدعای مهم فلسفی همت گماشت که در جامعه نیز -اعم از اینکه «جامعه» را دارای وجود واقعی بدانیم یا وجود اعتباری- قوانین تکوینی عقلی حاکمیت دارند. طرح مسئله حاکمیت قوانین تکوینی در جامعه، منطقاً، مسبوق است به بررسی دیدگاه‌های مختلف و نقض و ابرام‌های ارائه شده درباره نوع ترکیب جامعه و اعتباری یا واقعی بودن وجود آن، که بخش مهمی از تحقیق مورد نظر را به خود اختصاص خواهد داد. محور اصلی چنین پژوهشی عبارت خواهد بود از تحلیل و اثبات این دو گزاره (که هر دو از قوانین تکوینی و عقلی حاکم بر جامعه هستند): اولاً «بدون قوانین قراردادی، تشکیل و استمرار جامعه محال عقلی است»؛ ثانیاً: «بدون قانون‌مداری مردم یک جامعه، پیشرفت آن جامعه محال عقلی است». این ادعا که: «قانون‌مداری مردم یک جامعه تأثیر مهمی در پیشرفت آن جامعه دارد»، اگر چه در مطالعات معطوف به بررسی جامعه از حیث ایستایی (جامعه‌شناسی) و نیز بررسی جامعه از حیث پویایی (فلسفه تاریخ)، سخن مطرح و مشهوری است؛ اما با این گزاره فلسفی-منطقی که: «بدون قانون‌مداری مردم یک جامعه، پیشرفت آن جامعه محال عقلی است» تفاوت بنیادینی دارد. گزاره اخیر، از طریق استدلال عقلی و منطقی قابل اثبات است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل عقلی فلسفی، قانون تکوینی، قانون قراردادی، قانون‌مداری، پیشرفت جامعه

بازتاب باور به کرامت ذاتی انسان در کیفیت مواجهه با مجرمین

احسان بابایی*

طبق آموزه‌های قرآنی، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است. هر چند در قلمرو آثار فقهی، در مورد باور به کرامت ذاتی انسان اختلاف نظر وجود دارد، اما در زمینه تربیت اسلامی از بازگشت دادن انسان به خود و متوجه نمودن او به شرافت و کرامت ذاتی خویش به عنوان مبنا و زیربنای اخلاق و تربیت اسلامی یاد شده است. متون دینی با مخاطب قرار دادن انسان به عنوان موجودی نفیس، او را در موقعیتی برتر از آلودگی‌ها معرفی می‌کند و به این ترتیب زمینه را برای خودکنترلی و مدیریت انسان بر خویش فراهم می‌سازد. علاوه بر این، باور به کرامت انسانی، از طریق معرفی انسان به عنوان موجود دارای احترام، روابط افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به عاملی برای محبت‌ورزی، خیررسانی و خودداری از تعرض به حقوق دیگران تبدیل می‌گردد. تأثیر باور به کرامت ذاتی انسان را می‌توان در نحوه مواجهه با مجرمین مشاهده نمود. کرامت ذاتی انسان، می‌تواند اصل اهتمام به اصلاح مجرمین را تبیین نماید. همچنین نهادی مانند توبه و آثار آن در رفع مجازات از مجرم با توجه به همین ویژگی انسان قابل توضیح است. طبق احکام اسلامی، مجرم نیز محترم و صاحب حق شمرده می‌شود و تعدی از میزان لازم مجازات، خود یک جرم تلقی می‌گردد که مرتکب آن، مستوجب مجازات است. علاوه بر این، وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم، ابراز ندامت یا حسن سابقه می‌تواند موجبات تخفیف مجازات تعزیری را فراهم سازد. تأثیرگذاری این عوامل در کیفیت واکنش نسبت به جرم، مبتنی بر نگاه محترانه و امیدوارانه به فرد مجرم است. همین نگاه را می‌توان در نهادهای حقوق کیفری مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط مشاهده نمود.

کلیدواژه‌ها: کرامت ذاتی، مجازات، توبه، تربیت، اصلاح

بازتاب الهیات عملی در اهداف تاریخ‌نگاری مسلمانان

احمد بادکوبه هزاوه*

آغاز توجه مسلمانان صدر اسلام به تاریخ و تاریخ‌نگاری متأثر از عواملی بوده است که بی‌تردید یکی از آنها مفاهیمی بوده که از رهگذر فضای وسیع آموزشی قرآن بر ذهن و جان مسلمانان القا می‌شد. قرآن به صراحت یکی از اهداف داستان‌سرایی را عبرت‌آموزی بیان می‌کند و مخاطبان خود را تشویق به نگاه عبرت‌آمیز به رویدادهای تاریخی و احوال اقوام پیشین می‌کند. از این رو پس از آنکه مسلمانان به ثبت و تدوین تاریخ امت اسلامی و دیگر امم و اقوام پرداختند، همواره یکی از اهداف تاریخ‌نگاری را عبرت‌آموزی و فهم سنت‌ها و آیات الهی در جامعه‌های بشری و نیز تحقق مشیت و اراده الهی در زندگی بشر بیان کردند. این دیدگاه در بسیاری از مقدمه‌های تواریخ برجسته مسلمانان و نیز در نوشته‌های تاریخ‌شناسانه ایشان که امروزه فلسفه تاریخ خوانده می‌شود بازتاب یافته است. تغییر گفتمان فهم تاریخ به دنبال ورود دیدگاه‌های جدید علم تاریخ از غرب به جهان اسلام در دوره معاصر موجب شد تا رویکرد دینی به اهداف تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری تغییر کند و این رویکرد مسلمانان برچسب تاریخ ایدئولوژی خورده و مذبوم تلقی شود. نگارنده در این مقاله در صدد است تا بازتاب این آموزه قرآنی را در آثار نمونه و برجسته تاریخ‌نگاری مسلمانان تا دوره معاصر بررسی کند و نشان دهد که چگونه مسلمانان در فضاهای علمی از جمله علم تاریخ نیز می‌کوشیدند که آموزه‌های اصلی و قطعی دینی را کاربردی و عملی سازند.

کلیدواژه‌ها: اهداف تاریخ‌نگاری، عبرت‌آموزی، سنت‌های الهی، مشیت الهی، داستان‌سرایی

قرآن، الهیات عملی

درآمدی بر الهیات هواخواهی، با تأکید بر هواخواهان ایرانی گروه

موسیقی کردهای اکسو

محمدجواد بادین فکر*

با این فرض که الهیات عملی به دنبال اندیشیدن به روشی الهیاتی درباره کنش‌های فردی و جمعی انسان‌هاست، لذا می‌توان به یکی از صورت‌های مدرن و الهیاتی فرهنگ مدرن یعنی الهیات هواخواهی پرداخت. ریشه‌های تاریخی الهیات هواخواهی را باید به پیش از دوران مدرن و عصر سنت بازگرداند. به نحوی که امروز در فرهنگ غرب ریشه‌های هواخواهی مدرن را به رفتار حواریون مسیح (ع) باز می‌گردانند و همچنین می‌توان فرم‌های ویژه‌تری از آن را در سده‌های نخستین تمدن اسلامی میان فرق عرفانی پیدا کرد. در این مقاله با استفاده از رویکرد نظری پل تیلیش در خصوص الهیات فرهنگ، به تبیین رفتارهای مناسب هواخواهان مدرن می‌پردازیم. همانطور که کریس رایک نیز اشاره کرده است، طرفداران یک فرد مشهور مانند پرستندگانی هستند که در تلاش برای ارتباط گرفتن با این مشاهیر قدرت جادویی آنها را می‌جویند. لذا یکی از تفاوت‌های مشهود هواخواهی مدرن و رسانه‌ای با هواخواهی در فرهنگ سنتی، ارتباط هواخواه با سلبریتی به میانجی متن رسانه‌ای است. چیزی که در مدل سنتی حضور فیزیکی، اصل اساسی شکل‌گیری ارتباط میان هواخواه و مراد بود. به این منظور در این مقاله با ارائه نمونه‌هایی از جمله رفتارهای هواخواهان ایرانی یکی از گروه‌های موسیقی پاپ کردهای به تبیین برخی از ویژگی‌های الهیات هواخواهی در ساحت فرهنگ مدرن می‌پردازیم و همچنین اشاره می‌کنیم که تمایزات هواخواهی مدرن با هواخواهی سنتی چیست؛ به این معنا که به خصوص در فرهنگ ایرانی-اسلامی اساساً ما شاهد هواخواهی‌های مطلوبی هستیم که مبنای آن الهیات توحیدی است. اما اکنون شاهد هواخواهی با جنس الهیات سکولار هستیم. ما در این مقاله به این سوال اصلی پاسخ خواهیم داد که کنش هواخواهی از چه جهت باید با رویکرد الهیات عملی و الهیات فرهنگ به عنوان یک رفتار قدسی در زندگی روزمره بررسی شود؟

کلیدواژه‌ها: هواخواهی، الهیات، فرهنگ مدرن، موسیقی

* دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (m.j.badini74@gmail.com)

«انعطاف‌پذیری نورونی» و نگرهٔ بالا به پایین در اشتدادپذیری ایمان

از طریق انجام مناسک دین اسلام

مهرناز باشی‌زاده مقدم*

برخلاف خوانش سنتی و طبیعت‌گرایانه از فرآیند تکامل که نگره‌ای پایین به بالا دارد، تمام کنش‌های انسانی از جمله باورمندی دینی را مقهور ژن‌ها و م‌ها معرفی می‌نماید و در نهایت به تقلیل‌گرایی و جبرگرایی می‌انجامد؛ خوانش نوین از این نظریه نگره‌ای بالا به پایین ارائه می‌نماید، غیرتقلیل‌گرا است و اختیارگرایی در این فرآیند را ممکن می‌شمرد. در نگرهٔ نوین، هشت ساز و کار از بالاترین سطوح زیستی می‌توانند چگونگی بروز ژن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. انعطاف‌پذیری نورونی (Neuroplasticity) از جملهٔ این ساز و کارها است. این رخداد نورویولوژیک اساساً اشاره به تغییرات ساختاری و عملکردی در مدارها و مسیرهای عصبی در مغز دارد که هم‌زمان با تجارب ذهنی و بیرونی رخ می‌دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت مقایسه‌ای اشتدادپذیری ایمان حاصل از انجام مناسک دینی را در چهارچوب یافته‌های دانش اعصاب و آموزه‌های عبادی دین اسلام بررسی می‌نماید. یافته‌های دانش اعصاب نشان می‌دهند که مناسک عبادی خود راهبر با سه مؤلفهٔ مشترک در یادگیری مؤثر و پایدار، یعنی: تکرار، توجه و هیجان که منجر به پیوندهای جدید عصبی می‌گردند، همپوشان است و می‌تواند موجب فعال شدن مدارهای عصبی مرتبط با تجربهٔ معنوی و در نهایت انعطاف‌پذیری نورونی شود و از این رهگذر اشتدادپذیری ایمان فرد را سبب گردد. این موضوع خود توجیه‌کنندهٔ علیت ذهنی، دیدگاه غیرتقلیل‌گرایانه و مقوم سطحی از اختیارگرایی در ایمان فرد است. در این راستا با عطف نظر به وجوه معرفتی و حیطهٔ التفاتی و عاطفی باور دینی می‌توان از چهارچوب مفهومی نورویولوژیک، چرایی تأکید اسلام بر مداومت، توجه و شورمندی در عبادات را تبیین کرد.

کلیدواژه‌ها: انعطاف‌پذیری نورونی، یادگیری، اشتدادپذیری ایمان، مناسک دینی اسلام

کلام کاربردی و مسئله رنج

رضا برنجکار*

تاریخ اندیشه بشر، همراه با راهکارهای عملی برای مواجهه و مدیریت رنج است. این راه کارهای عملی مبتنی بر یک سلسله مبانی الهیات نظری است. این راهکارهای عملی مبتنی بر الهیات نظری را می‌توان الهیات یا کلام عملی نامید. نمونه‌های برجسته الهیات عملی رنج را می‌توان در کتاب ایوب از عهد عتیق، کتاب تسلائی فلسفی بوئتیوس، و دیدگاه‌های آگوستین، بودا، سقراط و افلاطون، و رواقیان دید. در سنت اسلامی، مواجهه کلام کاربردی با مسئله رنج مبتنی بر این اصول کلام نظری است: الف) وجود خداوند با صفات کمالی او؛ ب) معاد؛ ج) موقت و گذرا بودن زندگی دنیا و اینکه زندگی دنیا همراه با اختیار و آزمایش‌های آن وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و جایگاه ابدی انسان است؛ د) امکان اثرگذاری معکوس خیر و شر دنیوی در سعادت و شقاوت اخروی، بر اساس نحوه مواجهه مختارانه با رنج‌ها و لذت‌ها در دنیا و این که هدف از ارسال رسل نیز مدیریت درست همین نحوه مواجهه بوده است. مواجهه کلام کاربردی با مسئله رنج در کنار ابتدا بر اصول نظری، با دغدغه عملی و با هدف کمک رساندن به فرد رنج دیده برای تحمّل رنج، کنار آمدن با آن و به طور کلی مدیریت رنج است. از بررسی آیات و روایات، حکمت‌های شش‌گانه‌ای درباره رنج به دست می‌آید که می‌توان آنها را در دو دسته کلی جای داد: رنج‌های کیفری (با سه حکمت کیفر صرف، کیفر به منظور پاک شدن و کیفر به منظور بازگشت از گناه و قرار گرفتن در مسیر پاکی) و رنج‌های ابتدائی (با سه حکمت آزمایش، ارتقای درجه معنوی و یا علتی برای پایان عمر). هرچند هیچ تجویز واحد و از پیش تعیین‌شده‌ای درباره نحوه تعامل الهیاتی با افراد رنج دیده وجود ندارد و باید در هر شرایطی و با توجه به وضعیت مخاطب، روش خاصی را در پیش گرفت، چه بسا بتواند راه کار کلی برای تعامل با افراد رنج‌دیده ارائه داد که در هر دو، تسلا دادن به شخص رنج‌دیده محوریت دارد. الف) در مواجهه با افرادی که به رنج‌های عادی دچار گشته‌اند باید چنین به آنان تسلا داد که این رنج با به خاطر گناه است که موجب پاک شدن فرد می‌گردد و یا آزمایشی است که اگر در آن صبر پیشه کند به سعادت ابدی خواهد رسید. در برخورد با افرادی که از رنج‌های شدید و طاقت‌فرسا در عذاب هستند، نباید به هیچ وجه از جنبه کیفری رنج سخن گفت، بلکه می‌باید بر حکمت الهی و لزوم صبر به منظور رسیدن به سعادت ابدی تأکید کرد. مواجهه با این افراد بیش از آنکه کلامی باشد، باید جنبه تعامل عملی و یاری رسانی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، کلام کاربردی، مسئله رنج، مسئله شر

بررسی کارایی الهیات شبانی در معنویت برای کودکان به سبک کارن برگ

زینب پرخورداری^۱؛ هانیه دارائی^۲؛ سینا تکیه^۳

الهیات شبانی، به عنوان بخشی از الهیات نقلی مسیحیت با الگوگیری از سبک زندگی شبانی مسیح (ع) برای انتقال محبت و مراقبت الهی به افرادی که با مسئله شر مواجه شده‌اند، راه کارهایی اجرایی ارائه می‌کند. الهیات شبانی، ضمن اصلاح انگاره افراد مصیبت‌دیده از مسئله شر و یادآوری عشق خداوند به ایشان، اقداماتی حمایتی و گفت‌ووشنودهایی به زبان عواطف دارد تا اعتماد از دست رفته اصطلاحاً گوسفندان بی‌شبان را به ایشان بازگرداند. از طرف دیگر، کودکان بخش مهمی از جامعه انسان‌ها هستند که در ابتدای مسیر تکامل بوده و مواجهه آغازین آنها با جهان، پرسش‌های بنیادین از مسائل دینی و اعتقادی را به همراه دارد. یکی از مسائل مهم در این بین، ایجاد پرسش از مسئله شر و رنج، در ذهن کودکان است زیرا آنها بیش از سایر انسان‌ها، آسیب‌پذیر بوده و در صورت حس بی‌پناهی، بیش از پیش در معرض صدمه خواهند بود؛ لذا پاسخ مناسب و صحیح به پرسش‌های بنیادین کودکان، برای تقویت کیفیت زیست معنوی ایشان ضروری است. به این خاطر است که امروزه بحث معنویت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی دینی، در حوزه تربیت کودکان نیز مطرح شده و برای انتقال سبک معنویت به کودکان، برنامه‌های آموزشی جامعی تنظیم گردیده است. کارن برگ، پایه‌گذار سبک معنویت برای کودکان معتقد است کودکان حق دارند از گنجینه‌های معنوی جهان بهره‌مند شوند و تأکید دارد که کودکان در سراسر جهان و با هر دینی باید تجارب معنوی داشته باشند و چون سبک وی نسبت به تمام ادیان گشودگی دارد، به نظر می‌رسد می‌توان از آموزه‌های الهیات شبانی در دستورالعمل‌های برنامه آموزشی این سبک استفاده کرد که از جمله آن مدیریت خودکنترلی، کسب مهارت در روابط اجتماعی و دوستانه، تاثیرگذاری بر اهداف زندگی و... است. نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی تطبیقی، میان الهیات شبانی و معنویت برای کودکان به سبک کارن برگ، نسبت آن دو را با هم بسنجد و میزان کارایی الهیات شبانی را در ارتقا معنویت کودکان به آزمون بگذارد و نشان دهد که می‌توان از راه کارهای الهیات شبانی، در برنامه‌های جامع معنویت برای کودکان به سبک کارن برگ بهره برد.

کلیدواژه‌ها: الهیات شبانی، مسئله شر، معنویت برای کودکان، کارن برگ

۱ دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران (barkhordariz@ut.ac.ir)

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران (h.daraei123@gmail.com)

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران (sina.tekiah@ut.ac.ir)

تحلیل معرفت‌شناسانهٔ دین‌گریزی

زهرآ بهارلو*

دین‌گریزی، سکولاریسم، جدایی دین از سیاست، جدایی دین از علم و در نهایت جدایی دین از زندگی؛ همگی حامل پیامی واحد هستند: ما از دین بی‌زاری می‌جویم. فارغ از اینکه دین‌گریزی تاریخیچه‌ای بس عظیم دارد، اینک در جوامع امروزی باوری موجه تلقی می‌شود. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. بیایید به جای آنکه در باب معرفت‌شناسی و آسیب‌شناسی دین بحث و بررسی کنیم، باورها و نظریات دین‌گريزان را مورد بررسی و تحلیل معرفت‌شناسانه قرار دهیم؛ توجی‌ها دین‌گريزانه چیست؟ چرا دین‌گریزی در جوامع کنونی مقبولیت و پذیرش عام دارد؟ آیا باورهای دین‌گريزانه موجه است؟ از آنجا که محبوبیت دین‌گریزی در جوامع، روند رو به رشدی دارد، چه بسا تحلیل و بررسی معرفت‌شناسانهٔ باورهای دین‌گريزانه، مسیر را در باب معرفت‌دینی هموارتر سازد. اگر بنا باشد جهل دربارهٔ دین سرنوشتی چون اعتقاد به گزاره‌های دین‌گريزانه رقم زند، نادرستی این گزاره‌ها دریچه‌ای بر آگاهی از جهل دینی است. بی‌زاری از دین می‌تواند ناشی از مواردی همچون جهل و ضعف معرفتی دین، آمیختگی برخی خرافات با آموزه‌های دینی و یا تبلیغ نادرست باشد؛ لذا در صورت زدودن چنین خرافات و تأکید بر رابطهٔ عقل و دین و تفکر عقلانی در باب آموزه‌های دینی و همچنین تبلیغ درست، شاید بتوان دین‌گریزی را در جوامع دینی به حداقل رسانید. این مقاله در نظر دارد نظریات و باورهای دین‌گريزانه را زیر ذره‌بین نقد معرفت‌شناسانه قرار دهد تا توجی‌ها و موجهات آن را بررسی کند. یقیناً در بطن توجیه و شواهد باورهای دین‌گريزانه، جهل و فهم نادرست دین، جا خوش کرده است.

کلیدواژه‌ها: دین‌گریزی، معرفت‌شناسی، آسیب‌شناسی دین، رابطهٔ عقل و دین

* دانشجوی دکتری رشته فلسفه دین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

(bahar82123@yahoo.com)

واکاوی تجربه الهیات مدرسی در مواجهه با پدیده‌های اقتصادی؛ رهیافت‌هایی از نظریه قیمت عادلانه

محمدحسین بهمن‌پور خالصی^۱؛ محمدجواد شریف‌زاده^۲

مدرسین مجموعه‌ای از متکلمین مسیحی بودند که عمدتاً در طی قرون ۱۲ تا ۱۷ کنش‌گری فعالی در اروپا داشتند. ایشان روش تبلیغی جدیدی را در قالب آموزش الهیات در مدارس دینی در پیش گرفتند و از این رو به ایشان مدرسی می‌گویند. ازجمله آموزه‌های قابل‌توجه در ادبیات مدرسی نظریه قیمت عادلانه است که می‌توان آن را یکی از پربسامدترین تئوری‌ها در طول تاریخ عقاید اقتصادی نیز تلقی نمود. این مطالعه در تلاش است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای-تحلیلی و با مراجعه به متون کلاسیک مدرسی، به بازخوانی نظریه قیمت عادلانه در اندیشه اقتصادی متفکرین مدرسی بپردازد تا از طریق آن، تجارب عمومی الهیات مدرسی در مواجهه با پدیده‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور، نظریه قیمت عادلانه از ریشه‌های شکل‌گیری آن در حکمت عملی مدرسی تا سطحی‌ترین صورت آن به‌عنوان یک نهاد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از طریق آن بتوان به این سؤال پاسخ گفت که چگونه الهیات می‌تواند در ساحت عملی خود، تا سطحی‌ترین اعتبارات اقتصادی نقش‌آفرینی نماید و نیز آنکه الهیات عملی چه اختصاصاتی را برای دستگاه تحلیل یک متفکر در علم اقتصاد با نگرشی دینی فراهم می‌آورد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد متفکرین مدرسی در ساحت نظری الهیات عملی دستاوردهای قابل‌توجهی برای ترویج الهیات از طریق تألیفات و آموزش‌های خود در مدارس داشتند و در ساحت عملی آن نیز سعی در عملی‌سازی الهیات در بنیادهای انسانی جامعه از طریق ساخت اعتبارات و نهادهای مختلفی همچون قیمت عادلانه داشتند. در این راستا نظریه سعادتمندی انسان در الهیات مدرسی تأثیر قابل‌توجهی در شکل‌گیری موضوعات اقتصادی به مثابه بخشی از حکمت عملی مدرسی داشته است. علی‌رغم این دستاوردها عدم فهم نظام‌مند ایشان از پدیده‌های مدرنی همچون نظام سرمایه‌داری و نیز عدم تلاش برای تحقق عملی آموزه‌های خود در ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه ازجمله کاستی‌های مواجهه ایشان به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات مدرسی، متفکرین مدرسی، اقتصاد اسلامی، قیمت عادلانه

۱ دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (m.bahmanpour@isu.ac.ir)

۲ دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (sharifzadeh@isu.ac.ir)

الهیات بیماری به مثابه الهیات عملی

نعمیه پورمحمدی*

در «مطالعات جدید بیماری» رشته‌های مختلف علمی با روش‌های خاص خود با هم ترکیب می‌شوند تا راجع به بیماری چارچوب درک و عمل واحدی را مشخص کنند. در پی ایجاد و گسترش مطالعات جدید بیماری، بازخوانی الهیات از منظر مطالعات بیماری و بازتولید الهیات بیماری‌نگر ضروری می‌نماید. در بخش اول این مقاله، یعنی «الهیات بیماری»، آموزه‌های الهیاتی درباره بیماری را نقد می‌کنم؛ آموزه‌هایی همچون «به‌کارگیری گسترده استعاره بیماری در متون دینی»، «اعطای هویت نشانه‌ای و ابزاری به شخص بیمار» مثل تجلی قدرت شفابخش خدا، تجلی اراده مطلقه و حاکمیت خدا، مایه آزمایش مؤمنان، مایه تمایز قدیسان، تجلی عدل و شکوه خدا، یادآور شکر خدا و مایه اجابت دعا، «توصیه به صبر بر بیماری و امید بیمار به بهروزی در زندگی پس از مرگ»، «توصیه به دست‌گیری از بیماران و صدقه‌دادن به آنها»، «باور به غرامت‌خواهی، تاوان و کفاره گناه بودن بیماری»، «اعتقاد مغرط به تسلط اراده الهی در بیماری»، «توسل صرف به شفای الهی در بیماری»، «تکیه بر مواهب بیماری» مثل فروتنی، پرورش و تعالی روح، یادآوری مرگ و دریافت تسلاهی الهی، «دعوت به خشنودی از بیماری»، «اصرارورزیدن به یافتن حکمت، معنا و راز در بیماری». در ادامه سخن گفتن از الهیات بیماری، از ظرفیت‌هایی که در الهیات سنتی وجود دارد برای درک و کمک به بیمار بهره می‌برم، همچون: «یادآوری حضور همیشگی و مهرورزی الهی»، «همراهان بیمار به عنوان نمایندگان خدا و نشانگان فراموش‌نشدن شخص بیمار نزد خدا»، «دعوت بیمار برای کمک به دیگران» و «مراقبت‌های شبانی و معنوی از بیماران» همچون: دعا، گفت‌وگو، گوش‌دادن درست و فعال، زبان عاطفی. در بخش دوم مقاله با عنوان «الهیات بیماری‌نگر»، با کوشش برای ایستادن در جای بیمار و به دست آوردن چشم‌انداز شخص بیمار، در صدمد الهیاتی تازه را، آن‌گونه که شخص بیمار به آن نیاز دارد و آن را می‌طلبد، بازسازی و بازتولید کنم. الهیات بیماری‌نگر قطعاً حول ارزش‌گذاری دوگانه و نظام سلسله‌مراتبی میان کمال و نقص نمی‌چرخد و در آن شخص بیمار به دلیل بی‌بهرگی از سلامتی و استقلال، از فضیلت و ارزش و تقدس تهی نیست. بر این اساس، چنین نیست که همه

* استادیار گروه فلسفه دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (Naemepoormohammadi@yahoo.com)

اشخاص مقدس و الگو در الهیات بیماری‌نگر در سلامتی و کمال مطلق به سر ببرند؛ بلکه امکان دارد در همه یا بخشی از زندگی‌شان بیماری، معلولیت، ضعف یا ناخوشی را تجربه کرده باشند. در سنت مسیحی (با توجه به تصاویر، شمایل‌نگاری و مجسمه‌هایی از عیسی مسیح مبتلا به سندروم داون در آغوش مریم مقدس) و نیز در سنت اسلامی (با توجه به وجود انبیای الهی (ع) و حتی ائمه اطهار (ع) و صحابه‌شان که در پاره‌ای از اوقات زندگی بیماری، ضعف یا وابستگی را از سر گذرانده‌اند) می‌توان نمونه‌های مناسبی یافت.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات بیماری، الهیات بیماری‌نگر

موضع مکتب فقاہت و استنباط شیعه نسبت به تفکر نقادانه و اندیشه متأملانه

مہدیہ تک‌فلاح*

پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا منش علمی مکتب فقاہت و استنباط شیعه موضعی در خصوص تفکر نقادانه و اندیشه متأملانه دارد یا خیر؟ تفکر نقادانه و اندیشه متأملانه به طور کلی چهار فعالیت اصلی را در فرایندهای فکری پیش روی ما قرار می‌دهد و توصیه‌های خود را ذیل این چهار فعالیت عرضه می‌کند؛^۱ ایضاح مفاهیم، کشف پیش‌فرض‌ها، بررسی دلایل له و علیه و بررسی سازگاری گزاره‌ها، نظریه‌ها، پارادایم‌ها و روحیه‌های حاکم بر دیدگاه. مجموعه آیات و روایات شیعی، در ارتباط با این چهار فعالیت توصیه‌هایی دارد؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»، «انظر إلی ما قال ولا تنظر ألی من قال». تلاش مولف این نوشتار، شفاف‌سازی روابطی است که میان توصیه‌های نظام تفکر انتقادی و اندیشه متأملانه و نظام برگرفته از توصیه‌های آیات و روایت در این خصوص وجود دارد. نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای در تاریخ استنباط و حتی پیش از آن در میان فقهای متقدم وجود دارد که به وضوح موید تلاش‌های آنان در جهت نیل به مشترکات این دو نظام است؛ نمونه استنباط‌هایی که در انتهای این نوشتار می‌آید از فقهای همچون مقدس اردبیلی، شیخ اعظم و محمدباقر صدر از این قرار است. بر این اساس می‌توان در مقام پاسخ به پرسش فوق ادعای وجود موضعی مویدانه از سوی این مکتب نسبت به توصیه‌های تفکر نقادانه و اندیشه متأملانه را ادعایی قابل ملاحظه دانست.

کلیدواژه‌ها: استنباط، تفکر انتقادی، اندیشه متأملانه

* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

آموزش قوی: ادیان و مسئله آموزش آموزه‌ها

محسن جاهد*

سقراط در رساله مئو، مدعی می‌شود: فضیلت آموزش دادنی نیست؛ چرا که اگر فضیلت آموزش دادنی بود، بزرگان آتن که همه چیز به فرزندان خود داده بودند، قطعاً فضایل را نیز به فرزندان خود آموزش می‌دادند. این چیزی بود که عملاً محقق نشد و بسیاری از فرزندان آنان ردیلمتند شدند. اگر فضیلت آموزش دادنی نیست، سقراط در آتن چه می‌کرد؟ برخی از شارحان سقراط بر این باورند که مراد سقراط آن بود که فضایل را با آموزش ضعیف نمی‌توان آموزش داد و باید «آموزش قوی» را در پیش گرفت. آموزش قوی را نباید با مسئله تربیت یکسان انگاشت، چرا که آموزش قوی و دامنه آن، شامل مسائل نظری صرف نیز می‌شود. آموزش قوی شیوه‌ای است که در آموزش‌های همه ادیان مشهود است و این، تفاوت عمده ادیان با فلسفه و یا با اکثر جریان‌های فلسفی است. این نوع آموزش از سنخ آموزش مهارت‌ها است، و مدعی است بسیاری از مفاهیم اساسی در آموزه‌های دینی را نمی‌توان با روش میناگروانه یا مفهومی به‌ترتیب آموخت بلکه فهم آنها صرفاً از طریق نوعی دور هرمنوتیکی محقق می‌شود. این نوشتار در پی آن است که اولاً آموزش قوی و اهمیت آن را تبیین نماید، و سپس نشان دهد که ادیان در القای آموزه‌های خود از چنین روش آموزشی‌ای بهره‌برده‌اند. این روش آموزشی، به وضوح در آموزش‌های مرسوم دین در دانشگاه‌ها دیده نمی‌شود. نتیجه آموزش دانشگاهی در حوزه دین آن است که عملاً آموزش‌های دانشگاهی دیندار تربیت نمی‌کنند، و محصول آنها در بهترین وضعیت فیلسوف دین یا افرادی با سطحی از آگاهی دینی است. اگر مبانی نظری آموزش قوی پذیرفته شود، آنگاه آشکار می‌شود منطق ارسطویی با همه سویه‌های آن و فلسفه‌های متناظر با آن، ابزاری مناسب حتی برای فهم دین -و نه صرفاً تربیت دینی- نخواهند بود و تلاش متکلمان مسلمانانی چون خواجه نصیر را باید نوعی فاصله‌گیری از ذهن و زبان آموزه‌های دینی دانست.

کلیدواژه‌ها: ادیان، فهم آموزه‌های نظری، آموزش قوی، آموزش ضعیف

* دانشیار گروه حکمت و کلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (m_jahed@sbu.ac.ir)

واکاوی مبناهای مؤثر بر کاربرد الهیات در امداد فرهنگی

مجید جعفریان^۱؛ نیره زارعی^۲

کاربرد الهیات در زمینه اجتماعی از دشوارترین مسائل میان‌رشته‌ای است که موجب نظریه‌های گوناگون در دهه‌های اخیر شده است. از جمله زمینه‌های اجتماعی که در شرایط مدرن رشد کرد و می‌توان از آن در کاربرد الهیات سخن گفت، امداد فرهنگی است. از یک سو، امداد فرهنگی به عنوان یک کنش و اقدام اجتماعی مؤثر در جهت توان‌بخشی به افراد جامعه و بهبود فقر، بیکاری، مشاجرات خانوادگی، اعتیاد، کج‌روی‌های اجتماعی و ... به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، الهیات و نقش آموزه‌های دینی قرار دارد که در موقعیت‌های گوناگون تاریخی عامل مهمی برای معرفت‌بخشی، معناداری و بهزیستی حیات فردی و اجتماعی بشر بوده است. از این رو، آنچه زمینه طرح یک پرسش را فراهم می‌کند، برجسته بودن مناسباتی است که می‌تواند بین الهیات و امداد فرهنگی براساس کارکردهای آنها در جامعه وجود داشته باشد؛ به این معنا که الهیات برای مددکار فرهنگی به گونه‌ای تعریف شود که بتواند در مسیر شغلی خود، در جهت بهبود وضعیت و شرایط فرهنگی افراد جامعه استفاده کند. با تکیه بر این پیش‌فرض، هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که اساساً الهیات براساس کدام مبنا می‌تواند در امداد فرهنگی به کار آید؟ به عبارت دیگر کدام مبناهای شناختی و نظری می‌تواند الهیات را به نوعی از الهیات عملی قابل کاربرد در امداد فرهنگی تبدیل کند. روش در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و داده‌های موجود مبتنی بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای است که با مسئله پژوهش همسو بوده‌اند. بررسی یافته‌ها در این زمینه نشان می‌دهد، در نظر گرفتن تجربه‌های دینی و اخلاقی به عنوان مبنای حرکت امدادی، تأکید بر رویکرد عملکردی به دین و تفوق آن بر رویکرد کارکردی، نگاه نظام‌مند در ارائه تجربه‌های دینی و در نهایت قلمداد کردن سرمایه اجتماعی دینی به عنوان ابزاری برای درونی‌سازی هنجارها، چهار مبنای اساسی در توجیه کاربست الهیات در امداد فرهنگی است.

کلیدواژه‌ها: الهیات، امداد فرهنگی، رویکرد عملکردی، سرمایه اجتماعی دینی

^۱ استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم (m.jafarian@isca.ac.ir)

^۲ دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه (nre.zer@gmail.com)

مطهری و جایگاه شر در حرکت تکاملی تاریخ

فاطمه جمشیدی^۱؛ میثم سفیدخوش^۲

مفهوم تاریخ که در دوران مدرن عظمتی فراسوی مجموعه‌ای از رخدادها پیدا کرده بود، در سده اخیر موضوع تأمل متفکران ایرانی بسیاری از جمله مرتضی مطهری نیز قرار گرفت. وی متأثر از نگرش‌های رومانتیک که در آن زمان رواج یافته بودند اعتقاد داشت که تاریخ، حرکت تکاملی دارد، اما از آنجا که متفکری مسلمان بود می‌کوشید تا این حرکت را مطابق آنچه خودش «جهانبینی اسلامی» می‌خواند تبیین کند. در این تبیین، مفهوم قرآنی خلیفه الهی انسان و نیز دو مفهوم برنامه تشریعی و برنامه تکوینی خداوند برای انطباق آدمی با جریان تاریخ برجسته هستند. انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین، مسئول ساختن تاریخ است. ولی برای اینکه در این عمل ساختن به بیراهه نرود و مسئولیت تاریخی خود را به درستی به انجام آورد دو برنامه تکوینی و تشریعی پیش پای او قرار داده شده است که هم راهنمای او هستند و هم مشتمل بر عناصر آزماینده او در این مسیر. بررسی اقوال مرتضی مطهری درباره مفاهیم مذکور نشان می‌دهد که وی در جا به جای بحث‌های خود پای مفهوم شرور را به میان می‌آورد و می‌کوشد نسبت آنها را با طرح تکامل‌گرایانه خود روشن کند. ما در این مقاله از نسبت شرور و جریان حرکت تاریخ در نگاه مرتضی مطهری می‌پرسیم. بررسی اولیه ما نشان می‌دهد که مرتضی مطهری با پیوند فلسفه تاریخ با مبحث شرور نوعی «الهیات عملی تاریخ‌نگرانه» را فراهم می‌آورد که در آن اراده الهی با اراده انسانی پیوند می‌یابند تا جریان تاریخ را رقم زنند و آن را به هدفش نزدیک‌تر سازند.

کلیدواژه‌ها: مرتضی مطهری، شرور، حرکت تکاملی تاریخ

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (jamshidi.ac@gmail.com)

۲ استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران (msefidkhosh3@yahoo.com)

الهیات عملی بر بنیاد نظریه اعتباریات

محسن جوادی*

الهیات عملی، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی برای زندگی خوب فردی و اجتماعی، و کوششی برای نظم و نسق دادن به اصول و احکام اخلاقی و سیاسی در پرتو آموزه‌های وحیانی است. از طرف دیگر، نظریه اعتباریات می‌گوید که اصول و احکام عملی، اعتباری‌اند و بر اساس دواعی احساسی انسان ساخته می‌شوند. هر چند در تبیین این نظریه اختلاف وجود دارد ولی به تصریح علامه طباطبائی احکام عملی که موضوع آنها یک فعل یا حالت نفسانی اختیاری انسان و محمول آنها حسن و قبح یا باید و نباید باشد، ماهیت اعتباری دارند و بر ساخته خود انسان هستند. به عبارت دیگر، این احکام برگرفته از امر واقع نبوده و قابل استنتاج از دانسته‌های دیگر آدمی و از جمله آموزه‌های وحیانی نیستند. این موضوع چالشی جدی را برای الهیات عملی که احکام مذکور را نه از دواعی احساسی بلکه از معارف دینی می‌گیرد ایجاد می‌کند. مسئله این است که با قبول نظریه اعتباریات، نقش آموزه‌های وحیانی و کلاً دین در بازسازی احکام اعتباری عملی چیست؟ این مقاله، با فرض اینکه برگرفتن احکام عملی از آموزه‌های دینی، استنباط منطقی آنها از دین نیست که مورد انکار نظریه اعتباریات است، به راهی وجودی اشاره دارد که در آن دواعی احساسی آدمی که مبنای اعتبارهای اوست از طریق دین تحول اساسی پیدا کرده و احکام و اصول عملی بر ساختی او همان خواسته‌های الهی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: علامه طباطبائی، نظریه اعتباریات، الهیات عملی، تحول وجودی

اختلاف‌نظر دینی در عمل

غزاله حجتی *

در جهانی که اختلاف‌های دینی در آن روزبه‌روز بیشتر و به کمک فناوری‌های نظامی جدید، ویرانگرتر می‌شوند، آیا معرفت‌شناسی، به منزله دانشی فلسفی، می‌تواند تا حدی مانع پیامدهای ویرانگر این اختلاف‌ها شود؟ معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر دینی حوزه‌ای است که می‌توان پاسخ به این پرسش را در آن جست‌وجو کرد. مطابق یک تلقی، وقتی اختلاف‌نظری بین خدا‌باور و خدا‌نا‌باور یا متدین به یک آیین و متدین به آیینی دیگر رخ می‌دهد، طرفین اختلاف از نظر معرفتی محق و موجه‌اند که دیدگاه خود را حفظ و بر آن پافشاری کنند. این دیدگاه را نام‌صالحه‌گرایی نامیده‌اند. مطابق دیدگاه مقابل، یعنی مصالحه‌گرایی، طرفین اختلاف‌نظر به صرف ملاحظه این اختلاف، باید در دیدگاه خود بازنگری کنند، نه لزوماً بدین معنا که به کلی از آن دست بشویند بلکه بدین معنا که با شواهدی برای ناهم‌تایی خود و طرف دیگر اختلاف‌نظر به دست آورند یا دست‌کم دیدگاهشان را به تعلیق درآورند و منتظر شواهد مناسب‌تر و قاطع‌تر بمانند. مباحثه بر سر اختلاف‌نظر دینی وجوه پیچیده نظری دارد، اما آنچه در نگاه نخست، محرک این مباحثه بوده ملاحظه تنوع و گستره اختلاف‌نظرهای دینی و البته پیامدهای عملی این اختلاف‌ها بر آرامش فردی و صلح جمعی اجتماعات بشری بوده است. در این مقاله، ضمن توضیح مسئله نظری اختلاف‌نظر دینی، پیامدهای عملی آن را بررسی می‌کنیم و در نهایت، از دیدگاهی دفاع می‌کنیم که می‌توان آن را مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده نامید، دیدگاهی که مطابق آن، ملاحظه اختلاف با هم‌تایان معرفتی دگرآیین، ما را به پرهیز از یکسوی‌نگری و بازنگری در دیدگاه دینی خود وامی‌دارد.

کلیدواژه‌ها: اختلاف‌نظر دینی، عمل، مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده، معرفت‌شناسی

* دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

(ghazaleh.hojjati@gmail.com)

از الهیات استدلالی تا الهیات ایمان‌گرایانه: بررسی سیر تطور محتوای درسی کتاب‌های دینی مدارس ایران

احمد حسینی*

یکی از مباحث اساسی در الهیات عملی، مسئله آموزش محتوای دینی است که از یک جنبه با فلسفه تعلیم و تربیت هم ارتباط دارد. مطالعه محتوای آموزشی کتاب‌های دینی در مدارس ایران و تحلیل سیر تطور آن با توجه به تأثیری که در باورهای دینی عموم جامعه دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. علی‌رغم اهمیت این مسئله، تا کنون در تحقیقات علمی مغفول واقع شده است. یک مطالعه تطبیقی و تاریخی نشان می‌دهد که محتوای آموزشی دینی در مدارس ایران ظرف دهه‌های گذشته سیر تطور مشخصی را طی کرده است، به نحوی که از یک الهیات عقل‌گرایانه و استدلالی به سوی یک الهیات ایمان‌گرایانه میل پیدا کرده است. این مسئله مخصوصاً در مباحث مربوط به خداشناسی و معاد مشهود است. در حالی که در کتاب‌های تعلیمات دینی دهه‌های گذشته، در مباحث خداشناسی معمولاً از استدلال‌هایی مانند برهان نظم برای اثبات خدا استفاده می‌شد، امروزه در این کتاب‌ها بر مفهوم ایمان تأکید می‌شود. همچنین در حالی که در گذشته معمولاً بر اساس عبث نبودن زندگی بر معاد استدلال می‌شد، امروزه بر اساس آیات قرآن مسئله معاد نشان داده می‌شود. همین مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که رفته رفته آیات و روایات جای استدلال‌های عقلی و فلسفی را در بیان آموزه‌های دینی گرفته است. این تغییر رویکرد حتی در نام این کتاب‌ها هم مشهود است. در حالی که در گذشته این کتاب‌ها تعلیمات دینی خوانده می‌شدند، یعنی بر مسئله تعلیم تأکید می‌شد، امروزه این کتاب‌ها پیام‌های آسمانی خوانده می‌شوند یعنی بر جنبه متنی و ایمانی بیشتر تأکید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تعلیمات دینی، پیام‌های آسمانی، دین و زندگی، کتاب دینی، الهیات عملی

* دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز (ahmadhosseinee@gmail.com)

بررسی آموزه‌ها و الهیات عملی پولس درباره زنان در انجیل

نسرین حیدرزاده اصفهانی*

الهیات عملی، اندیشیدن درباره ی عمل فردی و اجتماعی انسان به روش الهیاتی است. الهیات عملی، توسعه خود را مدیون الهیات تاریخی است. واژه الهیات عملی ابتدا در جامعه دینی مسیحیت و کلیسا بیان شد. الهیات عملی مسیحی، بازتاب و نمایشی از فرهنگ و سنت مسیحی برای ارتباط با جهان مدرن بود و شامل روش‌ها و اصول رهبری کلیسا و خدمات کلیسا بود. یکی از مسائل الهیات عملی مسیحیت، ارتباط الهیات عملی با جنسیت و یکی دیگر از مسائل آن، ارتباط الهیات عملی با متون مقدس است. مسأله اصلی پژوهش حاضر بررسی آموزه‌های الهیاتی و اعمال پولس به عنوان یکی از بزرگترین رهبران مسیحی در انجیل به روش توصیفی-تحلیلی است. عمده‌ترین محورهای این پژوهش شامل ۱- بررسی عوامل موثر در الهیات پولس ۲- تفسیر آموزه‌ها و اعمال الهیاتی پولس بر اساس آیات (کولوسی‌ان ۳: ۱۸-۲۱)، (اول قرتیان ۷: ۳۲-۳۶)، (اول قرتیان ۷: ۸، ۳۹ و ۲)، (تیتوس ۲: ۵)، (اول تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۴) و (اول قرتیان ۱۴: ۳۳-۳۵) و در آخر ۳- بررسی نقش آموزه‌های الهیاتی و اعمال پولس در تغییر جایگاه زنان مسیحی در قرن اول میلادی است. الهیات عملی پولس تحت تاثیر عوامل زیادی همچون پیشینه یهودی و هلنیستی اوست. درک آموزه‌های پولس درباره زنان دشوار است زیرا اگرچه پولس بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره مردان و زنان مسیحی را به طور مشابه تنظیم کرد، اما بخشی از تعالیم پولس در رساله‌هایش، حواشی جنسیتی زیادی در پی داشت. کشمکش و جدالی در نوشته‌های پولس به عنوان یک (رسول مسیحی) و یک (خاخام یهودی) وجود دارد. آموزه‌های پولس در سخن با کلیسای غلاطیان در مورد زنان با کلیسای قرتیان متفاوت بود.

کلیدواژه‌ها: پولس، الهیات عملی مسیحی، الهیات فمینیست، زن در مسیحیت، زن در انجیل

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده ادیان و عرفان، دانشگاه الزهراء (س)، تهران

(n.heidarzadeh.e@gmail.com)

مواجهه الهیاتی با مسئله کاهش مالکیت بر نیروی کار و شکاف

دستمزدی

زهرا حیدری^۱؛ محمدجواد رضائی^۲

نمی‌توان انکار کرد که دنیای امروز شاهد شکاف روزافزون دستمزدها و کاهش مالکیت انسان بر نیروی کار خویش است. به علت سازوکارهای موجود در نظام اقتصادی سرمایه‌داری و اصالت سود، سطوح دستمزد تا حد زیادی توسط عوامل قدرت و صاحبان سرمایه تعیین می‌شود. آنان برای حداکثرسازی سود خود به کاهش دستمزد نیروی کار و محرومیت او از مشارکت در تولید مبادرت می‌کنند، که این امر باعث تبعیض و تشدید فاصله طبقاتی و بروز بی‌عدالتی در جوامع انسانی شده است. به نظر می‌رسد الهیات عملی، با این که تعهد روش‌شناختی به توصیف و تحلیل واقعیت‌های عینی زندگی روزمره دارد و به طرح پیشنهادهایی برخاسته از منابع الهیاتی، برای گشودن راه زندگی ایمانی برای مؤمنان و نیز معضلات زندگی انسان غیرمؤمن می‌پردازد، تا کنون نتوانسته در شناخت و تفسیر و ارائه راهکار در این زمینه موفق باشد. این در حالیست که در هنجار الهیاتی اسلام، جامعه توحیدی و عادلانه، جامعه‌ای بی‌طبقه است که در آن، انسان‌ها هیچ‌گاه، بر حسب حقوق و مزایا از هم متمایز نمی‌شوند. همچنین بخشی از دستورات دین، از جمله کراهت اجبر شدن انسان، در راستای مبارزه دین با فاصله طبقاتی است. بر اساس مبانی الهیات عملی اسلامی، به نظر می‌رسد اسلام بر خلاف مسیحیت، قابلیت تعریف راهکار مواجهه عملی نهاد دین با این مسئله در قالب تغییر قواعد و مقررات و از مجرای نهادهای رسمی را داراست.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، مالکیت بر نیروی کار خود، دستمزد، جامعه طبقاتی، سود

سرمایه، عدالت

۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (heidarizahra30@gmail.com)

۲ استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه شاهد، تهران (rezaee.mj@gmail.com)

اعتدال بخشی قوای انسانی در تفسیر صدرایی از حریت

مریم خاکسار*

حریت همواره مطلوب و مقصود انسان بوده و برای دستیابی بدان در تلاش می‌باشد، ولی در اغلب موارد به دلیل نداشتن مبانی عقلی و الهی نه تنها به این نیاز پاسخی نداده بلکه با به انحراف کشیده شدن آن اسیر مراتب حیوانی گردیده است. از این رو معرفی صحیح انسان و طبع آزادی‌خواه وی و ارائه راهکار عملی در دستیابی به آن با اتکا بر مبانی عقلی و دینی، امری لازم می‌باشد. صدرالمآلهین در نهمین مجلد از کتاب اسفار با بهره‌گیری از عقل و نقل به معرفی انسان پرداخته و نفوس را به ضعیف و قوی رتبه‌بندی نموده است. وی شرافت نفس قوی را به همانندی آن با مجردات در حکمت و حریت می‌داند. به اعتقاد ملاصدرا تحصیل ملکه حکمت و حریت نیازمند اعتدال بخشی بین نیروهای چهارگانه علم، غضب، شهوت و عقل بوسیله دستورات دینی می‌باشد. طرح معنای فوق از حریت با ابداعاتی روبه‌رو می‌باشد: الف: حریت به عنوان ملکه‌ای نفسانی برای انسان معرفی می‌شود ب: کسب ملکه آزادگی متوقف بر تعدیل قوای چهارگانه مذکور است ج: اعتدال بخشی قوا متوقف بر عمل به دستورات و مناسک دینی شده است که این به نوبه خود ضمن رویکردی نو در انجام مناسک دینی، موجب برقراری پیوند میان ایمان و نیل به نیازهای فطری انسان می‌شود که خود یکی از اهداف الهیات عملی به حساب می‌آید. نتیجه عمل به تفسیر صدرایی از حریت، به دست آوردن صفت و ملکه‌ای راسخ به نام حریت است که حاصل بهره‌مندی از دستورات دینی همسو با اعتدال بخشی قوای انسانی مورد تأکید در آثار صدرایی است. این تجویز می‌تواند رهایی انسان از نسخه‌های افراطی و تفريطی عصر کنونی را رقم بزند و نوشتار پیش رو با روشی تحلیلی توصیفی بدان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: حریت، اعتدال بخشی، ملاصدرا، افراط

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران

(m.khaksar5957@gmail.com)

یادآوری رنج‌های اولیای الهی در مقام تسلای سوگوار؛ با نگاهی ویژه

به مصائب حسین بن علی علیه السلام

سجاد خاکی صدیق*

روان‌درمانگران و محققان معتقدند که بسیاری از افراد در دوره سوگ، زمانی که شخصی با از دست دادن عزیز خود احساسات و شرایط جدیدی را تجربه می‌کند، پنج مرحله روانی را از سر می‌گذارند. یکی از آن پنج مرحله را «خشم» نامیده‌اند. در این مرحله فرد سوگوار خشمگینانه به دنبال پاسخ پرسش‌هایی است که پس از فقدان عزیزش برای او به وجود آمده‌اند. او، که خود را مستحق چنین رنجی نمی‌بیند، از خود و دیگران می‌پرسد چرا خداوند عزیزش را از او گرفته است؟ چرا زندگی را به کام او تلخ می‌کند؟ و ... حالت روانی که فرد در مرحله خشم تجربه می‌کند و پرسش‌هایی که به تبع این شرایط برای او مطرح می‌شوند، رابطه او با خداوند را دچار چالش می‌کند. این وضعیت از نظر فیلسوفان دین نیز دور نمانده است. طبق یک تقسیم‌بندی کلاسیک، فیلسوفان دین مسئله شر را در دو ساحت بررسی می‌کنند: نظری و وجودی. پرسش‌های فرد سوگوار و رنجی که به زعم او در قالب شری گزاف بر او رخ می‌نماید در ساحت وجودی شر مطرح می‌شود. حالاتی که در این ساحت تجربه می‌شود شک یا عدم باور به وجود خدا در فرد را تقویت می‌کند. بعضی از فلاسفه نظیر آلوین پلاتینگا معتقدند که بحث‌های فلسفی در ساحت وجودی شر نتیجه‌بخش نیست، بلکه به‌طور عملی باید مراقبت‌هایی معنوی صورت پذیرد. در همین راستا بحث‌های دامنه‌داری به نام الهیات شبانی در مسیحیت وجود دارد. به نظر می‌رسد که یادآوری رنج‌ها و مصیبت‌هایی که اولیای الهی متحمل شده‌اند به جهت‌دهی نگرش فرد سوگوار کمک می‌کند، به بیان دیگر او با تأمل در این یادآوری‌ها می‌تواند معنایی برای سوگ خود بیابد و خاطرش کمی تسلا یابد. مصائب و رنج‌های حسین بن علی علیه السلام در ماجرای عاشورا را می‌توان بدین منظور یادآوری کرد. به نظر می‌رسد که در روایات و سنت عملی شیعیان، مؤیداتی برای این نگاه به ماجرای عاشورا وجود دارد

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، مسئله وجودی شر، رنج، عاشورا پژوهی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه تهران (پروفسور فارابی)، قم (sajjad.sedigh@gmail.com)

حکمت عملی جایگزینی مناسب برای الهیات عملی مسیحی

طیبه خسروی*

از جهت اهمیت ورود یک اصطلاح مسیحی به فرهنگ اسلامی، اهمیت دارد تا ابتدا محدوده الهیات عملی در اسلام مشخص شود و حتی الامکان از اصطلاح اسلامی به جای اصطلاح مسیحی استفاده کنیم. لذا با تفحص در الهیات اسلامی، حکمت عملی را می‌توان جایگزین مناسبی برای الهیات عملی در مسیحیت به کار برد. الهیات عملی یک اصطلاح پسینی و متاخر از دین مسیحیت می‌باشد و بنابر نیاز زمانی و مکانی قرن نوزدهم جعل شد، اما حکمت عملی سابقه‌ای به ظهور دین اسلام دارد. حکمت عبارت از قضایای حقه‌ای است که با واقع مطابقت دارد و به نحوی بیانگر سعادت انسان باشد. از سوی دیگر حکمت محدود به شناخت عقلی حقایق نیست. بلکه معارف وحیانی که در ارتباط با شناخت و یا تعلیم مبدأ، معاد و معارف مختلف مربوط به سعادت و کمال انسانی را نیز حکمت می‌گویند. لذا برای ایجاد این تناظر، شایسته است معادل الهیات عملی، از حکمت عملی در فرهنگ اسلامی استفاده شود؛ بدین صورت که حکمت به سه دانش الهیات، ریاضیات و طبیعیات تقسیم می‌شود. علم مورد نظر ما در این پژوهش، قسم الهیات حکمت است و از آنجا که حکمت که مقسم این تقسیم است، شامل نظری و عملی است، به تبع الهیات هم به عملی و نظری تقسیم می‌شود. در این نقطه می‌توان به تناظری با الهیات مسیحی رسید و از طرفی چون الهیات اسلامی معنایی وسیع‌تر از الهیات مسیحی دارد، اگر بخواهیم مطابقت بیشتری پیدا کنیم، بخشی از الهیات اسلامی که با الهیات مسیحی مطابقت دارد، کلام اسلامی است. بخش حکمت عملی نیز شامل، اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است که بر اساس اولویت از مصلحت فردی تا مصالح اجتماعی را در بر دارد که این قسم از حکمت از بعد از زمان فارابی، به فراموشی سپرده شد. لازم به دقت است که حکمت عملی، علم نظری است و نحوه عملی کردن الهیات نظری را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات نظری، حکمت عملی، حکمت نظری

خوشبینی و امید در الهیات اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

علی اصغر خندان*

خوشبینی و امید از بارزترین مصادیق تأثیر جهان‌بینی بر ایدئولوژی و لذا از مباحث مهم الهیات کاربردی است و مخصوصاً در مسیحیت نیز تأکید فراوانی بر آن می‌شود تا جایی که امید، یکی از سه فضیلت الهیاتی به حساب می‌آید. این در حالی است که از منظر اسلامی، پژوهش جامع و مستقل اندکی در این زمینه انجام شده است. این مقاله برای تبیین ابعاد خوشبینی و امید در الهیات اسلامی، با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی آیات قرآن کریم می‌پردازد. با عنایت به عرصه‌های چهارگانه تعامل انسان (ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با طبیعت و ارتباط با خدا) روشن می‌شود که قرآن کریم در تمام چهار عرصه، آموزه‌ها و دستوراتی برای خوشبینی و پرهیز از بدبینی دارد. از سوی دیگر خوشبینی و بدبینی در هر عرصه، ارتباط مستقیمی با امید و ناامیدی در ارتباطات چهارگانه مذکور دارد. با بررسی مثال‌های قرآنی و همچنین نمونه‌هایی از تفکر ناامیدانه در شخصیت‌های شرقی و غربی، روشن می‌شود که ناامیدی این افراد ریشه در بدبینی آنها دارد. نکته مهم‌تر اینکه شاخه‌های مختلف خوشبینی یا بدبینی در ارتباط با خود، دیگران و طبیعت، از میزان خوشبینی یا بدبینی نسبت به خداوند متأثر هستند. در این عرصه چنین فرضیه‌ای قابل طرح است که دیدگاه قرآن کریم در باب دو موضوع خوشبینی و امید، ذیل برخی از اسماء الهی مخصوصاً دو اسم «رحمن» و «رحیم» قابل صورت‌بندی است. این نکته با توجه به جایگاه سوره مبارکه حمد (سبعاً من المثانی) به عنوان عدل قرآن کریم و تکرار دو اسم مذکور در این سوره و در «بسم الله الرحمن الرحیم» اهمیت مضاعف می‌یابد. جمع‌بندی مقاله حاضر این است که از یک سو اهمیت امید در زندگی و از سوی دیگر نهایت عنایت قرآن کریم به این موضوع، موجب می‌شود که قرآن کریم را امیدنامه بخوانیم.

کلیدواژه‌ها: خوشبینی، امید، اسلام، قرآن

الهیات مداومت یا مداومت به مثابه امر مقدس

زهره داوورپناه*

به موازات دشواری‌های اقتصادی و تغییرات ارزشی، آموزه‌های فاخر و عامیانه فراوانی ضد ازدواج و تعهد طولانی مدت رواج یافته‌اند. سادگی و فایده‌گرایی روشن این مطالب در کنار سازگاری آنها با آموزه‌های معاصر دیگر مثل تغییرپذیری انسان، تجربه طلبی، نوجویی، فرهنگ جوانی و مصرف‌گرایی سبب قدرتمندی و محبوبیت آنها و کاهش جذابیت ازدواج می‌شود. همچنین تمرکز معاصر بر احساسات و تأکید بر عواطف مثبت و شدید یا عشق در رابطه، به نفع روابط کوتاه‌مدت و کم‌تعهد است. در مقابل، رابطه همسری از روزمره‌ترین و ظاهراً ملال‌آورترین ارتباطات انسانی است که قرار است تمام عمر و هر روز، و نه تنها در عادی‌ترین بلکه در بدترین حالات جسمی و روحی طرفین، امتداد یابد. وصف مداومت، همان خصیصه دلهره‌آور ازدواج است که در این مطلب می‌کوشیم از آن دفاع کنیم و نشان دهیم چرا مداومت و تبعات آن مثل ملال و کم‌شوری، اموری خیر، فایده‌مند و حتی دارای ارزش معنوی هستند. در این راستا، از جایگاه مداومت در الهیات آغاز می‌کنیم، با استفاده از روایات وارد شده در باب «مداومت»، به ذکر ادله‌ای در باره برتری ازدواج بر شور و شیدایی روابط کوتاه مدت می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که شورمندی ارتباطات مدرن، به هزینه چه ابعادی در حیات انسانی، رخ می‌دهد. در پایان، با تأکید بر امتیاز «فراغت‌آفرینی» رابطه مداوم، به مرز انقطاع اشاره می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات مداومت، ازدواج، رابطه همسری

سیاست تدرّج در روابط بین الملل اسلام

محمدرضا دهشیری*

بررسی سیره تبلیغی پیامبر اکرم (ص) بیانگر آن است که زمینه‌سازی، آماده‌سازی و بسترسازی اجتماعی در فرآیند دعوت به اسلام و تعالیم آن از اهمیتی شایان توجه در دستیابی به اهداف اساسی رسالت و تحقق آموزه‌های وحیانی برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، همانگونه که پیاده کردن اهداف نیاز به طبقه‌بندی آن به اهداف حیاتی، اولیه و ثانویه و تفکیک اصول از فروع دارد، اجرای آن نیز نیازمند انعطاف عملیاتی با توجه به سنجش مقتضای حال، زمان و مکان، برآورد توانمندی‌ها و امکانات انسانی (عده) و تجهیزاتی (عده) و لحاظ مختصات زمانی و مکانی برای نیل تدریجی و مرحله‌ای به هدف غایی با در نظر گرفتن مقدمات و محذورات است. این سیاست موسوم به تدرّج، بر شالوده‌هایی از قبیل میزان وسع، توانایی، تمکن و استطاعت، شرایط محیطی و مقتضیات زمانی و مکانی، رفتارشناسی پیروان و دشمنان، سنجش نقاط ضعف و قوت و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای فرارو استوار است که زمان‌شناسی، مکان‌مندی و مخاطب‌شناسی مختصات آن را تشکیل می‌دهند. سلسله‌ای نمودن اهداف و طبقه‌بندی آن و انعطاف‌پذیری و برنامه‌ریزی تبلیغی با برآورد امکانات و شرایط، حکایت از جامعیت دین مبین اسلام دارد که علاوه بر اهتمام به محتوای پیام و دعوت، جزئیات روشی را نیز مطمحن نظر قرار می‌دهد. در واقع، آماده‌سازی افکار عمومی برای پذیرش پیام الهی، مجاب‌سازی عقول، تعدیل ساختارهای وجودی و اجتماعی، و تکامل و سعادت جامعه بشری از رهگذر انعطاف و تدرّج در گسترش بخشی به ساز و کارهای تبلیغی امکان‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: تدرّج، روابط بین الملل، اسلام، وحدت در عین کثرت

* استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران

(mohammadreza_dehshiri@yahoo.com)

الهیات مردانگی

مجید دهقان*

چندین دهه است که جنسیت مسئله علمی اندیشمندان متعددی گردیده است ولی در این میان عمدتاً مراد از جنسیت مسئله زنان است. این وضعیت گرچه تاحدودی به دلیل فروردستی تاریخی زنان موجه به نظر می‌رسد اما امروزه پرداختن به مسئله مردانگی از جهات متعددی ضروری است. در طول تاریخ، جهان به طور رسمی و ماندگار عمدتاً از زاویه دید مردان تفسیر شده است و با ابژگی زنان این سوژگی ماندگار و تقویت می‌شود. زمانی که فاعل شناسا به طور پیش‌فرض مردان هستند همه چیز ممکن است از زاویه دید مردانه بررسی شود جز مردانگی. با تحولات قرن اخیر و تلاش زنان برای رهایی از ابژگی مردانه، زنان فرصت سوژه شدن نیز پیدا کردند گرچه همچنان به طور کامل از ابژگی خارج نشده‌اند. سوژگی مردانه و زنانه و ابژگی صرفاً زنانه، وضعیت ناقرینه‌ای است که مشکلاتی را به همراه می‌آورد. مردان در این وضعیت جدید درکی عینی و نه ذهنی از موقعیت جدید خود در روابط نو پیدا می‌کنند؛ درکی که نداشتن فهم ذهنی از آن، مردان را در سردرگمی قرار می‌دهد. علاوه بر این، در رابطه مرد-زن اگر از یک طرف درکی وجود داشته ولی فهمی از طرف دیگر نباشد، رابطه در وضعیت مناسبی قرار نخواهد گرفت. طرف درک‌شده طرف دیگر را بر اساس سلبیات تعریف می‌کند و مردانگی در این وضعیت، گرانبار از مفاهیم منفی خواهد شد. از همین روست که در تحلیل آسیب‌ها و مسائل اجتماعی‌ای که در رابطه مرد-زن رخ می‌دهد گاهی راه حل‌ها به سمت حذف مردانگی یا تضعیف آن متمایل می‌گردد، در حالی که به نظر می‌رسد اگر یک طرف این مسائل مردان باشند به جز مشارکت مردان شاید نتوان در کاهش این آسیب‌ها موفقیتی به دست آورد. برای حل این مسئله، دین در ابعاد متعددی می‌تواند افتخارهای جدیدی بگشاید. هویت مردانگی در نگاه دینی و مولفه‌های آن، سیاست‌های اصلاحی دین نسبت به مردانگی زمان صدور، و ایده‌هایی که دین برای مشارکت مردان در حل مسائل اجتماعی دارد می‌تواند در تدوین سیاست‌های جنسیتی موثر باشد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات مردانگی، جنسیت، رابطه مرد-زن

کاهش رنج مومنان از دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی

عباس دهقانی نژاد^۱؛ محمدمهدی دهقانی اشکذری^۲

یکی از مباحث مطرح در الهیات عملی مسئله رنج انسان‌ها به عنوان یکی از ملموس‌ترین جنبه‌های تجربه زیسته بشر و تلاش در جهت کاهش و تسکین آن است. در جهان اسلام نیز متکلمان و عارفان مسلمان به انحاء مختلف به این مسئله توجه داشته‌اند. در این مقاله در صدد هستیم که با روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه قاضی عبدالجبار، متکلم عقل‌گرای معتزلی، را درباره کاهش رنج مومنان واکاویم. قاضی عبدالجبار معتزلی برای کاهش رنج مومنان سه راه پیشنهاد می‌کند: اصلاح بینش مومنان نسبت به رنج، داوری نکردن یا دفع نگرانی مومنان نسبت به عقوبت اعمال بودن رنج‌ها و وعده جبران رنج‌هایی که در این دنیا متحمل شده‌اند در آخرت. وی ابتدا سعی در اصلاح نگرش مومنان نسبت به رنج دارد و با طرح این که هر رنجی ضرر نیست و همچنین هر رنجی ظلم نیست، در جهت معقول نشان دادن رنج‌ها و اصلاح بینش مومنان حرکت کرده است. از دید او، این دو پیش‌فرض اصلی‌ترین عوامل نگاه نادرست انسان‌ها نسبت به رنج است و تغییر در این دو باعث می‌شود مومنان نگاه متفاوتی نسبت به رنج پیدا کنند. در مرتبه دوم او با تمسک به دلایل متعدد عمدتاً عقلی و بعضاً نقلی و همچنین بطلان تناسخ، نشان می‌دهد که نمی‌توان مصائب و رنج‌های این دنیا را عقوبت اعمال انسان - چه مطابق باور اصحاب تناسخ در زندگی مفروض پیشین و چه در زندگی کنونی - قلمداد کرد و لذا مومنان نباید با این رنج و دغدغه که مورد خشم خدا قرار گرفته‌اند، درگیر باشند. در نهایت او با بحث جبران اخروی در قالب ثواب، عوض و همچنین بحث انتصاف سعی می‌کند گامی در جهت کاهش رنج مومنان و ایجاد آرامش در آنها بردارد.

کلیدواژه‌ها: رنج، الهیات عملی، قاضی عبدالجبار، داوری رنج دیگران، عوض

۱ دانش آموخته دکتری رشته فلسفه اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران

(iranianboy159@yahoo.com)

۲ استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان یزد (mmdafarhang@gmail.com)

الهیات عملی و هنر؛ بررسی ظرفیت‌های فلسفه سینوی

هادی ربیعی*

در گستره مباحث معاصر الهیات عملی، هنر به‌نحو روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است. در الهیات عملی جنبه‌های مختلف و متکثر مادی و معنوی زندگی فردی و اجتماعی و نسبت آنها با خداوند بررسی و سنجیده می‌شود. از این رو، عواملی همچون جایگاهی که هنرها در شئون مختلف زندگی روزمره، مراسم دینی و عبادات انسان معاصر پیدا کرده‌اند، لذت زیبایی‌شناختی و آفری که از تجربه زیبایی‌های هنری کسب می‌شود، و نقشی که آثار هنری در شکل‌گیری افکار، احساسات و عواطف افراد و جوامع دارند، حاکی از اهمیت و لزوم پرداختن به مقوله هنر در نسبت با الهیات عملی است. بر این اساس، در الهیات عملی مسیحی، با پژوهش‌هایی مواجهیم که بر بنیاد آراء الهیاتی متفکرانی همچون توماس آکوئینی و بوناوتورا به بررسی جلوه‌های الهیات عملی در هنر پرداخته‌اند، حال آنکه ظرفیت‌های فلسفه اسلامی در این خصوص چنان که باید و شاید مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی ظرفیت‌های فلسفه سینوی به عنوان مبنایی برای تأمل در باب نسبت الهیات عملی و هنر می‌پردازد. از این رو، نخست جنبه‌های ارتباط میان الهیات عملی و هنر در تفکر معاصر برشمرده می‌شود و سپس با تحلیل آثار ابن سینا تلاش می‌شود تا جایگاه و زمینه این مباحث در ساختار معرفتی سینوی تبیین گردد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مبانی فلسفه سینوی از ظرفیتی گسترده برای طرح نسبت میان الهیات عملی و هنر به ویژه در حیطه مفاهیم زیبایی، لذت، تخیل، ادراک زیبایی‌شناختی و زبان هنری برخوردار است. همچنین این مباحث محدود به آثار الهیاتی ابن سینا نیست بلکه در بخش‌های مختلفی از آثار او در حیطه الهیات، ریاضیات، طبیعیات و منطق به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، ادراک زیبایی‌شناختی، ابن سینا، زیبایی، خیال

تأثیر الهیات عملی اسکاندیناوی بر ملت‌سازی و دولت‌سازی رفاه

رضا رحمتی*

دولت، ملت و رفاه در سوئد، نروژ، فنلاند و دانمارک، اگرچه وام‌دار جنبش قانونی اساسی، جنبش حقوق مدنی، جنبش شهروندی و ... بوده است، با این حال شدیداً با سنت‌های اجتماعی گره خورده است که از جمله آنها جنس خاصی از هویت دینی بوده است. الهیات عملی اسکاندیناوی به سبب اینکه توانسته بود، برخلاف فرانسه و انگلستان و اروپای قاره‌ای، مانع از منازعه دولت-کلیسا شود، سنت‌های اجتماعی متعددی را تبدیل به الگوهای سیاسی کرد. به سبب در هم تنیدگی دولت-کلیسا و سایر نیروهای اجتماعی که در حد واسطه این رابطه قرار می‌گرفتند (از جمله دهقانان آزاد و کارگران)، ایده دولت رفاه یا (حتی با تسامح) کلیسای رفاه در اسکاندیناوی شکل گرفت، ایده‌ای که سبب صورت‌بندی دولت نیز شد. بنابراین می‌توان گفت دولت-ملت‌سازی و علاوه بر این دولت‌سازی رفاه در اسکاندیناوی به واقع دولت-ملت و دولت‌سازی با پیکربندی دولت-کلیسا به عنوان یکی از جلوه‌های دولت، در کنار دولت-دهقانان و دولت-کارگران بوده است. بنابراین شکل خاصی از همبستگی بین نیروهای سیاسی و اجتماعی در جامعه اسکاندیناوی شکل گرفت که بازتاب همه این نیروها در دولت نوردیک تبدیل به مدل خاص همبستگی و حکمرانی در این جامعه شد. از این رو ناسیونالیسم اسکاندیناوی مدل منحصر به فردی از ناسیونالیسم را ارائه می‌دهد. سوالی که در اینجا صورت‌بندی می‌شود این است که الهیات عملی اسکاندیناوی، چه تأثیری بر شکل‌گیری دولت رفاه در سوئد، نروژ و دانمارک داشته است؟ در پاسخ به تأثیر تعیین‌کننده الهیات عملی لوتری به واسطه تأثیرش بر تعریف ملت به عنوان منبعی برای هویت ملی از یک‌سو، و به واسطه خوانش‌هایی شبیه به رسالت کار، رسالت بهره‌وری و رسالت تولید منبعی برای دولت‌سازی رفاه در منطقه اسکاندیناوی بوده است.

کلیدواژه‌ها: اسکاندیناوی، نوردیک، دولت-ملت، دولت‌سازی رفاه، الهیات عملی

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان (r.rahmati@basu.ac.ir)

الهیات فضای مجازی و خوانش عامه‌پسند از متون مقدس

فاطمه رحیمی*

همزمان با رشد فزاینده فناوری‌های سایبریک در دوره پسااسکولاریزم، نوع عامه‌پسندی از الهیات رسانه‌ای در میان دینداران شکل گرفته است که با کنار گذاشتن تصویر متافیزیکال و در عین حال پدرسالارانه از «خدای متعال» در سنت ادیان توحیدی، به دنبال بازتولید اشکال جدیدی از مضامین، زبان و انگاره‌های مذهبی است. این نوع الهیات که در فضای مجازی شکل گرفته، ناظر به نیازهای معنوی نسل جدیدی است که در صدد برقراری تعاملی عامیانه / روزمره و غیرایدئولوژیک میان انسان و خداوند است. هدف این مقاله بررسی تاثیر «الهیات فضای مجازی» در پیدایش خوانش‌های عامه‌پسند از مفاهیم دینی و آثار و پیامدهای آن در جوامع دینی است که به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. آنچه از بررسی‌ها به دست آمد این بود که با دموکراتیزه شدن دین در فضای مجازی، بر خلاف تک‌گویی‌ها و انحصارگرایی‌های الهیات سنتی، امکان خوانش‌های مختلف از متون مقدس و گزاره‌های دینی برای عموم مردم فراهم می‌شود. در این راستا باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی در فرآیند تعامل دین با فرهنگ عامیانه با آنکه دچار تحول و چه بسا تنزل می‌شوند، اما این تعامل پویا میان فرهنگ عامه‌پسند و دین، موجب برانگیختگی معنوی عامه مردم و پدید آمدن احساس تعلق به دین در سطوح مختلف مردم می‌شود که نتیجه آن نوعی بازتولید امر قدسی و تجربه دینی در حیات روزمره عموم دینداران است.

کلیدواژه‌ها: الهیات فضای مجازی، دین عامه‌پسند، متون مقدس

الهیات عملی و دین شهری

رسول رسولی‌پور*

شهر یکی از مهم‌ترین پدیده‌های بشری است که تاثیری بسیار شگرف بر شیوه‌های زندگی، صورت‌بندی‌های اجتماعی و حتی حیات دینی انسان‌ها داشته است. مطالعات شهری بیشتر بر قلمرو عرفی متمرکز بوده و به ندرت به نسبت بین صورت‌بندی کلان جامعه (شهر یا روستا) و امر قدسی توجه شده است. به همین سبب، با طرح مفاهیم خاص و مستثنی‌ساز مانند شهرهای مذهبی (مشهد، قم و ...) گویی نسبت مهم و معناداری میان شهر و دین برقرار نیست، و عملاً مطالعات دین در شهر به حاشیه رانده شده است. فهم حیات دینی شهر و نقش دین در تکاپوهای درونی محیط‌های شهری، نه تنها برای شناخت بهتر و بیشتر پدیده‌های شهری بسیار مهم است، بلکه برای هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری نیز ضرورت دارد. در این مقاله، در راستای التزام به الهیات عملی، به الهیات مکان، و نقشی که مکان می‌تواند در ترویج، تولید و تعمیق امر قدسی بازی کند توجه شده است. ادعای این مقاله این است که اماکن شهری بیرون درب‌های مساجد و زیارتگاه‌ها نیز نقش مهمی در دینی‌سازی محیط و افراد دارند؛ زیرا شهرها زیست‌محیط‌های پویایی هستند که در آن، فضاهای فیزیکی و تجربه انسانی تعامل هم‌زیستانه دارند. در عملی‌سازی دین، گروه‌ها و سنت‌های دینی در سطحی گسترده بر این عقیده‌اند که باید باورها و ورزهای دینی را از اثرات «زیان‌بار» هر محیطی در امان نگاه داشت. به همین قیاس، پژوهش در باب دین غالباً بر جماعت و افراد متمرکز است. در صورتی که روشن خواهیم ساخت که گروه‌های مذهبی، فرآورده «ارتباط دین و حیات شهری» اند و نه انزوا. مومنان در واکنش به چالش‌های اقتصادی و نیازهای انسانی به اماکن مذهبی می‌روند، مناجات می‌کنند و برنامه‌های اجتماعی پدید می‌آورند. آنها از رهگذر آموزش مخصوص در زمینه رهبری عمومی، و از رهگذر جست‌وجوی منابع و جلب حمایت در راستای رسلشان، مسئولیت‌های مدنی را می‌پروراند. اگر می‌خواهیم به حضور دین در شهر عنایت داشته باشیم، ناگزیر باید با مادیت آن حضور آغاز کنیم؛ یعنی مکان و فضا. این که نیایشگاه در خیابانی شلوغ و پر از سر و صدا و بوق خودروها واقع شده باشد یا در محیطی آرام که پس زمینه دعای زیر لب، آواز پرندگان است، بر تجربه مومنان اثر می‌گذارد و بدان سر و شکل می‌دهد. سرزندگی اقتصادی، تنوع جمعیتی، محیط فرهنگی، و پویه‌های پر شمار دیگر، جملگی خاکی را پرورش می‌دهند که اجتماعات دینی در آن ریشه می‌دانند، برگ و بار می‌دهند و در نهایت می‌پژمند و می‌میرند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات مکان، شهر، دین شهری

درک حضور خداوند راهی به معناداری الهی در زندگی؛ بررسی موردی دیدگاه علامه طباطبایی

سیده زهرا رشیدی فرد*

بسیاری از عالمان دین اسلام معتقدند که باور داشتن به خدا و ایمان به او و التزام به احکام شرعی و اخلاقی سبب معناداری زندگی می‌شود. اما امروزه در جامعه با این امر روبرو هستیم که مسلمانان بسیاری با وجود باور داشتن به خدا و التزام کم و بیش به احکام فقهی و عمل به دستورات اخلاقی، از زندگی رضایت حقیقی ندارند و یا احساس ملالت و حتی پوچی در زندگی می‌کنند. در این مقاله به بررسی آیات قرآن مجید با توجه به تفسیر علامه طباطبایی، به این نکته می‌پردازیم که آنچه باعث خرسندی از زندگی و معنا یافتن زندگی می‌شود، چیزی فراتر از باور به وجود خدا و عمل به دستورات دین است. در واقع شاید بتوان گفت که آنچه که زندگی انسان را از ملالت و پوچی می‌رهاند، درک صحیح نسبت ما با خداوند و درک حضور او و همچنین داشتن ارتباط زنده و حقیقی با او در کنار عمل به فرامین دینی است. عملی ساختن این ایده، نیازمند آن است که متولیان آموزش‌های عمومی در حیطه زیست اجتماعی، آموزش‌هایی را تدارک ببینند. یکی از راه‌ها برای رسیدن به این مطلوب توجه این متولیان به تکنیک‌هایی است که برخی روان‌شناسان و مشاوران دینی با عالمان اخلاق بیان کرده‌اند؛ تکنیک‌هایی مانند درک منشأ، درک یکپارچگی و جامع بودن نظام هستی و ارتباط تمام ذرات و حوادث عالم با هم، مهارت نگاه از کل به جزء، درک فراوانی و وفور نعمت و وسعت دید از جمله این موارد هستند.

کلیدواژه‌ها: ایمان، تکنیک‌های درک حضور، علامه طباطبایی، قرآن، معنای زندگی

* دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

(szrashidifard@gmail.com)

تأثیر ارتباط و درهم تنیدگی اجزای عالم ماده بر نگرش اعتقادی بر اساس دیدگاه فلسفی شهید مطهری و فیزیک کوانتوم

سپیده رضی*

یکی از مسائلی که نه تنها امروزه بلکه از گذشته‌های دور در عرصه‌ی علوم خصوصاً فلسفه مورد توجه اندیشمندان بوده، چگونگی ارتباط اجزای عالم ماده با یکدیگر است. انفصال و گسستگی میان اجزای جهان یا همان جهان مکانیک، تصویری بود که سال‌ها بر تفکر علمی بشر سایه افکنده بود و نه تنها منجر به دریافت صحیحی از آگاهی نسبت به جهان پیرامون خود نشد، بلکه تأثیرات منفی بسیاری در اعتقادات، روان، اجتماع، محیط زیست و... بر جای گذاشت. اما آنچه امروزه با توجه به دست‌آوردهای فیزیک جدید و نگرش فلسفی اندیشمندان مکتب حکمت متعالیه همچون شهید مطهری حائز اهمیت است اثبات وجود ارتباط و درهم‌تنیدگی اجزای عالم ماده با یکدیگر و در نهایت وحدت ارگانیک و پویای عالم هستی است که از طریق آزمایش‌های متعدد در فیزیک جدید و مبانی حکمت متعالیه از منظر شهید مطهری قابل بررسی و اثبات است. نگاه به پدیده‌های هستی از این دریچه، نگاه به اجزای جدانشدنی و در کنش و واکنش یک کل هماهنگ و اندام‌وار است که پیش‌درآمد مستحکم و متقنی در مسیر بررسی علل دستورات الهی و ایجاد بینشی نو در تفکر و نگرش اندیشمندان سایر علوم چون روانشناسی، جامعه‌شناسی و باورهای اعتقادی افراد است. این نگرش می‌تواند بسیاری از علل و عوامل وجود احکام و عباداتی چون نماز، دعا و ... و تأثیرات گناهان در محیط پیرامون را از منظر فیزیکی و مادی مورد مذاقه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: عالم ماده، ارتباط اجزا، شهید مطهری، نگرش اعتقادی، فیزیک کوانتوم

* دانش‌آموخته دکتری رشته حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان (sepidehrazi@gmail.com)

الهیات و فلسفه سیاسی: تأملی بر نسبت میان مبانی الهیاتی و تحقق

نظم اخلاقی در زندگی اجتماعی

مصطفی زالی*

پرسش از امکان اخلاق غالباً به پرسش‌های معرفت‌شناختی و وجودشناختی فرااخلاقی ناظر به شناخت‌پذیری و عینیت‌گزارها و ویژگی‌های اخلاقی گره می‌خورد. ولی پرسشی دیگر به موازات پرسش اول، امکان زیست اخلاقی در واقعیت و امکان زیست اخلاقی جمعی است. پرسش دوم را می‌توان اینگونه صورت‌بندی کرد: آیا زیستن بر مبنای هنجارهایی ناظر به زندگی جمعی بشر در جهان واقعی امکان‌پذیر و با سرشت واقعیت‌های عینی و انسانی، سازگار است؟ پاره‌ای فیلسوفان، تحقق نظم اخلاقی را در زندگی اجتماعی بشر وابسته به تحقق دولتی تمامیت‌گرا دانسته‌اند که بشر را با اعمال قوه قاهره به هنجارها پایبند نماید. اما در نقطه مقابل پاره‌ای فیلسوفان از امکان تحقق نظم اخلاقی در متن زندگی اجتماعی سخن گفته‌اند. این مقاله با مرور آثار سه تن از این فیلسوفان، مسئله نسبت میان امکان تحقق نظم اجتماعی اخلاقی و نگرشی الهیاتی به ماهیت هنجارهای اخلاقی را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که آدام اسمیت، ایمانوئل کانت و جان رالز، مفروضات الهیاتی را درباره جهان و انسان ناظر به زیست اخلاقی بن‌مایه بحث از پذیرش امکان عملی زیست اخلاقی قرار داده‌اند؛ به این منظور اشارات آدام اسمیت درباره مفهوم همدلی میان انسان‌ها و نیز دست نامرئی به مثابه نظم الهی در کتاب نظریه احساسات اخلاقی، ضرورت جاودانگی نفس و وجود خداوند به عنوان مفروضات امکان اخلاق در اندیشه کانت بر مبنای کتاب نقد عقل محض و مسئله خوشبینی الهیاتی به سرشت اخلاقی بشر و پیوند آن با امکان زیست جمعی عادلانه در نگاه رالز بر مبنای رساله متقدم او تحت عنوان درباره معنای گناه نخستین، مورد تحلیل تطبیقی قرار خواهد گرفت و در نهایت نشان داده خواهد شد که از یک سو نزد این فیلسوفان امکان تحقق جامعه اخلاقی در جهان واقعی، وابسته به مفروضاتی الهیاتی بوده، و از سوی دیگر مفروضات الهیاتی نسبت به تحقق جامعه اخلاقی، خنثی بوده و لوازم متفاوتی را به دنبال می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: خوشبینی الهیاتی، نظم اخلاقی اجتماعی، اسمیت، کانت، رالز

ضرورت فلسفی در اندیشه ابن‌سینا و لایب‌نیتس و کاربردهای الهیاتی آن

محمد رضا زبان فهم نصیری^۱؛ مهدی منفرد^۲

عقیده به ثبوت یا عدم ثبوت موضوع ضرورت فلسفی، نتایج عملی بسیاری را در زمینه‌های خداشناسی، آفرینش، انسان و جهان به دنبال دارد. وجوب ذات و صفات خداوند، کیفیت فاعلیت ارادی خدا، احسنیت و غایت‌مندی نظام هستی و سازگاری آن با شرور، مسئله جبر و اختیار انسان و نیز ضرورت روابط علی و معلولی بین موجودات جهان، از جمله مسائلی هستند که در رابطه‌ای مستقیم با موضوع ضرورت قرار دارند و در سه حوزه مهم دین، اخلاق و علوم تجربی، نمایان می‌شوند. به طور خاص، انکار ضرورت سابق علی، علاوه بر این که اساس علوم تجربی را ویران می‌سازد، در مسئله دین و الهیات به معنای انکار ضرورت وجود خدا به عنوان علت جهان است که به تبع آن، اخلاق دینی نیز هدف قرار می‌گیرد. در این مورد شاید گمان کنیم که اخلاق غیر دینی آسیبی نمی‌بیند، لیکن اخلاق غیردینی هم با معضلاتی روبرو است. اخلاق از آن جهت که اخلاق است، نه با ضرورت علی سازگار است و نه حتی با عدم ضرورت علی؛ زیرا اگر بر همه چیز ضرورت حاکم باشد، انسان هیچ‌گاه بالسویه بین فعل و ترک فعل قرار نمی‌گیرد و همیشه علت‌هایی هستند که به یک طرف ضرورت می‌بخشند و این با قید امکان خاص در افعال اختیاری سازگاری ندارد؛ از طرفی اگر ضرورت علی بر روابط جهان حاکم نباشد، هیچ فاعل مختاری را نمی‌توان ضرورتاً علت و مسئول اعمال اخلاقی یا غیر اخلاقی‌اش دانست. در این موضوعات ابن‌سینا و لایب‌نیتس ابتدا با تحلیل خاص خود از موجودات مبتنی بر مفاهیم ضرورت و امکان به اثبات وجود خدا می‌پردازند. این دو متفکر در مسئله خلقت - برخلاف نوافلاطونیان و اسپینوزا، قائل به وجود اراده و اختیار برای خداوند هستند؛ اراده خدا مبتنی بر ضرورت عقلی وجودش و عینیت ذات و صفات، مسئله‌ای است که در فلسفه ابن‌سینا ضرورت فلسفی خلق نظام احسن را نتیجه می‌دهد. اراده خدا که در فلسفه لایب‌نیتس، مساوی با کمال مطلق او است، ضرورت اخلاقی آفرینش بهترین جهان ممکن را تبیین می‌کند. مسئله

۱ دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم (mmonfared86@gmail.com)

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم (mohamadrez.a.nasiri1394@gmail.com)

دیگر، جبر یا اختیار انسان است که در فلسفه لایب‌نیتس، اختیار انسان در معنایی مشترک با اراده و اختیار خداوند است و آن به معنای نوعی موجبیت عقلانی است که برخلاف عقیده دکارت و اسپینوزا، علت غایی در آن دخیل است. همچنین اختیار انسان در اندیشه ابن‌سینا با توجه به تقسیمات او از علت به دو قسم علت تامه و علت ناقصه، تقسیم فاعل به قریب و بعید و نیز تعلق اراده الهی با قید اختیار به انسان تبیین می‌شود. در مسئله اختیار به نظر می‌رسد لایب‌نیتس، نتوانسته است در برابر چالش‌های ذکر شده در بالا به حل مسئله فائق آید؛ یا می‌توان گفت همین راهکارها نیز با توجه به دوگانگی فلسفه لایب‌نیتس، برای پسند عوام، مطرح شده و او در فلسفه خاص خودش، کاملاً ضرورت‌گرا به معنای اسپینوزایی آن است.

کلیدواژه‌ها: ضرورت فلسفی، ضرورت اخلاقی، نظام احسن، بهترین جهان ممکن، آفرینش،

اراده، جبر و اختیار، ابن‌سینا، لایب‌نیتس

تأثیر عوامل گوناگون در معرفت

غلامرضا زکیانی*

چرا در هیچ زمینه‌ای، حتی دو نفر هم پیدا نمی‌شوند که مانند هم بیاندیشند؟ ظاهراً عقل‌گرایی و اعتقاد به عقل ناب به دلایل متعددی (از جمله حاکمیت گفتمان ارسطویی، فلسفی و مدرن) در فرهنگ بشریت نفوذ کرده و این پیش‌فرض نادرست را شکل داده که انسان‌ها، هم می‌خواهند و هم می‌توانند مثل همدیگر بیاندیشند. ولی توجه به گستردگی و تأثیر اجتناب‌ناپذیر برخی عوامل نشان می‌دهد که انسان‌ها حتی اگر بخواهند نیز نمی‌توانند همانند هم بیاندیشند؛ یعنی بشریت محکوم است به اینکه در حوزه‌های مختلفی چون اندیشه، گفتار و رفتار به صورت‌های مختلف و گوناگون زندگی کند. این عوامل عبارتند از: الف) عوامل معرفتی: شبکه معرفتی، انواع مبانی عقلی، اعتباریات، کهن‌الگوها؛ ب) عوامل فردی: رقابت‌ها، منافع، ملیت، من، انتقاد از من، شغل من؛ ج) عوامل اجتماعی: گفتمان‌ها، موج و ضد‌موج، جغرافیای اندیشه، قدرت، فرهنگ، زبان، مکان، مدرنیته، پست مدرنیسم، دوگانه‌ها، شغل‌ها و حرفه‌ها؛ د) عوامل ایدئولوژیک: مطلق‌گرایی، تقدس، تکفیر، عوام‌گرایی، دشمن‌تراشی، فقاقت. تفاوت‌های ذکر شده نکاتی را در پی خواهند داشت. نکته نخست ناظر به دلایل و نشانه‌های دینی و مباحث مرتبط با آنهاست از جمله قلب، گناه و تقوا، مراتب ایمان، تصویب و تخطئه، معذرت، قاعده الزام، تجزیه. در این مقام توجه به برخی از آیات قرآن همچون یونس / ۷۴، بقره / ۱۴۵، هود / ۱۱۹، حجرات / ۱۳ اهمیت می‌یابد. نکته نخست ناظر به نتایج معرفتی است و ما را با مباحثی همچون کثرت‌گرایی، نسبیّت، گفتگو، تفکیک دین از معرفت دینی، اختلاف رمز اشتراک، و جواز تعبّد مرتبط می‌کند. نتیجه آن که اگر زندگی را تعبیر عامی از عمل بدانیم، معلوم می‌شود معرفت انسانی به شدت تحت تأثیر عوامل مختلف زندگی بشری بوده و نمی‌تواند به صورت ناب رفتار نماید و به تعبیر دیگر عقل ناب در زندگی بشر نه مطلوب است نه ممکن.

کلیدواژه‌ها: اختلاف، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل معرفتی، عوامل ایدئولوژیک،

عوامل دینی

مفهوم «ایمان عملی» در آراء ویلیام جیمز

عباس حاج زین‌العابدینی*

در دیدگاه ویلیام جیمز ایمان پیش و بیش از آنکه به ساحت نظر تعلق داشته باشد به ساحت عواطف و احساسات و ساحت عمل تعلق دارد. او برای نشان دادن چنین وضعیتی از سویی به واقعیت‌های سرشت روانی انسان استناد می‌کند و از سوی دیگر به غایت‌محور بودن آدمی در زندگی عملی خود. به اعتقاد جیمز سرشت عاطفی و احساسی انسان او را به سوی باور مذهبی سوق می‌دهد. او در آموزه «اراده معطوف به باور» تلاش می‌کند تا موجه بودن چنین باوری را به لحاظ معرفت‌شناختی تبیین نماید. وی همچنین در جای جای آثار خود نتایج عملی باور دینی را مویدی بر صدق آن می‌داند. بر این اساس درک مفهوم ایمان عملی در دیدگاه ویلیام جیمز اولاً وابسته به درک آراء او در روان‌شناسی و ثانیاً به درک پراگماتیسم او به عنوان روشی برای احراز حقیقت یا صدق یک باور است. در عین حال، فاصله گرفتن روان‌شناسی رایج در روزگار ما از سبک خاص جیمز در تحلیل واقعیت‌های روان‌شناختی، ابهام‌هایی که تا حدی به فهم واژه پراگماتیسم مربوط است (تا حدی به تفاوت پراگماتیسم در دیدگاه جیمز با پراگماتیسم در دیدگاه متأخران باز می‌گردد)، و سبک جیمز در بیان عقاید فلسفی خود موجب شده است تا درک و تفسیر آراء جیمز در اکثر موارد، از جمله در موضوع مورد بحث این مقاله، در میان جیمزپژوهان با نقدها و اختلاف نظرهای قابل توجهی مواجه باشد. در این مقاله ضمن گزارش و بررسی آراء جیمز در باب ایمان و توجه به اهم تفسیرها و نقدها، تفسیری از آراء جیمز در باب ایمان ارائه می‌شود که قرابت آن را با مفهوم ایمان فطری در میان متفکران مسلمان نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ایمان عملی، ویلیام جیمز، سرشت عاطفی، پراگماتیسم، اراده معطوف به باور

تبیین ضرورت دین‌داری عملی با کمک تقریری از دلیل معقولیت بر

پایه شرطیه پاسکال

روح‌اله زینلی*

انسان‌ها در زندگی همواره در موقعیت انتخاب قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا بهترین‌ها را برگزینند. یکی از مهمترین این موقعیت‌ها گزینش زندگی دین‌دارانه یا غیر دین‌دارانه است. دین‌داران و غیر دین‌داران مدعی برتری دیدگاه خود هستند. آنان باید برای اثبات مدعای خود دلیل ارائه کنند. پس از بررسی دلایل آنان سه وضعیت قابل تصور است: ۱. برتری دلایل دین‌داران. ۲. برتری دلایل غیر دین‌داران. ۳. تکافؤ ادله دو طرف. بر اساس الگوی عقل‌گرایی، در وضعیت نخست باید در نظر و عمل دین‌داری را و در وضعیت دوم غیردین‌داری برگزید. اما در وضعیت سوم باید بین نظر و عمل فرق نهاد. در نظر، تکلیف ندانم‌گرایی یا توقف است. گویا ندانم‌گرایی راه سومی است که در عرصه نظر درخور گزینش است. ولی در عمل توقف و ندانم‌گرایی امکان ندارد و ناچار از برگزیدن یک طرف هستیم. از این‌رو اگر اعمال عبادی دین را انجام دهیم، دین‌دارانه و در غیر این صورت غیردین‌دارانه عمل کرده‌ایم. در چنین شرایطی باید جانبی را برگزید که ضرر کمتر و سود بیشتری را در پی داشته باشد. با مقایسه سود و ضرر مورد ادعای دین‌داران و غیر دین‌داران و احتساب میزان کمی شده آنها می‌توان دریافت که مجموع سود دین‌داری بیشتر از غیر دین‌داری است. عنوان این تقریر از دلیل معقولیت که بر مبنای شرطیه پاسکال شکل گرفته، سود مورد انتظار برتر است و بر اساس آن می‌توان ثابت کرد که در عمل باید دین‌داری را برگزید و دین‌دارانه زندگی کرد. این استدلال با وجود برخی شباهت‌ها، در پاره‌ای پیش‌فرض‌ها و هدف با شرطیه پاسکال متفاوت است. در این استدلال محدودیت‌های دین‌داری لحاظ گردیده و برای برخی غیردین‌داران بهره‌ی اخروی در نظر گرفته شده است. هدف آن نیز ترجیح دین‌داری در عمل است نه اثبات حقانیت دین‌داری.

کلیدواژه‌ها: ضرورت دین‌داری عملی، دلیل معقولیت، شرطیه پاسکال، تبیین استدلال

معناشناسی الهیات عملی بر مبنای متافیزیک عمل در اندیشه علامه

طباطبائی

مهدی ساعتچی*

معناشناسی الهیات عملی متوقف است بر انگارهٔ عمل و نسبت آن با الهیات. متافیزیک عمل به بررسی شأن هستی‌شناختی عمل، جایگاه آن در میان سایر امور و نسبت آن با سایر اشیا می‌پردازد. با نگاهی منظومه‌وار به آثار علامه طباطبائی، می‌توان دیدگاه ویژه‌ای در باب متافیزیک عمل از آن استخراج کرد. از نظر طباطبائی، عمل - به مثابهٔ یک هویت خارجی - نوعی حرکت است، حرکتی که دارای یک سلسله مبادی در درون آدمی است. مشخصهٔ عامل مختار این است که با وساطت افکاری برساخته (امور اعتباری) عمل می‌کند. حرکت انسان چیزی بر اشیای بیرونی نمی‌افزاید، بلکه صرفاً نحوهٔ نسبت انسان بدن‌مند با بیرون از خود را تغییر می‌دهد. هر تغییری در جهان به تغییرات دیگر و در نتیجه به تغییر وضع جهان می‌انجامد. پس انسان از طریق افکار برساخته، جهان را تغییر می‌دهد. هر آن چیزی که از سنخ اندیشه است و می‌خواهد به گونه‌ای به ساحت کنش آدمی وارد شود، باید از معبر امور اعتباری گذر کند. روشن است که الهیات در وهلهٔ اول ساحتی نظری و مربوط به حوزهٔ باورها است. مسئله این است که الهیات چگونه وارد این معبر شده و چگونه مبنای مبدأ عمل واقع می‌شود، و به دیگر سخن چگونه مبدأ تغییر جهان می‌گردد؛ نیز چه مزیتی بر سایر مبادی نظری عمل دارد. به باور طباطبائی دین ترجیحات هم‌سو با هستی و آفرینش را به انسان گوشزد می‌کند. بر این اساس می‌توان به معناشناسی الهیات عملی رسید: الهیات عملی، دانش تبیین و توجیه نحوهٔ ترجیح مبدأ الهیاتی عمل در شکل‌گیری کنش‌های فردی و اجتماعی آدمی است. آدمی مادام که عملی را راجح نیابد، دست به انتخاب آن نمی‌زند. دنیای جدید انسان را به ترجیحات گوناگونی دعوت می‌کند: الهیات عملی در این میان می‌تواند نقش سرنوشت‌سازی داشته باشد، اینکه نشان دهد چگونه عمل دینی قطع نظر از تکلیف بودنش، با وضع بشر هماهنگ است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، متافیزیک عمل، عمل دینی، علامه طباطبائی

* استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه شهید مطهری، تهران (saatchi.edu@gmail.com)

الهیات عملی ارسطو غایت الهیات نظری

مریم سالم*

زمانی که ارسطو علوم را طبقه‌بندی نمود و الهیات (فلسفه اولی) را به سبب موضوعش برترین علوم دانست، این نکته خصوصاً تصریح شده در آثار اخلاقی‌اش را مد نظر داشت که انسان به سبب آنکه همیشه به دنبال خیر است، خدا و موجودات غیر مادی را جستجو می‌کند. انسان متحیر در اندیشه ارسطو که به خاطر خود حقیقت به دنبال حقیقت است، به واقع به به دنبال خیر، علل نخستین را جستجو می‌کند. در نگاه ارسطو تعقل و حکمت از فضایی است که سعادت انسان را تأمین می‌نماید و برترین فعالیت‌ها حکمت نظری است. فعالیت حکمت نظری برترین لذایت را که دوام و ثبات دارد به همراه دارد. از این رو حکمت عملی و رسیدن به زندگی سعادتمندانه در جامعه‌ای فضیلت محور، هدف حکمت نظری است. در اقسام حکمت نظری، الهیات برترین است و لذا نظام اجتماعی الهی، غایت نظام علمی و حکمی الهی است. حکیم و فیلسوف جز در جامعه‌ای آرام و سالم نمی‌تواند به کشف حقیقت نایل شود و لذا ارسطو به علم سیاست اهمیت می‌دهد و آن را معتبرترین و مهمترین دانش‌ها می‌داند. الهیات نظری اگر چه غایت اولیه و بالذاتش شناخت است، اما غایت ثانیاً و بالعرض آن که بسی مهم‌تر است، رسیدن به جامعه‌ای الهی مبتنی بر فضیلت خیر است که خود سبب رشد حکمت می‌شود. الهیات نظری هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از الهیات عملی جدا کند، چه در مقام ایجاد و چه در مقام ابقا. اخلاق فضیلت محور و به دور از تعصب، جاه‌طلبی، مال‌اندوزی و سایر رذایل، شرط حقیقت‌جویی و حکمت نظری است، در عین اینکه خود حکمت نظری شرط تحقق حکمت عملی و اخلاق است. این رابطه لزومی دوسویه سبب می‌شود الهیات هیچ‌گاه در نظر نماند و به سبب تحقق نظام اجتماعی مبتنی بر برترین فضایل، در جای‌جای نظام اجتماعی نفوذ نماید و موجبات رشد انسانیت را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: ارسطو، خیر، الهیات نظری، الهیات عملی، فضیلت

از الهیات عملی تا کلام کاربردی

محمدتقی سبحانی*

الهیات عملی در مسیحیت توسط شلایرماخر به منظور بازسازی و روزآمد شدن دستگاه روحانیت مسیحی و با تأکید بر جنبه‌های عینی و زمینی بشر مطرح گردید. در الهیات مسیحی در طی دو دهه اخیر، الهیات کاربردی نیز شکل گرفته است که می‌توان آن را شاخه‌ای از الهیات عملی و امتدادی از الهیات شبانی و تبشیری دانست. الهیات عملی دامنه بسیار وسیعی از همه حوزه‌های مربوط به عمل انسانی (از جمله نحوه اداره کلیسا، خطابه‌ورزی) و همچنین تأملات نظری درباره مبانی عمل انسانی را شامل می‌شود، اما الهیات کاربردی صرفاً به امور جزئی و عینی در زندگی بشر و دغدغه‌های روزمره و اجتماعی او نظر دارد. الهیات و کلام اسلامی نیز نمی‌تواند نسبت به تغییرات ایجاد شده در دوران جدید و جنبه‌های عینی بی‌تفاوت باشد. در عین حال، میان الهیات مسیحی و الهیات اسلامی دو تفاوت اساسی وجود دارد: (۱) اسلام از ابتدا و ذاتاً آمیخته با زندگی روزمره و عینی بشر بوده، و لذا بسیاری از دغدغه‌های کلامی نخستین ناظر به واقعیات زندگی مسلمانان بوده است (از جمله امامت، مرزبندی اجتماعی ایمان و کفر، قدر، ۲) کم‌رنگ بودن مباحث عملی و اخلاقی در کلام اسلامی ناشی از وجود دو علم فقه و اخلاق در کنار علم کلام است؛ در نتیجه، برای ایجاد الهیات یا کلام عملی اسلامی باید از مجموع این علوم استفاده کرد. به نظر می‌رسد مانند سنت مسیحی می‌توان تمایزی میان کلام عملی و کاربردی قائل شد. در کلام عملی، ضوابط، اصول کلی و کبریات عمل انسانی مشخص می‌گردد و بسیاری از مباحث جنبه نظری دارد، ولی در کلام کاربردی، مصادیق عینی و جزئی افعال در بستر زندگی روزمره و اجتماعی بشر (مبتنی بر آن کلیات) بررسی می‌شود. به بیان دیگر، کلام کاربردی عهده‌دار تفسیر الهیاتی از زندگی عینی بشر و مشخص کردن شیوه تغییر زندگی برای رسیدن به زندگی مطلوب دینی (با در نظر داشتن همه عناصر محیطی و فرهنگی) است. الهیات کاربردی ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد. الهی‌دان کاربردی نقطه آغاز کار خود را بررسی واقع اجتماعی قرار می‌دهد. از این رو اولاً از منظر علوم اجتماعی مختلف رویدادها را مطالعه می‌کند و سپس بر اساس مبانی الهیاتی به تفسیر این رویدادها پرداخته و نهایتاً تفسیر جدید خود را در ساحت عینی مجسم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات کاربردی، کلام عملی، کلام کاربردی، مسیحیت، اسلام

* استادیار پژوهشکده فلسفه و کلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم (sobhani.mt@gmail.com)

الهیات عملی و معنای زندگی از نظر علامه محمدتقی جعفری و جان کاتینگهام

نسرین سراجی‌پور*

انسان عصر حاضر به دلایل مختلف دچار بحران معنویت است. گسترش احساس پوچی و سردرگمی انسان امروز یکی از نمودهای این بحران است. کاتینگهام ضمن بر شمردن علل این بحران معنوی راه حل مسئله را در خدا و دین می‌داند. او معتقد است زندگی مومنانه می‌تواند موجب معناداری زندگی انسان شود. به عقیده او حتی اگر کسی با عقل نتواند باورهای دینی داشته باشد، می‌تواند با الزام به اعمال مذهبی به زندگی خود معنا ببخشد. علامه جعفری اگرچه اعمال عبادی را در معنابخشی زندگی انسان موثر می‌شمارد، اما رکن اساسی معناداری زندگی را شناخت خود حقیقی، طبیعت و خدا می‌داند. از نظر علامه جعفری هماهنگی زندگی انسان با اهداف الهی به معنای حیات معقول است. با توجه به دیدگاه‌های دومتفکر اگر زندگی انسان را به دوره قبل از عقل و بعد از عقل تقسیم کنیم با توجه به دیدگاه‌های دومتفکر درباره معنای زندگی می‌توان راه کارهایی عملی برای حل معضل احساس پوچی و سردرگمی انسان معاصر ارائه داد. به عبارت دیگر تربیت دوران کودکی و نوجوانی با روش کاتینگهام می‌تواند افقی از ارزش‌های معنوی در برابر کودک و نوجوان بگشاید بدین منظور نگارش کتب درسی به شیوه‌ای که کاتینگهام ارائه داده است با موضوعات معنای زندگی یا اخلاق عملی، همچنین آموزش خانواده و ترغیب آنها به توجه به این راهکارها بسیار حائز اهمیت و زمینه‌ساز دوره بعدی زندگی اوست. در دوره‌های بعدی که دوره جوانی است پرورش فکری جوانان و تغییر نگرش آنها با توجه به روش علامه جعفری در جهت حیات معقول با گنجاندن دروس عمومی برای تمام رشته‌های دانشگاهی و متوسطه با عنوان معنای زندگی و فلسفه عمومی و اخلاق عملی، گامی مهم در جهت کاهش اثرات بحران معنوی است که انسان امروز دچار آن شده است.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، زندگی مومنانه، حیات معقول، جان کاتینگهام، علامه محمدتقی جعفری

* دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

(nasrineseraj47@gmail.com)

فهم مقاصد عقاید و الهیات عملی؛ طرح‌واره دینی غزالی

کیهان سلطانیان^۱؛ قربان ابراهیمی^۲

در علم کلام، علی‌رغم بررسی عقلانی عقاید دینی مانند وجود خداوند، اسما و صفات او، اصناف ملائکه، خلقت بشر، بعثت انبیا(ع)، نزول کتب، جنت و دوزخ، ایمان به هر یک از این امور در ترغیب و ترهیب به اعمال و کردارهای اخلاقی و دینی نقش بسزایی دارند. این امر در ذیل عنوان غرض‌مندی افعال خداوند، مورد تأکید شماری از متکلمان که برخی از ایشان نظیر غزالی، اشعری هستند قرار گرفته است. غزالی که بنیان‌گذار نظریه تعلیل در افعال و اراده الهی می‌باشد، در کنار اثبات و دفاع از عقاید، معتقد است ایمان و عمل همواره با هم هستند و از یکدیگر مستغنی نخواهند بود. برای این همراهی، ادراک و فهم عقاید نزد عقل و قوه فاهمه بشری و همچنین آگاهی از مصالح عقاید و مضرات کفر به آنها ضروری است. از نظر غزالی حقیقت ایمان مجرد یک پندار و باور نیست و سعادتمندی بشر با صرف تلفظ کلمات دال بر ایمان حاصل نخواهد شد؛ همانگونه که غذا با تلفظ کلمه شکر، شیرین نخواهد گشت. عمل مرتبه بعد از این ایمان و تلفظ است و مؤمن بدون عمل مانند مبارز بدون سلاح است. کسی می‌تواند به مصالح ایمان و منافع عقاید دست یابد که از اسباب حصول این منافع یعنی عمل کردن بهره‌مند گردد و به تعبیر غزالی کسی قادر به شکرگزاری از خداوند و عمل به دستورات اوست، که به حکمت خداوند در هر چیزی آگاه گردد. مصالح و مضرات پذیرش و عدم پذیرش باورها، و عمل کردن یا ترک عمل به آنها، دنیا و آخرت انسان را متأثر خواهد ساخت. غزالی تمامی اعتقادات موجود در قرآن را برای عبرت گرفتن و انجام فعل یا ترک فعل می‌داند. لذا کشف مصالح و مقاصد عقاید و شناخت مسیری که به این مهم می‌انجامد، جهت عملیاتی‌سازی آنها از منظر غزالی اهمیت زیادی دارد. زیرا فهم مقاصد عقاید دینی، رغبت به انجام یا ترک فعل را در میان مؤمنان بیشتر کرده و سبب تمایل دیگران به پذیرش باورها و اقدام به دستورات دینی در آنان گردد. اینجا سعی بر آن است تا راه‌های کشف مصالح عقاید و مقاصد آن عقاید از دیدگاه غزالی، در حد وسیع یک مقاله ذکر گردد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، الهیات عملی، غزالی، مقاصد عقاید، غرض‌مندی خداوند

۱ استادیار دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور (kihan_234@yahoo.com)

۲ مربی آموزشی، گروه معارف، دانشگاه پیام نور (ghorban_abraimi@yahoo.com)

کاربرد تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی؛ جسمانیت، فرهنگ و زبان

مریم‌السادات سیاهپوش^۱؛ زهرا جوادی^۲

در راستای ارائه خوانشی از الهیات که معطوف به تجربه زنانه باشد، توجه الهی‌دانان به سه ساحت جلب شد. در ساحت نخست، تاریخ فلسفه در غرب، همواره جسمانیت زنانه را متناظر با طبیعت دانسته و با جلوه دادن عقلانیت به مثابه حق انحصاری مردانه، زنان را از تحصیل در حوزه الهیاتی منع کردند. الهی‌دانان فمینیست بر آن هستند که ضمن به رسمیت شناختن جسمانیت زنانه، راهی برای ورود به عرصه عقلانیت بگشایند. افزون بر این، در همین ساحت است که الهی‌دانان فمینیست بدن زنان را منبعی برای بازتاب الهیات فمینیستی دانسته و تجربیاتی که از طریق بدن خود به دست می‌آورند را به عرصه‌های گوناگون الهیاتی تعمیم داده و حتی به بازتفسیر وجه زنانه خدا می‌پردازند. ضمناً ایشان در این راستا دست به ارائه آیین‌های جدید دینی با هدف ایجاد فضایی معطوف به تجربیات جسمانی می‌زنند تا به رویدادهای مخصوص بدن زنان، وجهی دینی ببخشند. در ساحت دوم، توجه الهی‌دانان فمینیست پساساختارگرا به تکثر فرهنگی جلب شده و تاثیر فرهنگ‌های گوناگون را بر تجربیات زنانه از دین مد نظر قرار دادند. در این ساحت، کوشش می‌شود تا با نظر به شخصیت‌های متون مقدس که تجربیات زنان از فرهنگ‌های غیرغربی را در بر دارند، تفسیری چند فرهنگی ارائه شود که طیف فراگیرتری از زنان را شامل شود. در ساحت سوم، در متون مقدس از یک سو زبان جنسیتی بوده و تصویری مردانه از خدا در ذهن مومنان ایجاد می‌کند و از سوی دیگر نگارش این متون به دست مردان، عمدتاً از تجربیات زنانه غافل مانده است. پژوهش حاضر، در مقام یک پژوهش بنیادی - کاربردی، بر آن است که کاربرد تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی به مثابه الهیاتی عملی را با نظر به سه ساحت مطرح شده، مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: الهیات فمینیستی، جنسیت و دین، فمینیسم دینی، مردسالاری دینی

۱ دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

(maryam.siahpoosh.1371@gmail.com)

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران (shadj1989@gmail.com)

بازخواست خدا در مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری؛ روایتی دیگر

از الهیات اعتراض

هاتف سیاهکوهیان*

الهیات اعتراض (Protest Theology) اگرچه از نظر تاریخی متعلق به الهیات‌های مدرن یهودی-مسیحی پساہولوکاستی است، اما در سنت تصوف اسلامی نیز گفتگمانی با رویکرد «شکایت مؤمنانه از خدا» وجود دارد که می‌توان آن را روایتی دیگر از الهیات اعتراض دانست. نمونه این اعتراض مؤمنانه را می‌توان در مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری سراغ گرفت که علی‌رغم تسلط گفتگمان شریعت‌مدار بر اندیشه نویسنده آن، در برخی از پاره‌گفتارهای آن رابطه میان انسان و خدا از سطح «تسلیم و رضای صوفیانه» فراتر می‌رود و پرسش‌گری و بازخواست از خدا از طریق استراتژی «گله و شکوه» مطرح می‌شود. مقاله حاضر با بررسی پاره‌گفتارهای این اثر در صدد تقویت این فرضیه است که علی‌رغم تقسیم‌بندی‌های تاریخی، نوعی الهیات اعتراض در ادبیات عرفانی ایرانی وجود دارد که با وجود تمایز با روایت‌های یهودی-مسیحی آن، همانند آنها اُتوریته خدا را در گفتگمان‌های سنتی به چالش می‌کشد. حاصل بررسی‌ها نشان داد که هسته مرکزی گفتگمان «شکایت از خدا» در مناجات‌نامه «مسئله تقدیر» است نه «مسئله شر». این گفتگمان برخلاف الهیات‌های پساہولوکاستی، که ناظر بر سوبه تاریخی و عینی رنج بشر است، همانند الهیات‌های سنتی ماهیتی سوژه‌محور و انتزاعی دارد و بر اساس ایدئولوژی «تقدیرگرایی»، چالش کلامی «ناسازگاری اراده پیشین خدا با اختیار انسان» را مطرح می‌کند. طرح این چالش سرنوشت‌گرایانه در مناجات‌نامه بر اساس استعاره «بازی و فریب» و بازنمایی چهره انسان به مثابه قربانی و بازیچه بازی سرنوشت، تصویر «خدای عادل» را در باور عام یک مسلمان مخدوش می‌کند. خواجه عبدالله انصاری با ایجاد نوعی دیالکتیک در تفکر اشعری، از پارادایم «تعبد و تسلیم» یک مسلمان خدا‌باور عدول می‌کند و تا مرز تردید در عدالت خدا پیش می‌رود و با نوعی یأس و بدبینی ناکارآمدی و بی‌معنا بودن اختیار و عمل انسان را در برابر مشیت الهی مطرح می‌کند. هدف این مقاله بررسی صورت‌بندی زبانی و محتوایی گفتگمان «شکایت از خدا» در مناجات‌نامه با روش توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: الهیات اعتراض، خواجه عبدالله انصاری، ادبیات عرفانی، عدل الهی

نسبت الهیات عملی با الهیات معنوی در مسیحیت

احمد شاکر نژاد*

الهیات معنوی و الهیات عملی در دوران مدرن برای بازگرداندن عمل و معنویت به الهیات ایجاد شدند، اما عدم توجه به تمایزات الهیات معنوی با الهیات عملی و عدم آگاهی از نسبت این دو ممکن است چالش‌هایی را برای محققان بیافریند. الهیات معنوی به معنای خاص خود شاخه‌ای از الهیات مسیحی است که به دنبال مطالعه منسجم تجربه زیسته ایمان در بافت مسیحی است. به این معنا، «الهیات معنوی» دانشی است که به چگونگی ایجاد ارتباط زنده با متعلق ایمان مسیحی می‌پردازد. سوال این تحقیق آن است که چه نسبتی میان الهیات معنوی و الهیات عملی وجود دارد؟ الهیات عملی در کنار الهیات سیستماتیک دو منبع تغذیه الهیات معنوی هستند که با بهره‌گیری از آنها، الهیات معنوی می‌تواند خودش را در مسیر سنت الهیات مسیحی حفظ کند. البته الهیات معنوی از میان تعالیم الهیات عملی (به عنوان منبع مباحث عملی خود) بیش از همه به مباحث زیست معنوی، کمال، تعمیق ایمان و خودسازی توجه دارد تا مباحثی درباره اداره کلیسا و جماعت مومنان، مناسک و شعائر دینی، هدایت معنوی، خدمات کلیسایی و امور شبانی. در یک نگاه مقایسه‌ای، حجم و دامنه موضوعات عملی در الهیات عملی بسیار فراگیر است و حتی شامل اعمال ظاهری و فرمالیستی نیز می‌شود. یافته مقاله حاضر آن است که الهیات معنوی به الهیات عملی نیاز دارد تا در چارچوب عمل مومنانه و سنت مسیحی، اعمال معنوی را سامان‌دهی کند و در دام باطن‌گرایی نیفتد. الهیات عملی نیز به الهیات معنوی احتیاج دارد تا در ورطه فرمالیسم دینی و ظاهرگرایی گرفتار نشود. پس الهیات معنوی و الهیات عملی را می‌توان دو جریان الهیاتی دانست که با هم تعاضد داشته و به همدیگر یاری و کمک می‌رسانند.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، الهیات عملی، الهیات معنوی، معنویت و ایمان

* استادیار پژوهشکده اخلاق و معنویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم (a.shakernejad@gmail.com)

انسان بیدار علامه حسن زاده آملی به مثابه تمهیدی بر الهیات عملی

شهناز شایان‌فر*

از چشم‌اندازهای متفاوتی به الهیات عملی نگاه شده است و تفسیرهای مختلفی از آن ارائه شده: همانند اینکه از منظر الهیاتی و دینی، دلشوره رنج مردم و کیفیت زندگی آنها را داشتن؛ مقدس‌انگاری جهان زندگی؛ اهتمام به حل بحران‌های محلی و ملی و جهانی مردم. در سنت عرفانی ما، دین‌ورزی با حصر نظر به اجرای مناسک قوام نمی‌یابد، بلکه عارفان در مراقبت‌های معنوی و فضای علم‌الاسمایی، مردم را مظهر جمال و جلال الهی می‌دانند و در همه حال خویش را در محضر خدا می‌بینند. پرسش اصلی این پژوهش این است: چگونه می‌توان بنا بر سیره و اقوال علامه حسن زاده آملی از الهیات عملی سخن گفت؟ دستاوردهای این پژوهش به این قرار است: یکم، اگر به تعبیر برخی، رنج را آغاز الهیات عملی بدانیم، سیره و آرای علامه حسن زاده را می‌توان در فضای الهیات عملی تفسیر و تحلیل کرد؛ با این توضیح که به نظر می‌رسد از نظر علامه حسن زاده، ام‌المصائب و بزرگترین رنج بشری، رنج جهالت و غفلت است، لذا ایشان تمام توشه و توان خود را به کار می‌گیرد تا جامعه را به سمت و سوی انسان بیدار سوق دهد؛ دوم، اگر مراقبت شبانی و معنوی را از مقومات الهیات عملی بدانیم، امکان درونی این مقوم از اقوال علامه حسن زاده آملی قابل استنباط است. زیرا ایشان این جهان را رحم دوم آدمی می‌دانند؛ رحمی که قرار است آدمی در پرتو مراقبت مادرگونه اما معنوی عارفان متأله، به موطن غیب راه یابد. سوم، خیررسانی به دیگری از منظر الهیات نیز در منطقه الهیات عملی حضور دارد؛ از این رو الهیات عملی در بیان این عارف عالقدر قابل رصد است، بنا بر آنکه استاد حسن زاده بر طهارت باطنی آدمی و تطهیر کردن دیگری و تکمیل نفوس اهتمام ویژه دارد، تطهیر و تکمیلی که هویت خیررسانی به جامعه و تصحیح ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را به همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، انسان بیدار، جهل، غفلت، حسن زاده آملی

* دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران (sh.shayanfar@alzahra.ac.ir)

الهیات معطوف به قدرت

علی‌رضا شجاعی‌زند *

توجه یافتن دین‌پژوهان به الهیات ادیان و منعطف شدن متألّهان به آثار و پیامدهای عملی الهیات، دو رونق مستقل و در عین حال مکملی هستند که در چند دهه اخیر و به موازات هم رخ داده و حوزه‌ای به نام «الهیات عملی» را صورت بخشیده است. الهیات عملی در واقع مدخلی است برای ورود و پرداختن به مسائل خرد و کلانی که دین در ساحت‌های مختلف زندگی پدید آورده است. یعنی عطف توجهی بیش از گذشته به زندگی دنیوی و بستر اجتماعی نشو و نمای یک دین، صرف نظر از این که آموزه و تعلیم روشن و صریحی برای آن دارد یا ندارد. این همان جایی است که میدان آموزه و میدان تاریخ به هم می‌آیند تا واقعیت‌های جهان اجتماعی را صورت بخشند. از الهیات عملی تا الهیات اجتماعی و از آن تا الهیات سیاسی جز چند گام کوتاه متصل به هم، فاصله نیست و از آنجا تا رسیدن به ترکیب بازهم بدیع و بغرنج‌تری به نام «الهیات قدرت» نیز به همین اندازه است و شاید هم کم‌تر؛ زیرا عنصر قدرت و هم‌خانواده‌های آن، اگر به خوبی نظر شود، هیچ‌گاه از این ساحات بیرون نبوده‌اند. در این مقال قرار است از منظر و مدخلی که در آن، آموزه و میدان به هم آمده‌اند، به تجربه جمهوری اسلامی که مصداق آشکاری از الهیات معطوف به قدرت است، نظر بیفکنیم و نشان دهیم که علاوه بر پشتوانه‌های آموزه‌ای، از بنیان‌های متقن عقلی نیز برخوردار است. تفاوت بحث ما در اینجا با بحث‌های قدیمی‌تر «دین و سیاست» و «دین و دولت»، در همین پرهیز از نگاه تحویلی است و در اعتنایی که به تفاوت‌های آموزه‌ای و تاریخی ادیان شده است. بازکردن پای الهیات به این مباحث و استمداد از آن در مقام «موضوع‌شناسی»، ما را از دچار شدن به عارضه تحویل‌گرایی مصون می‌دارد؛ بی آن که دستخوش مقابله‌جویی‌های کلامی گردد.

کلیدواژه‌ها: گفت‌مان جمهوری اسلامی، مدرنیته، روشنفکری دینی، تابوی قدرت، دین در قدرت / دین بر قدرت

الهیات عملی در منظومهٔ دین اسلام، با تأکید بر انسان معیار در تراز مولای متقیان

محمدرضا شمشیری*

بنابر مشهور، فیلسوفان الهیات را در قسم حکمت نظری در کنار طبیعیات و ریاضیات دیده و نمود و بروز آن را در حوزه حکمت عملی به انتظار نشسته اند؛ اما تجربهٔ عملی گویای آن است که آنچه در حوزه نظر مطرح است لزوماً راه به میدان عمل نمی‌یابد. هدف از این جستار پرداختن به این موضوع است که آنچه در حوزه الهیات، اعم از نظری و عملی مطرح است آنگاه به خود رنگ عمل خواهد گرفت که بایسته‌هایی را به شایستگی پیاده‌سازی کرده باشد؛ در این تلاش که با رویکرد درون‌دینی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است با استفاده از فرازهایی از کلام معصومین (ع)، دنیا به عنوان میدان عمل، قرآن به عنوان چراغ هدایت و ولی معصوم به عنوان تراز و میزان عمل در زندگی مطرح می‌گردد. گرچه اضلاع این منظومه برای همگان واحد و یکسان است اما نسبت انسان‌ها با آن متناسب با مرتبت وجودی آنها به لحاظ معرفت‌شناختی رقم خواهد خورد. نتیجه آن که تخلق انسان‌ها به اخلاق معیار، منوط به رعایت تقوا و تمسک و توصل به ولی معصوم است. نیازدگی و پیروی از هوی و هوس و رضایت به دنیا و اطمینان نسبت به آن، مانع رسیدن ایشان به آن جایگاه خواهد بود. راه برون‌رفت از این تنگنا، اعراض و انقطاع از دنیا و تلاش در جهت ارتقاء وجود و نزدیک شدن به جایگاه اصحاب یمین و مقربان درگاه الهی بر مبنای شیوه‌نامه‌ای است که مولای متقیان (ع) مطرح فرموده اند.

کلیدواژه‌ها: الهیات، اخلاق، ولی معصوم، تقوا، نیازدگی

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) (mo_shamshiri@yahoo.com)

«مفتاح الحياة» نموذج من إعادة قراءة التراث الإسلامي في اتجاه

التطبيق العقلاني للدين في المجتمع

حسن شواهدی*

إنَّ الإلهیات العمليّة، علی الرغم من أنَّها لا تحتوي علی تعريف واحد ومحدّد ولكن يمكننا القول أنَّها دراسة الإلهیات الفلسفيّة بطريقة تجعله قابلاً للتطبيق في جميع المجالات المختلفة من حياة الإنسان، سواء الحياة الفرديّة أو الحياة العائليّة أو الحياة الاجتماعيّة في جميع مجالاتها الاقتصاديّة والسياسيّة والثقافيّة وغيرها. يبدو أنَّ الحاجة إلى الإلهیات العمليّة في العالم المسيحي قد نشأت بعد إبعاد الكنيسة عن السلطة. لأنَّ الكنيسة قبل ذلك كانت تسيطر بالفعل علی جميع جوانب الحياة البشريّة الأوروبيّة. في العالم الإسلامي وخاصّة بعد الثورة الإسلاميّة في إيران جرت محاولة لإعادة الحكم الديني إلى عالم الحياة البشريّة. وهو ما يمكن رؤيته في مؤلّفات وخطابات العديد من مفكري ومنظري الثورة بما في ذلك الإمام الخميني (رض)، والشهيد مطهري (ره)، وآية الله مصباح يزدي (ره)، وآية الله خامنئي (دام ظلّه)، وآية الله طالقاني (ره)، وآية الله جواد آملی (حفظه الله) وغيرهم. كتاب "مفاتيح الحياة" من مؤلّفات الشيخ جواد آملی (حفظه الله) يعتبر محاولة لإعادة قراءة التراث الإسلامي الغني، خاصة في مجال الروايات والأدعية، وللارتقاء بمعارف الدين إلى مستوى المجتمع. ومن الملاحظ أنَّه حظي باستقبال حسنٍ من قبل أغليّة الناس حيث أنه حتّى عام ١٤٣٤ أعيد طبعه للمرّة الـ ٩٢ في أقلّ من سنة واحدة. ينقسم هذا الكتاب إلى خمسة أجزاء علی الترتيب التالي: تفاعل الإنسان مع نفسه، وتفاعل الإنسان مع إخوانه من بني البشر، والعلاقة بين الناس والنظام الإسلامي، وتفاعل الإنسان مع الحيوانات، وتفاعل الإنسان مع البيئة. وهكذا يتضح أنَّ هذا الكتاب هو جهد شامل لجلب الدين إلى جميع مجالات الحياة البشريّة. ومن المثير للاهتمام أنَّ القسمين الثاني والثالث من الكتاب يشكّلان أكثر من نصف الكتاب وهذا يدلّ علی أنَّ المؤلّف قد أولى اهتماماً خاصّاً بهذين الجزأين وسعى سعياً بليغاً بقدر الوسع والطاقة لإظهار دور الدين في المجالات الاجتماعيّة أكثر من المجالات الأخرى.

الكلمات المفتاحية: الإلهیات العمليّة، المسيحيّة، الثورة الإسلاميّة في إيران، مفاتيح الحياة،

جواد آملی

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (h.shavahedi@isu.ac.ir)

محوریت عشق در الهیات زنانه‌نگر

مریم صانع‌پور*

با بررسی رویکردهای الهیاتی متنوع زنانه‌نگر می‌توان به وجه جامع آنان یعنی مفهوم‌شناسی مشترک عشق دست یافت که مبتنی بر ویژگی‌های روانکاوانه زنانه - مادرانه است. علاوه بر آثار پاملا سو اندرسن، ماری دیلی و لوسه ایریگاری که صراحتاً از محوریت عشق در خداشناسی‌های زنانه‌نگر حکایت می‌کنند، همچنین دیدگاه‌های فلسفی ساندرا هاردینگ، سارا رادیک، ژولیا کریستوا، ژنویو لوید و جودیت باتلر به الهیات عشق منجر می‌شوند. شایان ذکر است که رویکردهای متنوع فلسفی - الهیاتی زنانه‌نگر عموماً با فلسفه پویشی آلفرد نورث وایتهد و الهیات عشق پل تیلیش هماهنگ هستند. معرفت‌شناسی فلسفه‌های زنانه‌نگر متناسب با مولفه مادرانه‌شان دارای ویژگی جمع‌گرایی و دیگرمحوری هستند و با موضوعات الهیاتی ارتباطی شهودی - ثبوتی برقرار می‌کنند. شهودی بودن نگرش‌های زنانه‌نگر موجب شده تا ایشان از تنوع تجربیات عرفانی غفلت نکنند؛ این در حالیست که الهیات حصولی - اثباتی فلسفه دین‌تنیستی تعریفی واحد، مفهومی و انتزاعی از خداوند ارائه کرده‌است. هستی‌شناسی فلسفه دین زنانه‌نگر نیز به اقتضای استعداد مادرانه زنانه‌نگری، تولدمحور، تعاملی و پویانده است. مبتنی بر همین اصول در الهیات زنانه‌نگر، قدرتی عاشقانه و مراقبتی برای خدا ترسیم شده‌است. متألهان زنانه‌نگر هرچند در الهیات تنزیهی صفاتی فراجنسی برای خداوند قائلند، اما در الهیات تشبیهی قائل به صفاتی مادرانه برای خداوند هستند. ویژگی فرایند عشق و مراقبت در فلسفه دین و الهیات زنانه‌نگر، مانع از هر گونه تبعیض‌گرایی و خودمحوری اعم از زن‌سالارانه و مردسالارانه می‌شود تا تجربه تلخ دوگانگی من / دیگری یا مردانگی / زنانگی سوژه دوره روشننگری تکرار نشود. همچنین براساس اصل مشترک فرایند عشق در فلسفه دین و الهیات زنانه‌نگر، دوگانگی عقل / ایمان و عقل / عشق رخت بر می‌پندد.

کلیدواژه‌ها: الهیات، فلسفه دین، الهیات زنانه‌نگر، عشق، مراقبت

تقریری از شیوه تسری مباحث نظری به آموزه‌های عملی فقه

محمدحسین صفایی *

میزان اقبال به آموزه‌های عملی هر آئینی، ارتباط مستقیمی با منطق استنباط در آن شریعت دارد. در همین راستا کارآمدی فقه به عنوان شاخص‌ترین شاخه علوم اسلامی، در گرو پاسخگویی به نیازمندی‌ها و مقتضیات زمان خود است. مباحث نظری زیادی در خصوص شیوه صحیح استنباط یا استدلال -همچون توجیه باور یا چگونگی فهم متون- در مجامع علمی معاصر در حال طرح است. طبیعی است که فقه شیعی برای حفظ پویایی لازم باید در منطق استنباط و کشف احکام الهی، این ملاحظات را مد نظر قرار داده و یا در صورت رد آن، نسخه‌ای وزین را در مقابلش ارائه دهد. طبق یافته‌های این پژوهش، از طریق توصیف و تحلیل محتوا ارتباط میان سنت معرفتی معاصر با استنباط‌های فقهی در اسلام به راحتی قابل اثبات نیست. مهم‌ترین معضل، تفاوت این دو ساحت با یکدیگر است. قبل از تسری و ملاحظه آراء در حوزه معرفت‌شناسی (ساحت نظر) با مباحث فقهی (ساحت عمل)، باید چگونگی ارتباط این دو حوزه با یکدیگر تبیین شود. طبیعی است که در صورت اثبات این ارتباط، امکان ارائه انواع ایده‌های معرفت‌شناختی در منطق استنباط آموزه‌های عملی دینی فراهم می‌شود. به نظر می‌رسد بتوان علم فلسفه اخلاق را به عنوان حلقه واسطه این دو ساحت با یکدیگر دانست. ما در این مقاله به دنبال اثبات چگونگی ارتباط مفهوم حجت اصولی با مفهوم استحقاق پاداش یا مجازات در فلسفه اخلاق و در مرحله بعد تبیین نحوه ارتباط پاداش و مجازات با توجیه در معرفت‌شناسی هستیم. در صورت اثبات این مدعا زمینه بهره‌برداری از مباحث نظری‌ای همچون ساختار توجیه باورها و یا عقلانیت باور در فقه و همخوانی هرچه بیشتر منطق استنباط در شریعت اسلامی با اسلوب علمی روز فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حجت، توجیه، تعذیر، تنجیز، فلسفه اخلاق

دلشوره دیگری از دریچه الهیات عملی به روایت نمط‌های عرفانی اشارات

عبدالله صلواتی*

مسئولیت اجتماعی در قبال دیگری و تشخیص معضلات و بحران‌های اجتماعی، بدون منظر و موقعیت ممکن نیست. هر یک از ما از موقعیت خاص و از منظر ویژه‌ای به نیازهای معنوی و مادی دیگران التفات می‌کنیم. گاهی سقف این موقعیت‌ها و منظرها آنقدر کوتاه است که نیازهای معنوی و مادی به امور دم‌دستی محدود می‌شوند. پرسش اصلی این جستار این است: ظرفیت‌های درونی نمط‌های عرفانی اشارات برای فرازوی موقعیت و گستردگی منظر در راستای تحقق بهینه اهداف و رسالت‌های الهیات عملی چیست؟ دستاوردهای این پژوهش به این قرار است: یکم، الهیات عرفانی اشارات نه برای یک انسان کوچک و رفع نیازهایش، بلکه برای انسان در مقیاس کلان و انسان آرمانی با نیازهای حقیقی‌اش، نسخه می‌بچد. هرچند این نسخه ماهیتاً با نسخه‌های غیرعرفانی شباهت‌هایی دارد، اما شعاع خیررسانی و برکت و معنویتش بسیار گسترده و درخور توجه است. گفتنی است شعاع این خیررسانی، آدم و جماد و نبات و پدیده‌های دیگر را دربر می‌گیرد. به عنوان نمونه، محیط زیست هم از این الهیات عملی بهره‌مند می‌شود. دوم، آدمی در پرتو بی‌کران به روایت الهیات عرفانی اشارات و در تعامل با او به هوشمندی و بصیرت خاصی دست می‌یابد که به مدد آن، موقعیت و گستره منظر التفات به نیازها متحول می‌شود و فهم نیازها، نوع رفع نیاز، و مسئولیت اجتماعی ما را ارتقا می‌دهد و ضمن دیدن نیازهای جزئی به نیازهای ملی و جهانی توجه می‌کند. سوم، اگر در جهان من، بی‌کرانی در کار نباشد یا من بدان مرتبط نباشم یا به آن التفات نکنم وظیفه اخلاقی‌ای که در قبال دیگری و نیازهای او دارم، به وظیفه‌ای کاریکاتوری فروکاست می‌یابد. به دیگر سخن، در جهان یادشده به جای دیدن و به رسمیت شناختن گرفتاری‌ها و فقرهای معنوی و مادی در سطح کلان، به مشکلات دم‌دستی و در تیررس چشم و اکنون حصر نظر می‌کنیم. اما نمط‌های عرفانی اشارات، زمینه‌ها و شرایط هستی‌شناسانه‌ای را فراهم می‌کند که در پرتو آن، رنج و نقص دیگری رنج و نقص هستی‌ای است که اصلش بر خیر و کمال است و آدمی شجاعانه و از سر دلسوزی و مراقبت به خیررسانی و رفع نقص و نیاز دیگری می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات عرفانی، مسئولیت اجتماعی، اشارات و تنبیهات، ابن‌سینا

* دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران (a.salavati@sru.ac.ir)

«طیب دُوار» به مثابه مدلی فراراه الهیات عملی

حسن صیانتی*

حضرت علی (ع) در فرازی از خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه، پیامبر اکرم (ص) را طیبی سیّار وگردان معرفی کرده است که در میان بیماران می‌گردد، تا دردشان را درمان کند. دقت معنایی و محتوایی در این توصیف دقیق و توضیحات پس از آن در خطبه شریف می‌تواند شیوه‌نامه‌ای برای الهیات عملی، فراوی ما قرار دهد. برپایه تحقیقات میدانی، مطالعه در مصداق پزشک خوب و موفق ما را به صفاتی چون اخلاق حرفه‌ای مناسب و سخت‌کوشی، خوش‌اخلاقی و برخورد خوب، صبوری، مدیریت استرس قوی، باوجدان بودن و وظیفه‌شناسی، دادن توضیح کافی راجع به بیماری، دلسوزی و خیرخواهی، گوش دادن و توجه به بیمار، احترام گذاشتن، وقت کافی برای بیمار گذاشتن، توجه کمتر به مادیات، باایمان و خداشناس بودن، درک بیمار و هم‌دردی با او رهنمون می‌شود. دقت در سیره پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد درکنار همه خصال نیکو، همین موارد بوده است که رمز توفیق آن حضرت در ابلاغ دعوت و هدایت بوده است. الهیات عملی، اندیشیدن دربارهٔ عمل فردی و اجتماعی انسان به روش الهیاتی است که مسائل الهیاتی خود را از سطح جامعه برمی‌گزیند و از آنجا که در این رویکرد فرارفتن از مباحث نظری و روی آوردن به تعاملات اجتماعی - البته با بهره‌گیری از توشه نظری - یک اصل است، مدل ارائه شده در بیان حضرت علی (ع) می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: طیب دُوار، نهج‌البلاغه، الهیات عملی، پیامبر اکرم، پزشک خوب

* استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (siyanati@gmail.com)

تفسیر فلسفی باطن و غیب و پیامدهای اخلاقی و عملی آن

مجید ضیائی قهنویه*

معنای باطن و غیب در فلسفه اسلامی بسیار پرکاربرد است. این معنا در ادیان الهی و اخلاق نظری نیز مورد توجه بوده است. در دین اسلام اعتقاد به باطن و غیب جزو اصول اساسی ایمان برشمرده می‌شود. برخی تفاسیر ابتدایی و عامیانه از معنای غیب، از نظر فلاسفه مخدوش و ناصحیح است. فلاسفه و به خصوص فلاسفه اسلامی و پیروان حکمت متعالیه، این معنا را به شکل خاص خودشان تفسیر می‌کنند. در نگاه فلسفی، رابطه غیب و آشکار و باطن و ظاهر یک رابطه مادی و نتیجه یک تصور مادی نیست، بلکه نوعی رابطه علیت و قوام در آن وجود دارد. توجه به این نکته نگاه متفاوتی به انسان نسبت به جهان پیرامون می‌دهد. این نگاه متفاوت منجر به این می‌شود که هر ظاهری بعنوان نشانه‌ای از یک حقیقت تلقی شود که قوام دهنده و وجود دهنده به این ظاهر است. هر ظاهر، حقیقتی است که خود را این چنین بر ما می‌نماید. اعتقاد به پیوند باطنی جهان هستی، اعتقاد به پیوند با انسان‌های دیگر و تمام هستی و سنخیت باطنی با حقیقت جهان، آثار اخلاقی و عملی در روابط بین انسان و انسان، روابط خانوادگی و سیاست داشته و همچنین تلقی ما از روابط انسان با طبیعت را نیز دگرگون می‌سازد. قوام تمام موجودات به باطنی به نام غیب که علت ظهور و بروز اینها است و بروز پیوند و سنخیت با طبیعت و جهان هستی و اعتقاد به انسان کامل به عنوان حقیقت کل هستی به نوعی با بسیاری از تعالیم دینی اسلام و بخصوص مذهب شیعه قابل انطباق است و در نتیجه این نگاه فلسفی به جهان نوعی تفسیر دینی جهان نیز محسوب می‌شود. لذا این نگاه منجر به نوعی نگرش الهیاتی متعالی به جهان می‌شود که از ظواهر طاعات و عبادات عبور کرده و انسان را به یک نگاه منسجم و در عین حال مبتنی بر مبانی محکم و قواعد منسجم می‌رساند. چنین دستگاه دینی-اخلاقی می‌تواند راهی برای برون‌رفت از بن‌بست الهیاتی-دینی عصر حاضر فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، باطن، تبیین فلسفی، فلسفه طبیعت، فلسفه سیاست، فلسفه خانواده

درآمدی بر الهیات عملی امامیه

سیدعلی طالقانی*

الهیات عملی بخشی از الهیات مسیحی است که دربارهٔ چیستی و حدود و ثغور آن میان الاهی‌دانان مسیحی اختلاف نظر بسیار بوده و هست؛ با این حال، وجوه و کارکردهای مشترک همه تعاریف ارائه شده از الهیات عملی در سنت مسیحی را در چند عنوان می‌توان خلاصه کرد: ۱. آسیب‌شناسی دینی اعمال (در اینجا مراد از «اعمال» افعال فردی است) و مناسک (در اینجا مراد از «مناسک» افعال جمعی است) موجود در مسیحیت. ۲. آسیب‌شناسی و درمان‌شناسی تجربی اعمال و مناسک دینی موجود در مسیحیت. ۳. بررسی توصیفی اعمال و مناسک دینی با روش‌های تجربی یا پدیدارشناسانه به‌عنوان مقدمه‌ای برای آموزش‌های الهیاتی. ۴. ترسیم و تبیین وضعیت ایده‌آل اعمال و مناسک دینی که باید به سمت آن حرکت کرد. ۵. بررسی الهیاتی وضعیت و اعمال و رفتارهای روزمره زندگی انسان معاصر، به ویژه نامومنان. با بررسی تطبیقی این مولفه‌های پنج‌گانه با سنت الهیات امامیه، می‌بینیم که می‌توان آسیب‌شناسی و درمان‌شناسی دینی اعمال و مناسک را در سنت الهیات اسلامی - هرچند به صورت غیر نظام‌مند - دارای سابقه دانست؛ نمونه برجسته و مشهور این فعالیت را می‌توان در آثار محدث نوری و برخی شاگردان ایشان دید. ناظر به بخش چهارم نیز می‌توان در سنت الهیات امامیه مطالب قابل توجهی یافت و البته این نه در دانش کلام، بلکه در دانش فقه و عمدتاً در توصیه‌های اخلاقی شخصیت‌های اخلاقی و سلوکی تبلور یافته است. اما دربارهٔ بخش‌های مشتمل بر وجوه تجربی (experimental) یعنی عناوین دوم و سوم، پیشنهاد بلندی در کلام و فقه امامیه و دیگر شاخه‌های الهیات امامیه یافت نمی‌شود، هرچند به طور خاص آموزش‌های الهیاتی، از دیرباز مورد توجه بوده است. این بخش‌ها در دهه‌های اخیر و به‌تدریج مورد توجه قرار گرفته است ولی نه از سوی الاهی‌دانان. برای مثال، آنچه را که به تازگی با عنوان «فربهی مناسکی» مطرح می‌شود می‌توان متعلق به این بخش دانست. اما حیطه‌ای که به نظر می‌رسد تاکنون هیچ کاری در آن صورت نگرفته بخش پنجم است که به الهیات زندگی روزمره (با تأکید بر زندگی غیر مومنان معاصر) ناظر است. در مجموع، الهیات عملی در امامیه را از آنجا که با اعمال و مناسک مرتبط است بیش از دانش کلام، می‌توان در دانش فقه (که به نوعی دربردارنده اخلاق اسلامی نیز هست) ردیابی کرد؛ مباحث کلامی دربارهٔ عمل بیشتر به آنچه که امروزه با عنوان «فلسفه کنش» می‌شناسیم نزدیک است تا الهیات عملی.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، امامیه، الهیات مسیحی، کلام، فقه

* استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه باقر العلوم (ع)، تهران (taleqani@bou.ac.ir)

بنیادهای الهیاتی سینما در جهان

علی طالقانی^۱؛ داوود طالقانی^۲

الهیات سینما قسمی از الهیات عملی است زیرا سینما بخشی از واقعیت جامعه انسانی محسوب می‌شود. سینما به عنوان واقعیتی اجتماعی و فرهنگی در روزگار ما، بخشی از ادراک ما از واقعیت را هم می‌سازد. البته مسئله‌ای که سینما را از هنرهای پیشین جدا می‌کند تلفیق «حرکت» و «تصویر» است و از منظر تکنیکال نیز نور و حرکت بنیان فرمی سینما هستند، که این دو مقوله مفاهیمی الهیاتی در اسلام و یهودیت و مسیحیت به شمار می‌روند. الهیات سینما، صرف مطرح شدن مسائل نظری دین در سینما نیست، بلکه موقعیت اخلاقی، چالش‌های تصمیم‌گیری و ایمان به امور معنوی را نیز شامل می‌شود. در الهیات سینما، فارغ از توجه به آیکون‌ها و نشانه‌های دینی، مسئله کنش اخلاقی نیز یک امر الهیاتی در سینما محسوب می‌شود. همچنین، سطحی از ارتباطات بین‌الادیانی در سینما به منصف ظهور می‌رسد و تفاوت‌ها و تفرق‌های ادیان در موقعیت‌های سینمایی به چشم می‌آیند. از دیگر ابعاد و وجوه الهیات سینما، هاله‌های قدسی بازیگران است. در قرون وسطی و اعصار پیشین، تصاویر کسانی که ترسیم و نقاشی می‌شد، هاله‌ای از قدسیت و تزه را برایشان به همراه داشت و در دوران ما نیز سینما این قدیس‌سازی را برای سلبریتی‌ها همراه کرده است. یکی از نمونه‌های مورد مطالعه برای شناخت الهیات سینما، فیلم سینمایی آواتار ساخته جیمز کامرون است. این فیلم علاوه بر رکوردشکنی تاریخی در فروش گیشه و کسب جوایز، تأملات جدی و مهمی را نسبت به الهیات سینما برانگیخت. مسئله باورهای دینی، ایمان به غیب، چالش‌های تصمیم‌گیری اخلاقی نسبت به خود و دیگری، و تأسیس جامعه بر مبنای دین و اسطوره، از مباحث مهم الهیات سینماست که در فیلم آواتار تجلی داشته است. این نوشتار قصد دارد به صورت موردی، الهیات سینما را در فیلم آواتار تبیین کند و توضیح دهد. در فیلم سینمایی آواتار، نیروهای نظامی آمریکا، به سیاره جدیدی حمله می‌کنند و قصد دارند با نفوذ به اجتماع ظاهراً بدوی موجودات سیاره، بر آنان سلطه پیدا کنند. حضور یکی از نیروهای نظامی آمریکا در شمایی آواتارگونه، او را به هم‌زیستی و مشارکت در زندگی روزمره با آواتارها می‌کشاند و او به مرور، نسبت به باورهای دینی، دین طبیعت‌گرایانه، خاستگاه‌های اسطوره‌ای جامعه آواتاری و... علاقه‌مند شده و درباره نیروهای متخاصم نظامی انسان‌های آمریکایی، تردید و شک می‌کند. این تردید و شک که برخاسته از تعلق خاطر به نیروهای الهیاتی سرزمین جدید است، در نهایت وی را تبدیل به یکی از آواتارها می‌کند و در جنگ انسان‌ها و آواتارها، علیه انسان‌ها مبارزه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الهیات سینما، الهیات عملی، سینما، آواتار

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (ali_taleghani77@gmail.com)

۲ دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (pr.davood1374@gmail.com)

شکل‌گیری «نگرش ایمانی» در قرآن کریم؛ رهیافت الگوی کارکردی

در روان‌شناسی اجتماعی

سیدسجاد طباطبائی نژاد*

«ایمان» و «نگرش» به ترتیب از محوری‌ترین مفاهیم در آموزه‌های دینی و روان‌شناسی اجتماعی می‌باشند. برآیند پیوندی نزدیک میان حوزه موضوعی نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و مباحث قرآنی در حوزه ایمان، اصطلاح «نگرش ایمانی» را ساخت می‌دهد؛ نگرشی که با رویکردی قرآنی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش افراد در روان‌شناسی اجتماعی، نسبت به متعلقات ایمان شکل گرفته است. در این میان، یکی از مهم‌ترین این الگوها، الگوی کارکردی (functional model) نام گرفته است که شکل‌گیری نگرش‌ها را مبتنی بر کارکرد خاص هر یک، در رفع نیاز افراد تحلیل می‌نماید. در این پژوهش بر آن هستیم تا با روش توصیفی-تحلیلی و پابندی به لوازم یک مطالعه میان‌رشته‌ای، از رهگذر الگوی کارکردی، مفهوم نگرش ایمانی و مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر تکوین آن را از خلال آیات الهی مورد بازخوانی قرار دهیم و با مطالعه دقیق آیاتی که از طریق تأکید بر نیازهای خاص انسان یا اشاره به کارکرد برخی عوامل در گرایش انسان به زندگی مؤمنانه، درصدد انتقال آموزه‌ها به او برمی‌آیند، این مؤلفه‌ها را معرفی نمائیم. بر اساس یافته‌های این پژوهش، قرآن با معرفی و تأکید بر موارد زیر تقویت نگرش ایمانی انسان‌ها را پی‌جویی می‌کند: «نیاز و فقر وجودی انسان نسبت به خدا»، «نیاز فطری به نیایش و پرستش کمالی برتر» به عنوان محوری‌ترین گرایش انسان، «کارکرد دفاعی و ایمنی‌جویی ایمان» از رهگذر مفهوم دینی توکل، «عزت و کرامت انسان مؤمن» از طریق توجه به ارزش وجودی او و به دنبال آن ایجاد خودپنداره مثبت از خویش، «کارکرد معنابخشی و هدفمندسازی ایمان نسبت به زندگی»، و «تأکید بر غایت‌مندی زندگی»

کلیدواژه‌ها: الگوی کارکردی، ایمان، روان‌شناسی اجتماعی، نگرش، نگرش ایمانی

قابلیت سنجی فقه پویا در تحقق الهیات عملی

مجتبی عابدی^۱؛ محمدامین ستاریان^۲

الهیات نظری، مشتمل بر گزاره‌هایی است که پیرامون مباحثی مانند وجود آفریدگار برای جهان، صفات و افعال او و امثالهم به بحث می‌پردازد. از منبأ قرار گرفتن این مباحث برای ایجاد لزوم اعتقاد قلبی به آنها و تعیین تکلیف برای انسان‌ها، الهیات جدیدی شکل می‌گیرد که از آن تعبیر به الهیات عملی می‌کنیم. هدف الهیات عملی تأثیر بر زندگی آدمیان از طریق کاربست آموزه‌های الهیاتی و همچنین نگاه‌داشت و به‌داشت ارتباط آدمیان با الهیات است؛ به گونه‌ای که زندگی بهتری را فهم و تجربه کند. طرح بحث الهیات عملی در جهان مدرن، به‌علت نیاز ادیان مختلف به حفظ و تقویت ارتباط خود با انسان‌ها و سعی در اثبات کارآمدی ادیان در جهان معاصر است. به همین منظور، بررسی قابلیت عملی شدن آموزه‌های الهیات نظری ضروری می‌نماید. الهیات عملی از وجوه پویایی ادیان و تلاشی برای تقویت ارتباط دین با دینداران است؛ الهیات عملی، ناظر به توان‌افزایی فرد، جامعه، یا یک موضوع برای حفظ و تقویت ارتباط با دینداران و غیردینداران است. خروج الهیات از حیطه انتزاعی به حیطه عمل و تبدیل دین سخنگو به دین پاسخگو از ارغمان‌های الهیات عملی است؛ چرا که الهیات با جامعه در تعامل است و به همین خاطر، هم‌پای تغییرات جوامع و دانش‌های بشری، تغییر می‌کند و پویاست؛ و حاصل این اتفاق غنای الهیات است. طبق تلقی مشهور مجموعه احکام عملی و وظایف شرعی دین اسلام، در فقه گرد آمده است که جنبه‌های عملی اسلام، در بعد فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. این مجموعه عملی باید اولاً کارآمد باشد، ثانیاً عمل به آن در جهان مدرن مقدور باشد و ثالثاً علاوه بر جنبه‌های فردی، جنبه اجتماعی را نیز پوشش دهد. به همین سبب، تنها رویکرد فقه پویاست که می‌تواند متضمن حفظ رابطه دین با دینداران بوده و قابلیت عملی شدن الهیات در سطح فردی و اجتماعی را داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، فقه پویا، اسلام، فقه سنتی، عقلانیت اسلامی

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه خوارزمی، تهران (mojtaba.abedi@chmail.ir)

۲ طلبة سطح دو، حوزه علمیه مروی، تهران (m.satarian@chmail.ir)

ربط ایمان، مرجعیت عقل و معرفت اشراقی و تأثیر آن بر حیات بشر

عصر حاضر

وحید عزیزی *

مرجعیت عقل و تأثیر تکامل تدریجی مغز در ایمان‌گرایی، مورد توجه فلسفه تکامل‌گرای طبیعی نوین قرار گرفته است. قوای ادراکی - ذهنی و تعقل برترین ویژگی انسان است. شواهد تجربی توانسته‌اند ربط نفس و ذهن و به تبع آن تجربه‌های معنوی و مغز را در مقوله عقل عملی روشن سازند. اگر ایمان، باورهایی را شامل می‌شود که شأن و جایگاه معرفتی دارند، بی‌شک باید از پشتوانه عقلانی نیز برخوردار باشد. هرچند داده‌هایی که قوای شناختی ویژه برای شواهد تجربی پایه‌ای به ارمغان می‌آورند ایمان معقول را برای فائزین به مشاهده‌گرایی برآورده می‌سازند، اما شناخت اشراقی و شهودی مرتبه‌ای عالی‌تر به نظر می‌رسد. ایمان و عقل مکمل یکدیگر، ضروری تعالی و دو حقیقت هم‌افزا هستند و آن‌جا که عقل، امور مربوط به دغدغه‌نهایی را حل نشده رها کرده، ایمان نقش خود را در اداره حیات ایفا کرده است. فعالیت‌های متعارف عقل با محدودیت‌هایی که بر خود عقل حاکم است و غرور و خودمحوری عقل تحدید می‌شود. هرچند ایمان فراتر از عقل است، اما نمی‌توان کارکرد عقل را در بهبود وضعیت انسان عصر حاضر که برای تداوم حیات فردی و اجتماعی خود نیاز جدی به ایمان‌گرایی و معنویت دارد انکار کرد. بشریت در گذشته درگیر پرستش انواع معبودها بوده اما با تکامل مغز و ارتقای سطح قوای عقلانی، بلوغ فکری و اجتماعی و ظهور ادیان الهی و آیین‌های غیرالهی، حرکت به سمت متعلق‌های ایمانی کم‌تر را در پیش گرفته است. بر این اساس، مخاطرات ناشی از روی گردانی انسان از حیات معنوی و زندگی ایمانی و الوهی رو به کاهش گذاشته است. با توجه به چنین نگرشی لازم است در آموزش‌های رسمی، مواردی که به تقویت توأمان ابعاد معرفت‌شناختی، عقل و ایمان می‌انجامد گنجانده شوند.

کلیدواژه‌ها: عقل، ایمان، معرفت شهودی و اشراقی

* استادیار دانشکده علوم و فناوری زیستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (v_azizi@sbu.ac.ir)

مکتب اخلاقی تهران: از آیت الله شاه‌آبادی تا آیت الله مجتهدی

حسین عطایی*

از میانه نیمه اول قرن ۱۴ هجری خورشیدی، راه و روشی در میان بعضی از روحانیون مقیم تهران رواج و گسترش می‌یابد که به نظر می‌توان آن را یکی از نمونه‌های موفق و موثر تبلیغ و تاثیر الهیات دینی میان مردم در کف خیابان و بازار دانست. الگوهای این مکتب دینی، تأکید بر مباحث اخلاقی و معرفتی با تکیه زیاد بر اهل بیت (ع) و دوری از جنبه‌های پیچیده کلامی و فلسفی در تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی بود. روش تبلیغی آنها نیز بر پایه ارتباط فردی و دو سویه میان شاگرد و استاد و توجه بیش از پیش به عوام و نه تحصیل‌کردگان قرار داشت. به علاوه ارتباط اقتصادی و اجتماعی عمیق با بازار خصیصه دیگر این مکتب بود. همچنین بزرگان این مکتب ضمن نگه‌داشت و تقویت جایگاه‌های سنتی تبلیغ همچون مسجد و منبر، سعی بلیغی در تربیت شاگردان روحانی و غیر روحانی و تأسیس مدارس و هیئت‌های مذهبی داشتند. از لحاظ نتیجه هم هر چند در ابتدا جریانی در سکوت و برکنار از وقایع اجتماعی و سیاسی بود و حتی می‌توان گفت که نوعی احتراز عمدی از دخالت در امور اجتماعی و سیاسی در میانشان وجود داشت، اما به تدریج با فراهم شدن شرایط اجتماعی از یک سو و رشد کمی پیوندیافتگان با این مکتب از سویی دیگر، نمودی عام یافت به گونه‌ای که تا همین ده سال پیش نیز که آخرین تربیت‌شدگان آن همچون آیات مجتهدی، حق شناس و مجتبی تهرانی از دنیا رفتند، وجه غالب دینداری بخش وسیع و مهمی از دین‌داران شهر تهران بود و شاگردان این مکتب حتی رهبری کنش‌های اجتماعی و سیاسی را به دست گرفتند.

کلیدواژه‌ها: مکتب اخلاق تهران، تبلیغ دینی، اخلاق

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (sinasadra67@gmail.com)

تبیین مفهوم ایمان با توجه به عنصر عمل محوری در منظر نورمن مالکوم با التفات به فلسفه ویتگنشتاین متأخر

داود عطایی*

نورمن مالکوم (Norman Malcolm) فیلسوف دین ویتگنشتاینی آمریکایی تبار را می‌توان به عنوان یکی از نامدارترین شاگردان و شارحان ویتگنشتاین تلقی کرد. دأب فلسفی وی نه تنها در زندگی و تفکرش در باب دیدگاه‌های دینی، تحت تاثیر ساحات مختلف اندیشه‌های استادش ویتگنشتاین بود، بلکه حتی در تبیین مفهوم ایمان و جایگاه نقش عمل‌گرایی نیز متأثر از آن بود تا آنجا که افکار و آثارش متأثر و پیرو آثار و دیدگاه‌های استادش در مبانی معرفت‌شناختی نظیر منظر‌گرایی، زمینه‌گرایی، دیدن به عنوان، قیاس‌ناپذیری باورهای دینی و غیردینی، و در مبانی زبان شناختی نظیر بازی زبانی، شباهت خانوادگی، نحوه حیات و نفی زبان خصوصی بود. وی با نظاره دقیق در اندیشه‌های فلسفی استادش در مقوله توجه به مولفه عمل‌گرا بودن در مفهوم ایمان، تفسیر خود را در تبیین مفهوم ایمان در تعامل با مولفه عمل محوری به شیوه‌ای بیان می‌کند که خواننده احساس می‌کند که ماحصل گفتار وی در صدد ایجاد ساختار تربیتی خاصی در حوزه الهیات عملی است. آنچه که ذهن نویسنده مقاله را به مسئله الهیات عملی موجود در بیان مالکوم به خود متمایل کرده، این است که وی به رغم عدم دینداری ویتگنشتاین، مبادرت به تبیین مفهوم ایمان، مبتنی بر عمل‌گرایی با اتکا به فلسفه ویتگنشتاین کرده است.

کلیدواژه‌ها: مالکوم، ایمان، عمل‌گرایی، ویتگنشتاین، الهیات عملی

الهیات به مثابه درمان (الهیات و رنج‌های وجودی)

امیر عباس علی‌زمانی*

الهیات سنتی از دیرباز تا اوایل قرن بیستم، بیشتر اهتمام خود را در تحلیل مفاهیم بنیادین دین، تحلیل دقیق مدعیات دینی و پیش‌فرض‌های آن، اثبات عقلانی صدق این مدعیات، و پاسخگویی به شبهات می‌دانست. در دوران مدرن، به ویژه پس از مواجهه با شرایط خاص پس از جنگ جهانی، ما با نوعی تحول بنیادین در رویکرد به الهیات و رسالت اصلی آن مواجه می‌شویم که رسالت خود را نه در صرف حل مسائل نظری بنیادین بلکه در درمان رنج‌های انسان جدید می‌دانست. این الهیات با مشعل دارانی همچون بارت، بولتمان، تیلیش و ... که اغلب رویکردی وجودی به الهیات مسیحی داشتند، بیش از تأکید بر صدق نظری، بر مفید بودن عملی الهیات در حل بحران‌های وجودی انسان معاصر تأکید داشت. در این رویکرد وجودی، وجود خاص انسانی، رنج‌های وجودی او و شیوه مواجهه با این رنج‌ها مرکز اصلی الهیات بود. وظیفه اصلی متأله به تعبیر تیلیش نوعی گفتگو با فرهنگ زمانه و طبابت رنج‌های وجودی انسان معاصر بود: رنج تنهایی، رنج ناامیدی و اضطراب وجودی، رنج پوچی و رنج ترس از مرگ. در فرهنگ اسلامی که در آن قرآن خودش را کتاب شفا و درمانگر می‌داند (فیه شفاء للناس) و امیرالمومنین پیامبر اسلام را «طیب دؤار بطبه» معرفی می‌کند، اکنون نیاز به چنین الهیات وجودی درمانگری بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. ما باید به دلیل حال و روز وجودی انسان‌های روزگاران در پی تاسیس و گسترش نوعی الهیات وجودی و درمانگر اسلامی باشیم که محور آن نه ادله اثبات وجود خدا و تفسیر ظاهری متون، بلکه رنج‌های وجودی و انضمامی انسان دارای گوشت و پوست و استخوان باشد. به نظر می‌رسد در سنت ادبیات عرفانی به ویژه در عطار و مولانا و نیز در متون دینی قرآنی و حدیثی، منابع عظیم وزیایی برای استخراج، بازسازی و تاسیس نوعی الهیات درمانگر و معطوف به رنج‌های وجودی انسان وجود دارد و ما باید بیش از هر زمان دیگری به این نیاز عینی بپردازیم. به گفته مولانا جلال‌الدین:

گر شوم مشغول اشکال و جواب / تشنگان را کی توانم داد آب

کلیدواژه‌ها: الهیات وجودی، الهیات وجودی اسلامی، رنج‌های وجودی، الهیات عملی

* دانشیار گروه کلام و فلسفه اسلامی، دانشگاه تهران (amir_alizamani@ut.ac.ir)

تصمیم‌گیری الهی و معنوی بر اساس الگوی نور

سید محمد کاظم علوی*

تصمیم‌گیری (Decision-making) که گاه از آن به حل مسئله (Problem-solving) نیز یاد می‌شود، فرآیندی است که در آن از میان گزینه‌های موجود بهترین گزینه انتخاب می‌گردد که واجد بیشترین انطباق با اهداف مورد نظر است. این فرآیند با تشخیص موقعیت مستلزم تصمیم‌گیری یا مشکلی پیش‌رو آغاز می‌گردد و پس از جستجوی گزینه‌ها، بهترین گزینه برای عمل انتخاب می‌گردد. مؤمن در عمل به عنوان شخصی که برنامه‌ریزی معنوی و الهی برای زندگی خود دارد، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که نیازمند تصمیم‌گیری است و در نهایت باید بهترین گزینه را به گونه‌ای برگزیند که بیشترین انطباق را با اهداف معنوی و الهی او دارد. تشخیص این انطباق به همین فرآیند و مهارت تصمیم‌گیری بستگی دارد و مدعای این مقاله آن است که می‌توان بر اساس الگوی نور به معیاری برای تشخیص این انطباق دست یافت. نور که به عنوان روشنایی و رهایی در سنت‌های الهی و معنوی در نظر گرفته شده است، در سنت اشراقی به امری که خود روشن بوده و بر غیر نیز پرتوافکنی می‌کند شناخته می‌شود. بر این اساس می‌توان از الگویی سخن گفت که در آن به سه مؤلفه توجه دارد: ۱- بهره‌گیری خود؛ ۲- بهره‌مندسازی دیگری؛ و ۳- بی‌توقعی و انتظار دوسویه. گزینه‌ای که مجموعه این سه مؤلفه را تأمین کند می‌تواند به هدفی الهی و معنوی منتهی گردد. البته فرآیند تصمیم‌گیری که در مواجهه با موقعیت مسئله آغاز می‌گردد پس از ارزش‌گذاری و تشخیص میزان انطباق گزینه‌ها، به اولویت‌بندی میان گزینه‌ها پرداخته و گزینه‌ای را برمی‌گزیند که بیشترین میزان انطباق با اهداف الهی و معنوی را بر اساس شاخص‌های بیان شده داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری، حل مسئله، الگوی نور، هدف الهی

الهیات عملی و راهکار دستیابی به سلامت معنوی

عیسی عیسی‌زاده*

سلامت معنوی در اصطلاح پزشکی با رویکرد مادی گرایانه، فرایندی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان به درمان بیماران جسمی کمک کرد ولی در اصطلاح غیرپزشکی یا پزشکی معنی گرا، سلامت معنوی فرایندی است که علاوه بر بهره‌گیری در درمان جسمی بیماران، می‌تواند در درمان روحی و روانی بیماران نیز مفید باشد و از آن بالاتر می‌تواند شرایطی در جامعه پدید آورد که سلامت اجتماعی را نیز افزایش دهد و در نهایت به کمال و تعالی همه جانبه انسان و انسانیت کمک کند. برای تقویت این نوع از سلامت راهکارهایی در الهیات عملی ارائه شده است که توجه به نظارت الهی، یکی از مهم‌ترین آنها می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها بر اساس روش کتابخانه‌ای است که با تحلیل محتوا به بررسی نقش نظارت الهی در ارتقاء سلامت معنوی می‌پردازد. بررسی و تحلیل آیات و روایات به عنوان محکم‌ترین منابع الهیات، نشانگر آن است که توجه انسان به نظارت‌های الهی نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به اطمینان، امنیت، آرامش، سکون قلبی و روحی، افزایش امید، رضایت‌مندی و نشاط درونی و طهارت از جرم و گناه داشته و در نهایت به سلامت و تعالی فرد و جامعه کمک شایانی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، سلامت معنوی، نظارت، قرآن، روایات

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم (e.eisazadeh@isca.ac.ir)

ظرفیت‌های مشاوره فلسفی در حیطه الهیات عملی

سعیده فخار*

مراقبت‌های شبانی یکی از مهمترین حوزه‌های الهیات عملی مسیحی است که برگرفته از تصویرسازی کتاب مقدس از پروردگار به عنوان شیان می‌باشد و به عنوان یکی از مهمترین خدمات کلیسا به جامعه مسیحیت شناخته می‌شود. یکی از عرصه‌های این خدمات، مشاوره در حیطه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی مسیحیان می‌باشد که به تدریج به شکل‌گیری فعالیتی به نام مشاوره مسیحی انجامیده است. ترکیب روان‌شناسی و مسیحیت که از منظرهای گوناگون مورد بررسی انتقادی علمای مسیحی قرار گرفته در نهایت به مدل‌هایی از مشاوره مسیحی دست یافته است. در این مدل‌ها مسیحیانی که مایل هستند بر مبنای راهنمایی‌های کتاب مقدس در زندگی عمل کنند، از خدمات مشاوره بر همین مبنا استفاده می‌کنند. از سوی دیگر توجه فیلسوفان معاصر به نقش درمانی فلسفه و کاربست آن در زندگی بشر به شکل‌گیری عرصه جدیدی در فلسفه در قالب مشاوره فلسفی انجامیده است. مشاوره فلسفی دیالوگی میان مشاور فیلسوف و مراجع است که در آن فلسفیدن اتفاق می‌افتد و در نهایت به خودآگاهی عمیق، خودکاوی فلسفی، دستیابی به حکمت و کشف ارزش‌ها منتهی خواهد شد. تعامل فلسفه و روان‌شناسی در این عرصه هرچند به مدل‌های متفاوتی از مواجهه فلسفی با مسائل بشر منجر شده است، اما پاسخگویی به سوالات بنیادین بشر را که در تجربه‌های زیسته از جمله مواجهه با بیماری، مرگ، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و محرومیت‌ها، نقش خداوند در مدیریت جهان و ... شکل می‌گیرد، در دستور کار خود قرار می‌دهد. به همین دلیل، میان مشاوره مسیحی و مشاوره فلسفی به لحاظ قلمرو مسائل مراجع در امور متافیزیکی و هستی‌شناختی هم‌پوشانی‌های زیادی وجود دارد. همین امر لزوم توجه هر دو حیطه را به مبانی، روش‌ها، و نظریه‌های یکدیگر نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مشاوره فلسفی، مشاوره مسیحی، مشاوره دینی، مراقبت شبانی، الهیات عملی

الهیات در مشاوره و روان درمانی

مهدی فرجی‌پاک*

مشاوره به معنی همکاری کردن و رأی و نظر دیگری را در انجام کاری خواستن است. مشاوره را صاحب‌نظران مختلف به طرق گوناگونی تعریف کرده اند. اما به طور کلی مشاوره، دریافت کمک اطلاعاتی درباره موضوع خاصی است که بین مراجع و مشاور انجام می‌گیرد. مشاوره در موضوعات مختلف و برای اهداف گوناگون انجام می‌شود که در میان مردم، بیشتر جنبه روان‌شناختی آن معروف است که هدف از آن، بهبود وضعیت روحی- روانی و کیفیت بخشی به زندگی مراجع از جهت روانی است. از این رو، فرایند مشاوره را می‌توان تصحیح، ترمیم و شفافیت بخشی به ابعاد سه گانه شخصیت انسان (شناختی، هیجانی و رفتاری) دانست. در رویکردهای شناختی (مبته بر شناخت و باورهای مراجع)، مشاور در پی آن است تا با استفاده از فرآیندها و فنون مشاوره در باورهای بنیادین مراجع تغییراتی ایجاد کرده و از این طریق، هیجانات و در نهایت رفتار او را تصحیح کند. الهیات به عنوان دانشی که درباره خداوند و صفات و افعال او شناخته می‌شود، می‌تواند یکی از منابع اطلاعات مشاوره قرار گیرد. به عبارت دیگر، مشاور می‌تواند برای برخی از مراجعان خود، (متدینان)، از باورهای موثق الهیات استفاده کرده و با تصحیح باورهای او، هیجانات و رفتارهای مراجع را به روشی الهیاتی اصلاح کند. واضح است که در این مدل مشاوره، از مدل پزشکی رایج در مشاوره و روان‌درمانی‌های کنونی استفاده نمی‌شود؛ بلکه در مشاوره الهیاتی می‌توان برای مراجعانی که زمینه و دغدغه الهیاتی دارند، از طریق فعالیت‌هایی راهبردی در نظام باورهای دینی فرد، تغییر در باورها و به تبع آن، احساسات، اخلاقیات، نظام ارزش‌ها و رفتار او را رقم زد. اعتقاد به وجود خداوند و آشنایی با نظام الهیاتی منسجم، می‌تواند نظام باورهای مراجع را شکل داده و از این طریق، موجب سلامت معنوی و روانی او شود.

کلیدواژه‌ها: مشاوره، الهیات، نظام باورها، مشاوره الهیاتی، باورهای دینی

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول (farajipak@gmail.com)

نظریه اتحاد عمل و عامل و معمول و نقش آن در تبیین رابطه

خودپرستی و خداپرستی

محمدکاظم فرقانی*

در باب اتحاد علم و عالم و معلوم مشهور آن است که این اتحاد در مورد علم یک موجود مجرد به ذات خود مورد اتفاق حکمت سینوی و حکمت متعالیه و در مورد علم به غیر مورد اختلاف آن دو مکتب فلسفی است. ملاصدرا این اتحاد را در همه مراتب علم و نه فقط مرتبه عقل بر اساس اتحاد نفس و قوای آن، اثبات کرده است. همان براهین ملاصدرا را با افزودن نظریه اتحاد نفس و بدن و نتیجه گرفتن اتحاد اعمال جوارحی با اعمال جوارحی و اتحاد هر دو با نفس عامل، می‌توان برای اثبات نظریه اتحاد عمل و عامل به کار برد. همانگونه که در نظریه اتحاد علم و عالم و معلوم منظور از معلوم متحد با دوتای دیگر، معلوم بالذات است که حکایتگر از معلوم بالعرض است، در مورد عمل هم می‌توان معمول را به دو قسم معمول بالذات و معمول بالعرض تقسیم کرد و آنگاه نظریه اتحاد عمل و عامل و معمول را نتیجه گرفت. با تطبیق این نظریه بر عملی که عبادت نامیده می‌شود می‌توان اتحاد عبادت و عابد و معبود را به دست آورد و نشان داد که آنچه اولاً و بالذات معبود آدمی واقع می‌شود همان معبود علمی اوست که با نفس او متحد است و اگر صحیح باشد از معبود عینی حکایت می‌کند و گرنه مابه‌ازای خارجی ندارد. با این بیان می‌توان گفت در هر صورت (چه عبادت صحیح که طی آن معبود حقیقی مورد پرستش قرار می‌گیرد و چه عبادت غلط که طی آن آنچه حقیقتاً سزاوار پرستش نیست عبادت می‌شود) خداپرستی به گونه‌ای همان خودپرستی است. بر اساس مبانی هستی‌شناسانه ملاصدرا به روش دیگر هم می‌توان این همانی خداپرستی و خودپرستی را اثبات کرد. این یکتایی بر اساس دو مبنای وحدت شخصی حقیقت وجود و انحصار معبودیت در خدای متعال (یعنی تنها وجود که آنچه غیر او موجود دانسته می‌شود وجه اوست و وجه یک چیز به وجهی همان چیز است) قابل اثبات است. با این بیان، تقسیم معبود به بالذات و بالعرض منتفی می‌شود چنان که تقسیم معبود به حقیقی و غیر حقیقی هم رنگ می‌بازد.

کلیدواژه‌ها: اتحاد عمل و عامل و معمول، خودپرستی، خداپرستی، ملاصدرا

* دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (forghani@isu.ac.ir)

الهیات کوانتومی؛ از الهیات اخلاقی تا الهیات وجودی

رستم فلاح*

مأموریت الهیات چیزی جز «تأله» و «به الوهیت رساندن» انسان نیست. الوهیت، خدایگونه شدن فقط در خُلق نیست بلکه در خُلق هم هست. بین «انجام دادن» (خُلق) و «ایجاد کردن» (خُلق) فاصله بسیاری است. نظام‌های الهیاتی رسمی، بر انسان متخلق به اخلاق متمرکزند، نه انسان متأله، خلاق و آفریننده. اگر اولی شایسته جانشینی خداست، دومی بر این جانشینی شایسته‌تر است، چون به اله تشبیه بیشتری دارد. انسان، با روح الهی دمیده شده در او، به صورت بالقوه و تکوینی، واجد مقام الوهیت و توانایی آفرینندگی است، و به همین دلیل هم، شایسته «سجده» کردن می‌شود (حجر/۲۹)، کاری که مختص و ویژه خداوند است. نظام‌های الهیاتی رسمی، کمک مؤثری به درک الوهیت وجودشناختی انسان نمی‌کنند و در نهایت، درکی اخلاقی از الوهیت و تشبیه به اله ارائه می‌کنند و انسان را از برآوردن ابتدایی‌ترین نیازهای زیستی خود دور نگه می‌دارند. انسان، واجد روح خلافة الهی است درحالی که آنها فقط به الوهیت خدای بیرونی تکیه می‌کنند. آنها، به این ترتیب، بین انسان و خدا یا بین الوهیت درونی و الوهیت بیرونی جدایی انداخته و گرفتار نوعی ثنویت خودساخته شده‌اند. ندای توحیدی «إِنَّا لِلَّهِ وِإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در نظام‌های الهیاتی رسمی، معنای وجودشناختی نیافته است. انسان به موجب روح الهی درونی، در جوهر و ماهیت با خداوند وحدت دارد (إِنَّا لِلَّهِ)، اما این اصل الهی به خودی خود در او فعال، خلاق و آفریننده نیست، بلکه انسان، باید با باور عمیق به وجود همین اصل فعال در خود، مسیر الوهیت و آفرینندگی خویش را باز کند (إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). این خلاقیت را با توان ابزارسازی انسان مدرن درنیا می‌زیم؛ خلاقیت غیر از توان فناوری صنعتی است. فعلاً، نظریه کوانتوم، تنها نظریه علمی است که توانسته، به نیابت از نظام‌های الهیاتی، فرآیند «خلق» یا «آفریدن» را توضیح دهد. کوانتوم، ثنویت ذهن-ماده را برداشت؛ نشان داد که واقعیت ماده، انرژی و اطلاعات است؛ ماده تنها به صورت یک گرایش، احتمال یا امکان وجود دارد، که ظهور و بروز آن ارتباط مستقیمی با توجه ذهن دارد. پس در عالم هستی، بی‌نهایت بالقوه‌گی در انتظار تحقق با ذهن کوانتومی است که اتفاقاً نسبت خیره‌کننده‌ای با آموزه‌های الهیاتی دارد.

کلیدواژه‌ها: تأله، کوانتوم، روح الهی، الهیات اخلاقی، الهیات وجودی

درک کودکان مقطع ابتدایی از خداوند در مسیر آموزش با توجه به

نظریهٔ پیازه

محمد فیض‌اللهی*

هدف این مطالعه، بررسی نوع و چگونگی درک و شناخت کودکان مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی از خداوند است. مرور پیشینهٔ پژوهش نشان داد که تاکنون در این رابطه، پژوهش‌های اندکی در ایران صورت گرفته است. برای رسیدن به این هدف، از پژوهش کیفی با رویکرد تلفیقی استفاده شد. جامعه هدف این پژوهش کلیهٔ دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی و پیش‌دبستانی شهرستان چادگان بودند و تعداد نمونه ۴۲ نفر از این جامعه بود که از طریق نمونه‌گیری از نوع هدفمند انتخاب شدند. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات کیفی، شامل مصاحبه با کودک، مصاحبه با معلمان با تجربه و نقاشی کودکان می‌شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوایی استفاده شد و نتایج نشان داد کودکان با توجه با مراحل رشد شناختی پیازه و با توجه به ویژگی‌های آن مرحله، شناخت‌های متفاوتی از خداوند در تصورشان دارند. البته موضوعاتی مثل پیامبران، قرآن، دعاها و تعداد زیادی از مسائل مربوط به خداوند نیز در سیر پژوهش مورد اهمیت قرار گرفته است تا به طور جامع از درک کودکان مقطع ابتدایی از خداوند شناخت حاصل شود. آموزش این مفاهیم در حیطه الهیات عملی، جهت پایه‌گذاری صحیح و کاربردی عقاید دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت است. یافته‌ها بیانگر آن است که کودکان، ابتدا با مفاهیمی که مصداق‌های محسوس و عینی دارند آشنا می‌شوند و به میزانی که ذهن آنها رشد می‌یابد و توان‌تر می‌شود، مفاهیم مجردتر و انتزاعی‌تر را درک می‌کنند. مفاهیم خاص دینی، مانند مفهوم خدا، معاد، پیامبر، نماز، حج، نیایش و معجزه، مانند سایر مفاهیم از قاعده کلی شکل‌گیری مفاهیم در ذهن کودک پیروی می‌کند. توجه به این نکته سبب می‌شود که آموزش دینی، مانند سایر آموزش‌ها، متناسب با ظرفیت‌های ذهنی آنان تنظیم و ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: شناخت خداوند، کودکان، نظریهٔ پیازه، آموزش، الهیات عملی

* دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدباقر اصفهان

(mohammadfeizollahi79@gmail.com)

الهیات عملی و معضله هم‌سرنوشتی

احمد فرامرزی قراملکی*

در این مقاله نسبت بین الهیات عملی به مثابه یک گستره معرفتی با معضله هم‌سرنوشتی تحلیل می‌شود. علی‌رغم اقبال روز افزون مسیحیان به الهیات عملی هنوز مباحث با این عنوان از انسجام معرفتی، وحدت روشی و غایی برخوردار نیست. انگیزه‌های فراوان، مسائل گوناگون را با عنوان الهیات عملی به میان می‌آورد. یکی از مواضع ابهام در الهیات عملی قلمرو معرفتی آن است. بررسی مباحث به میان آمده، دو قلمرو متمایز راهبردی (strategic) و عملیاتی (operational) را نشان می‌دهد. توجه به معضله هم‌سرنوشتی و نقش الهیات در گشودن برخی از مسائل آن، پیشنهاد جدیدی از قلمرو راهبردی در الهیات عملی است. هم‌سرنوشتی از خواص گروه اجتماعی است. عضویت در گروه اجتماعی، صرف نظر از چگونگی و اهداف و ساختار آن، سرنوشت بیش و کم یکسانی را برای همه اعضا رقم می‌زند. اعضا نه تنها در سود و ضرر بهره‌مند می‌شوند بلکه در اموری سرنوشت‌ساز نیز شریک می‌گردند. این مفهوم ابتدا در هم‌سرنوشتی ذی نفعان یک سازمان در پیامدهای تصمیم طرح شد. این مفهوم در پیوند با ناهشیار جمعی (collective unconscious) یونگ توسعه یافته‌است. هم‌سرنوشتی سطوح گوناگون بر حسب حجم گروه اجتماعی و پیوند درونی آن دارد، مانند خانوادگی، سازمانی، ملی و جهانی. هم‌سرنوشتی از مفاهیم قدرتمند (powerful concepts) است و دارای قدرت دو سویه است: ویرانگر و آبادگر. هم‌سرنوشتی هم می‌تواند سبب بازندگی و بازماندگی گروه باشد و هم می‌تواند عامل تعالی و سرآمدی آن باشد. درجات گوناگون قدرت هم‌سرنوشتی تابع عوامل فراوان با وزن‌های مختلف است. یکی از مسائل هم‌سرنوشتی هدایت نیروی آن از بازدارندگی به بالندگی است (تعاریف و سنجه‌های گوناگون بازندگی و بالندگی بحث جدا دارد). این معضله به ویژه در سطح جهانی با توجه به مسائل محیط زیست جهانی اهمیت دارد. از آنجا که سعادت بشر از مدعیات نظام‌های الهیاتی است، الهیات عملی ارتباط وثیقی با بحث هم‌سرنوشتی پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هم‌سرنوشتی، الهیات عملی، بازندگی گروهی، بالندگی گروهی

چالش‌هایی پیش روی الهیات عملی

اکبر قربانی*

الهیات عملی را می‌توان نوعی گسترش کاربردی و کارکردی آموزه‌های الهیاتی یا برآمده از الهیات، در زندگی انسان دانست. نوشتار حاضر، با توجه به معنای عام الهیات، به برخی چالش‌های پیش روی الهیات عملی می‌پردازد. چالش اول: انتظار بشر از دین. با عنایت به انتظار گسترده از دین است که می‌توان پای الهیات را به قلمرو اجتماع و نهادهای اجتماعی کشاند. اگر انتظار حداقلی از دین داشته باشیم، نقش الهیات چندان برجسته نخواهد بود. چالش دوم: سنت و تجدد. در دوران سنت و با نگرش سنتی، برخی نهادهای اجتماعی پیوند وثیقی با دین و الهیات داشته است، اما در نگرش و دوران متجدد، نقش اجتماعی و یا سازمانی الهیات، غالباً بر عهده نهادهای جدید برآمده از علوم جدید و دنیای متجدد است. از این رو، در دوران متجدد و با نگرش تجددگرایانه، الهیات عملی متهم به نوستالژی و موضع انفعالی می‌شود. چالش سوم: مصادره الهیات عملی توسط روحانیت رسمی. تاریخ دین و الهیات حکایت از این دارد که روحانیت رسمی و حکومتی، با رویکردی انحصارطلبانه و تمامیت خواهانه، توانسته است دین و الهیات را به نفع خود و در راستای افزایش قدرت و ثروت و نفوذ اجتماعی، مصادره کند. هر چند این مصادره گه‌گاه به مصلحت عمومی و اجتماعی منجر شده است، اما به نظر می‌رسد مفسده این مصادره، بیش از مصلحت آن باشد. چالش چهارم: جهانی شدن. با توجه به فرایند جهانی شدن، اهمیت و ضرورت الهیات جهانی افزایش یافته است. از این رو، الهیات عملی، بدون غلبه بر بنیادگرایی و انحصارگرایی دینی، نمی‌تواند به حل و فصل مسائل و معضلات جهانی کمک کند. توفیق و گسترش الهیات عملی، در گرو پاسخ‌نظری و عملی به چالش‌های پیش گفته است؛ چالش‌هایی که نه تنها الهیات، بلکه خود دین و دین‌ورزی را نیز به مخاطره انداخته است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، انتظار بشر از دین، سنت و تجدد، روحانیت رسمی، جهانی شدن

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد اردستان (qorbani61@gmail.com)

دیدگاه اخوت پیچیده؛ یک خوانش الهیات عملی از عدالت

مهدی کریمی*

اخوت پیچیده به مثابه دیدگاهی اخلاقی که بر اساس تحلیلی از گزاره «إِنَّمَا أَنتَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُكَ لَكَ فِي الْخَلْقِ» بنا شده است، بنیانی الهیاتی برای عدالت فراهم می‌سازد. نظریه‌های عدالت چه قرائت‌های دینی و چه خوانش‌های غربی آن، از این نقیصه رنج می‌برند که حتی با عنایت به تمام اصول عدالت‌ورزی موجود در آنها و بر فرض اجرای اصول عدالت در حوزه‌های مختلف توزیعی، باز هم وضعیت پایدار عادلانه که در آن مطلوب انسانی و الهی به‌انجام رسد نخواهیم داشت. بلکه لازم است با ارائه خوانشی الهیاتی و اخلاقی قدم در تحقق چنین وضعیتی بگذاریم. دیدگاه اخوت پیچیده با تحویل نظریه عدالت به نظریه‌ای اخلاقی، شکاف موجود میان واقعیت‌های عینی جامعه و نظریه‌های عدالت را پر می‌سازد. این دیدگاه می‌تواند با عنایت به شبکه‌ای از مفاهیم الهیاتی همچون مراقبت، همدلی، برابری و اخوت و با تمرکز بر نگرش الهی به انسان و انسان به مثابه پدیده‌ای روحانی، چنین نگرشی را فراهم سازد. پیچیدگی در این دیدگاه، به معنای در نظر گرفتن ارتباطات پیچیده انسانی و حوزه‌های مختلفی است که شبکه‌ای از نظام اخوت و برادری را ایجاد کرده و عدالت را در حوزه‌های مختلف توزیعی فراهم می‌کند. در این پژوهش، سعی می‌شود با توجه به رویکرد هنجاری الهیات عملی، عملکرد خوبی (Good practice) که نتیجه‌بخش وضعیت اخوت پیچیده است و جامعه را به سوی یک وضعیت بهتر از نظرگاه عدالت سوق می‌دهد، تبیین شود. مختصات چنین عملکردی با توجه به کنش رهبران جامعه مؤمنین در صدر اسلام تبیین می‌شود و سعی می‌گردد نسبت آن با تحقق عدالت در جامعه معاصر تبیین گردد. در این پژوهش سعی می‌شود مفاهیم هنجاری الهیاتی در نظامی از ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی و با توجه به نظریه عدالت به مثابه برابری تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: اخوت پیچیده، عدالت، الهیات عملی، برابری

حکمت عملی به مثابه الهیات عملی (کاربردی)

طاهره کمالی‌زاده*

حکمت در فلسفه یونانی و در نزد ارسطو به عنوان الهیات مطرح بوده است. فلاسفه حکمت را به دو قسم نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. در انتقال حکمت و فلسفه به جامعه اسلامی، فارابی به عنوان مؤسس نظام فلسفه اسلامی، در راستای بومی‌سازی و به‌روزرسانی حکمت در جهان اسلام در تلاش است تا ضمن حفظ مبانی فلسفی یونانی، حوزه و قلمروی آن را منطبق با آموزه‌های دینی و مطابق با علوم و دانش‌های رایج بومی، گسترش و تعالی دهد. طبقه‌بندی علوم در دو اثر احصاء العلوم و التنبیه فارابی موید این مدعا هستند. مقسم فارابی در طبقه‌بندی علوم در التنبیه فلسفه و در احصاء، علوم رایج است. وی در اثر اخیر با توسعه و تکمیل طبقه‌بندی فلسفی، علم مدنی، فقه و کلام را به نحو خاص در آن می‌گنجانند که از ابتکارات وی محسوب می‌شود. فارابی در احصاء العلوم، علم الهی را منطبق با حکمت نظری می‌داند. طبقه بعد مشتمل بر علوم سه‌گانه علم مدنی، علم فقه و علم کلام است. با توجه به اینکه موضوع این دسته از علوم، انواع افعال و رفتار ارادی انسان است، این مجموعه بر حکمت عملی قابل انطباق است. بنابراین با عنایت به اینکه حکمت در نزد ارسطو منطبق با الهیات است و در تقسیم فارابی شاخه نظری آن منطبق با علم الهی است، حکمت عملی نیز به عنوان شاخه عملی و کاربردی آن همانگونه که در نظام فلسفه فارابی قابلیت آن را یافت تا با علوم رایج آن زمان ارتباط برقرار سازد و حوزه حکمت عملی یونانی را گسترش دهد، همچنان قابلیت و امکان آن را دارد که به عنوان الهیات عملی با آن دسته از علوم انسانی کاربردی از جمله روان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و به ویژه هنر در حوزه الهیات ارتباط برقرار نماید و از قابلیت‌های آنها در ترویج و کاربست آراء و اعتقادات دینی بهره‌مند شود.

کلیدواژه‌ها: حکمت، حکمت عملی، الهیات عملی، فارابی

* دانشیار گروه فلسفه اسلامی و حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

الهیات عملی با تأکید بر آموزش الهیات به کودکان

مسلم گریوانی*

پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین انسان، مهمترین مأموریت دانش الهیات (theology)؛ و حل مسئله‌ها و رفع کاستی‌ها و ناراستی‌های زندگی، مهمترین رسالت الهیات عملی (Practical theology) به شمار می‌رود؛ یکی از مصادیق آن «الهیات برای کودکان» (theology for kids) است. در این پژوهش ضمن واکاوی بافت درونی «الهیات عملی» و چهارچوب مفهومی «الهیات کودکان» و نیز تبیین ضرورت‌های این پروژه مطالعاتی، به چگونگی و «منطق اکتشاف الهیات کودکان»، ملهم از نگره تهذیب و تربیت بر اساس «تحول توحیدی» مرحوم علامه طباطبایی (ذیل آیه ۱۵۶ بقره) می‌پردازیم. مقصود ما از کودک، کودکی دوره نخست یعنی زیر هفت سال است که بر خلاف نظریه شناختی پیاژه که مخالف انتقال مفاهیم انتزاعی تا سنین نه سالگی است، نگارنده ضمن مطالعه انتقادی آن، معتقد است با لحاظ تحول رشد ادراکی، احساسی و رفتاری کودکی نخست، می‌توان آموزه‌های الهیاتی را در قالب‌های متناسب با تحول رشد آنها منتقل نمود. بر همین اساس، بیشترین تأکید ما در این مقاله، تمرکز بر «مهارت‌های آموزش الهیات به کودکان» است. این مهارت‌ها در قالب‌های قابل فهم برای کودکان از قبیل بازی، شادی، داستان، شعر، بهره‌گیری از طبیعت و مشاهده هدفمند مناسک مذهبی قابل پیگیری است اما در این پژوهش، بیشترین تمرکز ما از میان قالب‌های مذکور، بر دو عنصر «بازی‌های کودکان» و «شکوه طبیعت» خواهد بود که یکی نگرش‌ساز و دیگری گرایش‌ساز در کودکان است. لذا این مهارت‌ها از سویی مبتنی بر ابعاد سه‌گانه نگرش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های کودکان و از سویی دیگر، همسو با نظریات روان‌شناختی رشد اعتقادی و الهیاتی کودک به ویژه نظریه مراحل ایمان جیمز فاولر (Fowler, J. W) می‌باشد. در تبیین مهارت‌های آموزش الهیات به کودکان، علاوه بر حضور و تجربه میدانی کار با کودک و نوجوان (با توجه به تجربه پانزده ساله نگارنده در میان دانش آموزان و کودکان)، از روش کتابخانه‌ای و تحلیلی در پاسخ به پرسش کلیدی منطق کشف چگونگی انتقال الهیات به کودکان استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: کودک، الهیات، الهیات عملی، الهیات کودکان، تربیت، توحید

* دانش‌آموخته دکتری عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (mgrivani59@gmail.com)

حضور اجتماعی زنان با توجه به رویکرد شهید مطهری به حقوق فطری

ساره لاریجانی*

مسئله حضور اجتماعی زنان از مسائل مورد مناقشه میان اندیشمندان مسلمان است و امروزه با همه تلاشهایی که روشنفکران مسلمان در مورد حضور بانوان در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی انجام داده اند هنوز ابهاماتی در برخی شئون اجتماعی جایگاه زن وجود دارد. به طور کلی شاهد دو رویکرد سنت گرا و تجدد گرا در این حوزه هستیم، به گونه‌ای که برخی با تمسک به رویکرد سنتی، به برتری مرد بر زن در خلقت تأکید داشته و همین امر را مبنای تفاوت‌های حقوقی دو جنس و محرومیت زنان از بسیاری از شئون اجتماعی قرار داده اند. چرا که میان حضور زنان در اجتماع و بالا رفتن مفاسد اخلاقی ارتباطی بلاوجه برقرار می‌کند. این نوع تفکر را می‌توان در کتاب پاسخ‌های استاد مطهری به نقدی بر مسئله حجاب مشاهده کرد که در آن ناقد از رجحان پرده‌نشینی زنان سخن می‌گوید. در نقطه مقابل گروه تجدد گرا با الهام گرفتن از تفکر لیبرال غربی با اصرار بر اصول آزادی و برابری، حضور حداکثری برای زنان را طلب می‌کنند بدون آنکه ساختار روشنی را برای حضور اجتماعی زنان طراحی کرده باشند و مهم‌تر آنکه این گرایش، خود را به هیچ مبنای دینی مستند نمی‌کند و یا با استناد ضعیف، در این زمینه نظریه‌پردازی می‌نماید که طبعاً در جامعه دینی اثرگذار نخواهد بود و یا کم‌تأثیر می‌باشد. این نوع رویکرد را می‌توان در آثار فمینیست‌های مسلمان مشاهده کرد. این نویسندگان غالباً تلاش دارند که بررسی مسائل زنان را از چارچوب فقهی و دینی خارج کرده و با رویکردی فمینیستی به آن بپردازند. این مقاله گفتمان سومی بر مبنای تفکر شهید مطهری در خصوص حضور اجتماعی زنان مبنی بر دو اصل عدالت و حقوق فطری ارائه می‌دهد. رویکرد شهید مطهری را می‌توان در سه مولفه خلاصه کرد، الف) زن و مرد در انسانیت مشترک هستند ب) در هر دو جنس استعدادها و قابلیت‌های فطری وجود دارد که سعادت انسان در گرو به فعلیت رساندن آنهاست ج) برای به فعلیت رساندن برخی از استعدادهای انسان، احتیاج به وجود فضای فعال و رقابتی در عرصه اجتماعی است. لذا از منظر عدالت اجتماعی باید زمینه‌های حضور فعالانه بانوان با حفظ موازین اسلامی، در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم شود. این مقاله با روشی علمی-پژوهشی مبتنی بر تحقیقات کتابخانه‌ای و تحلیل متون به بررسی ابعاد حضور اجتماعی زنان با توجه به مبانی فکری شهید مطهری از منظر دینی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شهید مطهری، حقوق فطری، عدالت، مشارکت اجتماعی زنان

با توکل زانوی اشتر ببند

احمد لهراسبی *

توکل از مفاهیم دینی است. توکل به این معنا است که شخص تنها به خدا امیدوار باشد و امور را به او واگذارد بکند. این مفهوم با برخی از مفاهیم اعتقادی مانند توحید، و نیز مفاهیم عرفانی مانند رضا رابطه تنگاتنگ دارد. از منظر درون‌دینی در آیات و روایات آثاری مانند گشایش در امور از سوی خدا و احساس بزرگی و دوری از برخی از رذایل اخلاقی برای توکل بیان شده است. از منظر برون‌دینی نیز آثار روانی توکل مانند جلوگیری از اضطراب و فشارهای ناشی از سختی‌ها، ناامیدی و نیز تبعات عملی آنها مانند اعتیاد، خودکشی و ... قابل ذکر است. از سوی دیگر، گاه از پی‌آمدهای منفی برای توکل یاد شده است. در بعد فردی ترویج روحیه تبلی و بی‌کاری و استفاده نکردن از روش‌های معمول و معقول؛ و در بعد اجتماعی، عقب‌ماندگی جوامع اهل توکل نسبت به جوامع اهل کار و تلاش می‌تواند از آثار نامطلوب توکل دانسته شود. نویسندگان آثار دینی و اخلاقی بر این نکته تأکید کرده‌اند که تأمل در آیات قرآن و سخنان بزرگان دین نشان می‌دهد که در سنت دینی با سفارش به توکل و تدبیر، نوعی تعادل معقول میان آن دو حفظ شده است. سؤالی که مسئله این نوشته کوتاه است این است که آیا جمع بین این دو ممکن است، یا به عبارت دیگر آیا این دو با یکدیگر ناسازگار نیستند. در این نوشته تلاش می‌شود تا با استفاده از فاعلیت طولی، استدلال شود که جمع این دو معقول و سازگار است: فاعلیت انسان در افعال خود در طول فاعلیت خدا است، و هر جا فاعلیت طولی باشد می‌توان به نحو سازگار یک فعل را به دو فاعل منتسب دانست. بنابراین می‌توان به نحوی سازگار هم واگذاری امور به خدا و هم تدبیر انسان را پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، توکل، توحید عملی

* دانش‌آموخته دکتری فلسفه ذهن، موسسه آموزش عالی علوم شناختی، تهران (lohrasby@gmail.com)

رویکردی بر الهیات عملی و مدیریت اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های

علامه طباطبائی

سلمان محمدی بیگی دهقی *

علامه طباطبائی با پذیرش مبانی اسلامی، زمینه‌ای را برای انسان‌شناسی دینی-فلسفی فراهم می‌آورد که استفاده از آن در نظریات ساحت مدیریت از جمله مدیریت اسلامی می‌تواند حضور دین را در جامعه به صورت مناسبی رقم بزند و از بروز خطاهایی که در این زمینه امکان تحقق دارد جلوگیری به عمل آورد. مدیریت قابل قبول از دیدگاه علامه طباطبائی مدیریتی است که مدیران با توجیه افراد جامعه از (آنچه که شایسته) آنان است، افراد جامعه را به سوی یک رفتار متعادل و آگاه، مبتنی بر آزادی انتخابگرانه و مسئولانه هدایت کنند تا بر رفتارهای آنان یک معقولیت انتخابگرانه حاکم باشد. بدین شکل، مدیریت معقول و انسانی الهی در اسلام و امامت آن منحصر می‌شود تا با علم و معرفت کافی از نیازهای طبیعی و فراطبیعی، انسان را به کمال شایسته خود برساند. علامه طباطبائی به این نکته نظر دارد که در مدیریت اسلامی مردم‌سالاری یا دموکراسی مقید به اسلام و در چارچوب اسلام است. همچنین بر اساس نظریات علامه طباطبائی «سازمان به مثابه ماشین» اعتبار ریشه‌ای و بنیادین دانش مدیریت است که با مسامحه از آن به استعاره تعبیر می‌شود. مضامین استنباط شده از اندیشه‌های علامه طباطبائی در چهار دسته قابل تقسیم‌بندی است که عبارت‌اند از: ۱) گزاره‌های تاسیسی بدیع، ۲) گزاره‌های تاییدکننده، ۳) گزاره‌های تاسیسی متضاد و ۴) گزاره‌های تکمیل‌کننده. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر انسان‌شناسی علامه طباطبائی (ره)، نگاه مکاتب مدیریت منابع انسانی به انسان اعم از هزینه‌ای، منبعی و سرمایه‌ای، اولاً در بعد دوم، از زاویه تحلیل ماهوی بوده و ثانیاً در همین بعد نیز از ساحت طبیعت مادی انسان فراتر نرفته است. این تحقیق با هدف بررسی الهیات عملی و مدیریت اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های علامه طباطبائی با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، مدیریت اسلامی، علامه طباطبائی

* دانشجوی دکتری رشته حکمت هنر دینی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم

(salman.mohammadbeigi1400@gmail.com)

کلام کاربردی و مسئله امید

مسلم محمدی*

کلام کاربردی که می‌توان آن را نسخه بومی الهیات عملی دانست، به دنبال اثر بخشی عینی به اعتقادات دینی در زندگی فردی و اجتماعی است. این حوزه از الهیات در اطلس عقاید دینی، بر خلاف کلام کلاسیک و نظری که بیشتر بر واقع‌گرایی متمرکز است، ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و کارکردگرایانه به حساب می‌آید، از این رو یکی از وظایف مهم آن آسیب‌شناسی و درمان‌گری دینی است. بر این اساس، یکی از معضلاتی که امروز جامعه دینی ما به صورت جدی با آن مواجه است، معضل ناامیدی است و لذا کلام کاربردی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. به علاوه مسئله امید و ناامیدی از دیرباز در حوزه کلام اسلامی تاثیر گذار بوده است، به نحوی که اختلاف مبنایی دو جریان فکری خوارج و مرجئه در صدر اسلام را می‌توان به نحوی به همین موضوع بازگرداند. بر اساس مطالعات روان‌شناختی صورت گرفته در حوزه امید، امید مبتنی بر سه اصل است: اصل اول هدف داشتن (که البته متفاوت از آرمان‌های کلی و نامشخص است)، اصل دوم داشتن مسیر برای رسیدن به هدف، و اصل سوم عاملیت به معنای باور شخص به توانایی محقق ساختن هدف. بر این اساس، امید یک فرایند روان‌شناختی و انگیزشی مثبت است که با وجود آن فرد می‌تواند به هدف خود دست پیدا کند. از سوی دیگر با بررسی آیات و روایات اسلامی در این زمینه، توجه به این مفهوم از چهار منظر قابل پیگیری است: نخست آنکه امید گاه جنبه معرفت‌شناختی دارد. برای مثال طبق آیه انتهایی سوره مبارکه کهف، امید رسیدن به هدف، مبتنی بر شناخت و اعتقاد صحیح به توحید، معاد و نبوت است. از زاویه دوم آنکه امید می‌تواند جنبه انسان‌شناختی - به معنای نگاه محبت‌آمیز و تکریمی به انسان - داشته باشد. آیه «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» با خطاب عام به همه بندگان، ناظر به همین جنبه است. منظر سوم که در آیات و روایات بیشتری به چشم می‌خورد این است که امید با حوزه رفتار پیوند خورده است. مثلاً در آیه ۲۱۸ سوره مبارکه بقره، امیدی حقیقی است که بر عمل و رفتار صحیح مبتنی شده باشد. چهارمین منظر آنکه در متون اسلامی، مباحثی ناظر به مفهوم‌شناسی امید به چشم می‌خورد که بر اساس آن، امید حقیقت و حالتی معتدله است که میان خوف و رجاء قرار دارد، که هر دو سویه، چه افراط و چه تفریط آن مذبوم و نکوهش شده است. توجه به این ظرفیت‌ها در الهیات اسلامی و در عین حال بهره‌گیری از دستاوردهای علوم مختلف به طور خاص روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی - می‌تواند کلام کاربردی را به راه کارهایی عملی در حل معضل ناامیدی و ارتقای امید (به مثابه مهم‌ترین راهکار سلامت و امنیت) در سطح فردی و اجتماعی برساند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، کلام کاربردی، امید، روان‌شناسی، قرآن کریم

الهیات عملی و داوری درباره رنج دیگران

حسین محمودی *

در این مقاله درصدد بیان و نقد رویکردی هستیم که تنها علت تمامی رنج‌ها، سختی‌ها و مصیبت‌های وارد بر انسان‌ها را بازتاب اعمال خودشان و به عبارت دیگر نوعی کیفر، عقاب و یا عذاب آسمانی قلمداد می‌کند. در ابتدا صورت اصلی مسئله در دو ساحت خُرد و کلان طرح و در گام بعدی مورد نقد قرار می‌گیرند. مدعای نویسنده مقاله این است که چنین داوری‌هایی درباره رنج دیگران و حتی خودمان خواه از منظر طبیعت‌گروانه (غیردینی) و خواه از منظری دینی (به طور ویژه در مورد ادیان ابراهیمی)، نادرست و مبتنی بر نوعی کژفهمی است. در این مقاله سعی می‌شود به صورت توأمان با استفاده از دلایل عقلی و نقلی نشان داده شود که چنین داوری‌هایی هم به لحاظ معرفت‌شناختی ناموجه هستند و هم به لحاظ اخلاقی ناشایست. در پایان اشاره خواهیم کرد که هنگامی که ما درباره رنج دیگران و خودمان داوری منفی داشته باشیم، نتایج و لوازم فاسد دیگری نیز در بر خواهد داشت، از جمله کند شدن فضیلت شفقت در ما و کاهش انگیزه برای یاری‌رسانی به انسان‌های فتاده در درد و رنج.

کلیدواژه‌ها: رنج، مصیبت، داوری، قانون کارما، بازتاب عمل، کیفر، عذاب الهی

* دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

(mahmoudi.philosophy@gmail.com)

الهیات زیارت

جعفر مروارید*

زیارت جزء الهیاتی انکارناپذیر زندگی دینی شیعیان و متضمن مرام‌نامه‌های اعتقادی و مناسک ویژه است، و در ایران، به دلیل موقعیت خاص مشهد و ایران اسلامی، تأثیرات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی-اجتماعی ویژه‌ای پیدا کرده است. زیارت، تمرین بندگی در دنیای معاصر و یک فرم زیست دینی است که سیستم اعتقادی و مفاهیم الهیاتی را در کنار جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی-اخلاقی، در طی اجرای یک مجموعه مناسک زیارتی، آشکار می‌کند. در طی روند زیارت، مفاهیم الهیات نظری همچون اعتقاد به وحدانیت، معاد، نبوت و امامت، و مفاهیم الهیات عملی و مفاهیم اخلاقی همچون فداکاری، محبت و بخشش، تصدیق مجدد و بازآآوری می‌شود. با اجرای مناسک زیارت، و اظهار و تصدیق مفاهیم ایمانی که دامنه و سرشت زیارت را تشکیل می‌دهد، فرد زائر، هویت دینی خود را در مواجهه با دیگری، بازتولید و تحکیم می‌کند. لذا، در کنار جنبه‌های مناسکی، گرایش‌های معنوی و وجودی انسان‌های مومن، اساس و قلب زیارت را تشکیل می‌دهد. در این مطالعه الهیاتی هنجارمحور، برای فهم زیارت، روش تحلیل متنی بارویکردی همدلانه (امیک) استفاده شده است. تحلیل متنی معلوم می‌کند که زیارت، پدیده‌ای هنجارمند است که مطابق با دکترین‌های اصلی الهیات شیعی، شکل گرفته و ضروری است که قواعد زیارت نیز در همین چهارچوب فهمیده و اجرا شود. همچنین، زیارت، ارتباطی سه‌گانه میان خدا، امام و انسان را تصدیق و بازتولید می‌کند؛ ارتباطی که در گفتمان‌های متنوع درباره زیارت، و به تناسب تنوع فرهنگی جوامع، متکثر تفسیر شده است. خطاب قرار دادن انسان بما هو انسان (و نه انسان مسلمان، یا مومن، یا شیعی) و تأکید بر «محاسن» در سخن امام (ع)، توجه به نقش‌های متنوع امام (ع)، و نیاز و انتظاری که جامعه دینی از زیارت دارند، به الهی‌دانان و زیارت‌پژوهان اجازه داده است تا گفتمان‌های ایمان‌گرایانه، اجتماعی-سیاسی، وجودگرایانه (اگزیستانسیالیستی) و معنوی را درباره زیارت، پدید آورند. هدف نخست این مقاله آن است که با بررسی متون، ادله الهیاتی زیارت را بررسی کند. هدف دوم، بررسی شیوه‌های هرمنوتیکی، برای موجه‌سازی و ممکن‌سازی زیارتی است که پاسخگوی نیازهای معاصر باشد. علاوه بر کلام طلایی امام، گرامر زبانی در وینگشت‌های متأخر و نقش مراقبتی الهیات، در اینجا راه‌گشاست.

کلیدواژه‌ها: زیارت، الهیات زیارت، الهیات عملی، الهیات مراقبت، فرم زیست دینی

الهیات عملی؛ از مسیحیت تا اسلام

محمد مسجد جامعی*

خاستگاه «الهیات عملی» مسیحیت است و در مورد تاریخچه پیدایش آن دو نظریه وجود دارد، یکی در فضای کلیسای کاتولیک و دیگری در فضای جریان پروتستان. در نظریه اول، الهیات عملی استمرار الهیات شبانی دانسته شده است؛ و در نظریه دوم، الهیات عملی بخشی از شبکه الهیات در عرض الهیات نظری و الهیات تاریخی است. به طور کلی شکل‌گیری الهیات عملی در هر دینی متأثر از دو عامل است: ۱. ظرفیت و ویژگی‌های دین ۲. شرایط و تحولات بیرونی. هر دو این شرایط برای مسیحیت وجود داشته است، اما ناظر به مولفه اول، میان اسلام و مسیحیت تفاوت بسیاری وجود دارد. اسلام دینی نص‌گرا محسوب می‌شود و شریعت نقش بسیار مهمی در آن دارد، در حالیکه آنچه در مسیحیت اعتبار و حجت دارد «کلیسا» و جماعت مومنان است. لذا به نظر می‌رسد الهیات عملی اسلامی در برخورد با مسائل جدید روزمره و اینکه تا چه حد می‌تواند در شوونات زندگی تصرف داشته باشد، شکل متفاوتی از الهیات عملی مسیحی پیدا می‌کند. با این حال در جامعه دینی ایران، -هرچند نه به صورت منسجم، نظام‌مند و مدیریت‌شده- نمونه‌های برجسته‌ای از تحقق الهیات عملی را می‌توان یافت. برای مثال مقابله با جریان مارکسیسم عملاً توسط روحانیان طبقات مذهبی انجام شده است، که در این میان می‌توان به آثار علامه طباطبائی، شهید مطهری و یا حتی مهندس بازرگان اشاره کرد. همچنین فعالیت‌های روحانیت در راستای خدمات اجتماعی مثل محرومیت‌زدایی را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. با این حال، در حرکت به سمت الهیات عملی اسلامی از سه نکته نباید غافل شد: ۱. به دلیل پیچیدگی‌های جهان معاصر، استفاده از دستورالعمل واحد در زمینه الهیات عملی کاری غیر علمی و غیر کارشناسی است. لذا به جای کار واحد و بزرگ، لازم است گام به گام حرکت کرد. ۲. آموزش‌های تخصصی به الهی‌دان‌ها در این زمینه مفید خواهد بود اما چگونگی انجام این کار و نیز گستره آن نیازمند تامل و برنامه‌ریزی است تا گرفتار انجام کارهای بی حاصل و احیاناً مضر نشد. ۳. در خصوص لزوم یا عدم لزوم نهادسازی اجتماعی برای تحقق الهیات عملی، پاسخ واحدی وجود ندارد و می‌باید در هر مورد شرایط را در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، مسیحیت، اسلام، شریعت

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب و سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در واتیکان (moh.mja@gmail.com)

الهیات عملی و آسیب‌شناسی دینی

جهانگیر مسعودی*

الهیات عملی به مطالعه کنش‌ها و رفتارهای دینی و تاثیر نظریات الهیاتی در شکل‌گیری آنها می‌پردازد. بنابراین، توجه و تمرکز بر رابطه میان نظر و عمل الهیاتی، کارویژه متألّهان عملی محسوب می‌شود. در همین راستا، بسیار طبیعی است که الهیات عملی نسبت به کنش‌های منفی و نادرست متدینان حساس و دغدغه‌مند باشد و سرچشمه احتمالی این رفتار را تا مناشی الهیاتی آن رصد کند. همین مهم او را در معرض یک وظیفه نوین برای الهیات قرار می‌دهد؛ وظیفه آسیب‌شناسی دینی (Religious Pathology). به طور معمول، مهم‌ترین وظیفه سنتی متألّه و متکلم در همیشه تاریخ، دفاع (Defend/Apology) و صیانت از باورهای دینی و نظریات الهیاتی خود بوده است. او در انجام این وظیفه، با اتخاذ آرایش دفاعی (پدافندی) نقشی انفعالی را ایفاء می‌کند؛ دیگران عیب‌جویی می‌کنند و او پاسخ می‌دهد. اما وی در انجام وظیفه نوین خود، یعنی آسیب‌شناسی دینی، موضعی کاملاً فعال و خودجوش دارد. او اینک با رویکرد خودانتقادی، به کشف عیب و علت‌ها در کاروبار دینداری و اعتقادات دینی می‌پردازد. و از همین رهگذر به موضع فعال‌تری نیز دست می‌یابد؛ موقعیت درمانگری دینی (Religious Therapy). روشن است که صحنه تاریخ و عمل دینی، بزرگ‌ترین آزمایشگاه آسیب‌شناسی آنان محسوب می‌شود. دین در صحنه واقعیت باید حسن و قبح‌های خود را نشان دهد، فلذا واقعیت تاریخی، تبدیل به سنجه‌ای برای راستی‌آزمایی ایده‌ها و نظریه‌های دینی و الهیاتی می‌گردد. این تغییر موقعیت به ساحت آسیب‌شناسی دینی، همان چیزی است که می‌تواند به خوبی یکی از وجوه تمایز میان متألّه عملی و متألّه نظری را نشان دهد؛ و نیز یکی از جهاتی است که موجب می‌گردد متألّهان عملی، دفاع پراگماتیستی از دین را بر دفاع رئالیستی از آن ترجیح دهند. همین امر، موضع متألّه عملی را به موضع روشنفکر دینی نیز نزدیک‌تر می‌کند، چرا که روشنفکران دینی نیز بیشتر دغدغه کارآمدی دین در صحنه عمل دارند، بر خلاف عالمان دینی که عمدتاً نگران و دلوپس خلوص دینی در سرزمین نظر و اعتقاد هستند و می‌کوشند دامن اعتقادات دینی را از آلودگی‌های برون دینی تطهیر کنند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، آسیب‌شناسی دینی، خودانتقادی الهیاتی، متألّه نظری، متألّه عملی

چیستی و کارکرد «الهیات کاربردی» با رویکرد تفسیر موضوعی در مکتب علامه طباطبائی

عباس مصلائی پور یزدی*

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و مهیمن و حاکم بر آنها، اصلی‌ترین منبع اسلامی و متنی که به تعبیر خود «تبیان برای هر چیزی» است، جایگاهی دارد که می‌تواند به عنوان منبعی الهام‌بخش در ارائه الهیات عملی در نظر گرفته شود. نظر به اهمیت روش تفسیر «قرآن به قرآن» به مثابه بهترین روش تفسیری، این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد تفسیر موضوعی در صدد است ضمن بررسی و تحلیل اقوال مرحوم علامه طباطبائی و نیز آیت الله جوادی آملی به عنوان یکی از افراد شاخص در مکتب علامه طباطبائی، آموزه‌های قرآنی را در زمینه چیستی و کارکرد «الهیات کاربردی» به عنوان یکی از زیرشاخه‌های الهیات عملی مورد کاوش قرار دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق، آموزه‌های قرآنی ناظر به رسول خدا صلی الله علیه و آله در موضوعاتی همچون دعوت براساس مطلق حکمت، و با وصف موعظه به حسنه، و جدال به شیوه احسن، تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت، مشورت، جهاد، چگونگی مواجهه با کافران و منافقان می‌تواند در تبیین و چگونگی کنش و عمل در شرایط مختلف، اثرگذار باشد. متفکران مسلمانی همچون علامه طباطبائی به ویژه در میزان و آیت الله جوادی آملی در تسنیم سعی در انکشاف و معرفی آن داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات کاربردی، علامه طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، آیت الله جوادی آملی، تسنیم

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (amusallai@gmail.com)

نظریه «نظام حق»؛ چارچوب نظری برای الهیات عملی

علیرضا ملااحمدی*

امتدادبخشی الهیات در ساحت عمل، نیازمند یک چارچوب نظری است. پرسش محوری تحقیق حاضر اینست که «براساس آموزه‌های قرآنی، چگونه می‌توان یک چارچوب نظری برای الهیات عملی تدوین نمود؟» برای پاسخ تلاش می‌کنیم از ظرفیت اندیشه‌های حکمی حکیمان مسلمان بهره ببریم و نظریه‌های مختلف و متفرق ایشان را ذیل یک کلان‌نظریه با عنوان «نظام حق» تبیین کنیم. این نظریه بر محور آیه شریفه «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (عنکبوت: ۴۴) سامان یافته؛ اما صورت‌بندی آن با رویکرد فلسفی و به شیوه برهانی خواهد بود. مولفه‌های نظام حق به معنایی که در این مقاله مدّ نظر است عبارتند از: ۱. «حق» به مثابه سرشت جهان، مبتنی بر برهان صدّیقین با تقریر علامه طباطبایی. ۲. سریان عشق در تمام هستی آنچنان که ابن‌سینا تبیین کرده است؛ که از این رهگذر می‌توان اصلی اخلاقی برای مواجهه با «محیط زیست» بنا نهاد. ۳. مبنایی نظری برای شناخت طبیعت و جهان مادی، در راستای ارتقاء علوم تجربی مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و به کمک دیدگاه‌های دکتر مهدی گلشنی. ۴. تحلیل هستی‌شناختی شرور بر اساس دیدگاه شیخ اشراق، معطوف به پیشنهادی برای «مواجهه عملی انسان با شرور طبیعی» به کمک تحلیل مُبدعانه آیت‌الله خامنه‌ای در معنای «صبر». ۵. نظریه اخلاقی برآمده از این نگرش به هستی، با تقریر آیت‌الله جوادی آملی و به کمک نظریه فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی. ۶. فلسفه تکامل تاریخ مبتنی بر این نگرش؛ که توسط آیت‌الله خامنه‌ای تشریح شده است. ۷. تبیین ارتباط این نظریه با «علوم انسانی» از رهگذر صورت‌بندی‌ای از «نظام‌های اجتماعی». در این مقاله هر یک از این مؤلفه‌ها در صورت‌بندی بدیعی ارائه می‌شوند و ارتباط‌شان با کلان‌نظریه مذکور تبیین می‌شود. لذا در پایان روشن می‌شود که نظریه «نظام حق» ظرفیت دارد که برای مواجهه انسان و جامعه بشری با مسائل و معضلات زندگی در عرصه‌های مختلف حیات، پیشنهادهایی عملی ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، نظام حق، سرشت جهان، نظریه اخلاقی، نظریه اجتماعی

نسبت رویکرد دین‌شناسی رضا بابایی با الهیات عملی

عباسعلی منصوری*

مرحوم رضا بابایی از دین‌پژوهان معاصر است که در چند سال اخیر نوشته‌ها و تأملاتش مورد توجه دین‌پژوهان و علاقه‌مندان به مباحث الهیاتی قرار گرفته است. ایشان از دین‌پژوهانی است که بیشترین التفات را به الهیات عملی دارد، به نحوی که می‌توان رویکرد الهیاتی ایشان را الهیات عملی دانست. او دغدغه رنج و درد انسان‌های کوچک و بازار را دارد و از همین زاویه است که یکی از مشکلات اساسی فقه سنتی در آن است که مسئله مردم برای آنها مسئله نیست. او تصریح دارد که مسیر درست دین‌شناسی حرکت از انسان و جامعه به سوی دین است، نه حرکت از دین به سوی انسان و جامعه و تأکید می‌کند که باید نخست یا همزمان، در انسان و رنج‌های او بنگریم و کاستی‌های دردآور جامعه را ببینیم و سپس به سراغ دین برویم تا برای آن دردها و رنج‌ها درمانی بیابیم. او تأکید دارد که به این نتیجه رسیده است که عدالت را فدای عقیده نکند و از دین‌ها تنها مذهب انصاف را برگزیند و از فلسفه‌ها آن را که سربه‌هوا نیست و چشم به راه‌های زمینی دارد را اختیار نماید. او تصریح دارد که بقا و زوال ادیان در گرو حقانیت یا عدم حقانیت نیست، بلکه بقای هر دین و آیینی به مجموعه‌ای از امکانات و توانایی آن، در پاسخگویی به برخی نیازهای خاص فردی و اجتماعی است. مرحوم بابایی در بسیاری از نوشته‌هایش به تجربه‌های برون‌دینی اصالت می‌دهد و از آن زاویه به تحلیل مسائل و تعالیم دینی می‌پردازد. در متن مقاله سعی خواهد شد که شواهد متعددی برای اثبات مدعای اصلی این نوشتار را بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: رضا بابایی، الهیات عملی، نواندیشی دینی، روشنفکری دینی

الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

سید مهدی موسوی*

«انتزاعی بودن و انسلاخ از حیات اجتماعی» ویژگی مهم -و البته غیرذاتی- دانش کلام اسلامی است که نگاه نقادانه آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای را به عنوان یک اسلام‌شناس روشن‌فکر، برانگیخته و ایشان را برآن داشت تا طرحی نو در الهیات اسلامی در اندازد. ایشان تلاش کرد طرح ایجابی خود را با بازخوانی دین به مثابه یک دستگاه معرفتی که در سطح اصول کلامی (و نه لایه‌های فقهی و حکمت عملی) و در قالب «مسئله اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک‌آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسانها» قابل ارائه است، صورت‌بندی نماید. بنیان اساسی این «الهیات اجتماعی»، درهم‌تنیدگی دین در بنیادی‌ترین وجه آن با زندگی و حیات اجتماعی است که براساس یک شبکه مفهومی توحیدی به حیات و عمل انسان هویت، نظم و هماهنگی می‌دهد. در این مقاله با طرح این پرسش محوری که «الهیات اجتماعی چیست و چگونه می‌توان آن را صورت‌بندی کرد؟» در صدد هستیم تا پروژه فکری آیت‌الله خامنه‌ای را شرح دهیم. در این منظومه فکری «توحید» کلیدی‌ترین مفهوم است که در همه شریان‌های حیات بشری جریان می‌یابد. در نگاه ایشان، توحید نه یک بینش فلسفی صرف، بلکه شیوه‌ای برای زیست انسانی، یک دکترین اجتماعی و پیشنهاد قواره و قالبی برای «جامعه» است که خطوط اصلی و اصول بنیانی آنها را بیان می‌کند و انسان را از جامعه‌های ناسازوار و بی‌قواره جاهلی و طاغوتی که بر جهل استوارند، می‌رهاند و زندگی را کد انسان در اجتماع را دگرگون می‌سازد. در دل توحید، نمادهای روانی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی نهفته است. بنابراین توحید «یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوین است». در پایان این مقاله روشن می‌شود که «الهیات اجتماعی» به مثابه یک نظریه دو وجهی کلامی-اجتماعی، به عنوان یک چارچوب نظری در فلسفه علوم اجتماعی قابل طرح است که طبق آن، مبانی کلامی مستقیماً در عملی‌ترین ساحت‌های حیات اجتماعی و عرصه‌های زندگی امتداد خواهند یافت.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات اجتماعی، توحید عملی، آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، نظریه اجتماعی

الهیات عملی در قصص قرآن با رویکرد توصیفی و تفسیری؛ بررسی موردی: قصه‌های یوسف (ع) و موسی (ع)

سید محمد رضا میرسید*

از آنجا که توصیف و تفسیر رفتارهای اجتماعی متدینان از وظایف متألهان الهیات عملی به شمار می‌رود، بنابراین جای این پرسش است که «از منظر الهیات عملی، اعمال و رفتار شخصیت‌های قصه‌های قرآنی چگونه قابل توصیف و تفسیر است؟» زیرا بحث و تفسیر این نوع رفتارها می‌تواند در تبیین برخی اصول، مبانی و غایات الهیات عملی در جهان اسلام بسیار راهگشا باشد. از این رو در این نوشتار، برخی رفتارهای اجتماعی دو شخصیت برجسته قرآنی (حضرت یوسف(ع) و حضرت موسی(ع)) بر اساس آیات قرآن توصیف و تفسیر شده و برای این منظور، از روایات معصومان(ع) و دیدگاه‌های مفسران نیز استفاده شده است. از جمله نتایج این پژوهش این است که هرچند انگیزه اصلی رفتارهای پیامبران الهی کسب رضایت خداوند سبحان بوده است، لیکن روش‌ها و اهداف نزدیک آنها در موقعیت‌های مختلف با هم متفاوت می‌باشد. به عنوان نمونه، حضرت یوسف (ع) با بهره‌گیری از فرصت تعبیر خواب دو زندانی، اصول دین ابراهیمی را تبیین و تبلیغ می‌کند. با پذیرش مسئولیت خزانهداری، نقش مؤثر خود را در نجات مردم از قحطی و گرسنگی ایفا می‌نماید. با عدم برشمردن خطاهای برادرانش عظمت عفو و گذشت را نمایان می‌سازد. حضرت موسی(ع) نیز با فریادرسی فرد مظلوم و مساعدت فرزندان حضرت شعیب(ع) به یاری ناتوانان می‌شتابد و با آزادسازی بنی‌اسرائیل از دست فرعونیان، زمینه عبودیت خداوند را فراهم می‌نماید و با سوزاندن گوساله سامری ضعف و ناتوانی خدای دروغین را اثبات می‌کند تا قوم خود را از گمراهی نجات دهد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، قرآن کریم، قصص قرآن، حضرت یوسف، حضرت موسی

ماندگاری ادیان، در پرتو عقلانیت و رفع تبعیض

نرگس نظرنژاد*

اگر بپذیریم که ما اینک به لحاظ عقلانیت، در عصر پسا-پسامدرن زندگی می‌کنیم، یعنی در عصری که نه می‌توان عقلانیت را تقدیس کرد و نه می‌توان آن را نادیده گرفت، آنگاه باید بپذیریم که ادیان در روزگار ما، دیگر نمی‌توانند از پیروان خود بخواهند تا باورها، شعائر و احکامی را بپذیرند و بدانها پایبند بمانند که شهود عقلانی انسان، آنها را بر نمی‌تابد. انسانها، با پشت سر نهادن هژمونی عقلانیت مدرن، برای پذیرش طوری وراء طور عقل، آماده شده‌اند؛ اما نمی‌توان از آنان انتظار داشت که در محدوده توانایی‌های عقل بشری نیز، امور غیرعقلانی را بپذیرند. از جمله اموری که قابلیت دفاع عقلانی ندارد، تبعیض میان شهروندان است. تبعیض جنسیتی، یکی از اشکال تبعیض است که فاقد پشتوانه عقلی است؛ از این رو ادیانی که تعالیم و احکام آنها حاکی از تبعیض جنسیتی است، نمی‌توانند بشر امروز را اقناع عقلی کنند. در اینجا است که الهیات عملی، در حوزه هر دینی که متکفل دفاع از آن است، وظیفه دارد تا در خصوص اشکال مختلف تبعیض، از جمله تبعیض جنسیتی، موضع‌گیری کند و با ارائه تقریرهای نوین و تفسیرهای عصری از دین مورد نظر خود، زمینه‌های رفع تبعیض را فراهم سازد. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت بشر امروز دین را بپذیرا باشد و بدان ملتزم بماند. یکی از پیامدهای طبیعی بی‌توجهی الهیات عملی به اقناع عقلانی بشر، به ویژه در بحث تبعیض جنسیتی موجود در برخی از ادیان، دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی است. در عصر پسا-پسامدرن، شکست پروژه سرکوب عقل، به منظور دیندار ماندن، سرنوشت محتوم همه ادیانی است که هنوز ضرورت انسانی و عقلانی بودن دین را فهم نکرده‌اند. پژوهش حاضر در حوزه الهیات عملی و جنسیت است و پیامدهای عملی منفی تبعیض جنسیتی را بر مقبولیت و معقولیت ادیان، بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الحاد، تبعیض جنسیتی، پسا-پسامدرنیسم، دین‌گریزی، عقلانیت

گفت‌وگوی فلسفه دین و فلسفه پزشکی

حمیدرضا نمازی*

گفت‌وگوی فلسفه و طب تاریخی به قدمت هرکدام از این رشته‌ها دارد. تامل تاریخی نشان می‌دهد که زمانی، فلسفه در مبانی و روش، بر پزشکی سیطره داشته است. از سوی دیگر، پزشکی، چه در بساخت علوم اجتماعی نوین و چه در تاملات معرفت‌شناختی علم، برای فیلسوفان الهام‌بخش بوده است. نمونه شاخص این تعبیر، مفهوم پارادایم است که تامس کوون آن را از پزشکی لهستانی به نام لودویک فلک که بر تفکر جمعی در تشخیص بیماری تأکید داشت، برگرفته است. به تدریج اما، گستره علوم تجربی از علوم انسانی جدا شد و طب بسان علم، به اموری همچون زیست‌شناسی فروکاسته شد. تاملات فلسفی به طب از نیمه دوم قرن بیستم با بازنگری در جوانب انسانی، اخلاقی و منطقی پزشکی از سر گرفته شد. این بار حضور فلسفه نه به معنای فروکاست روش شناختی، بلکه به معنای تامل نظری در مرزهای طب لحاظ شد. سپهر علوم انسانی سلامت به موضوعاتی همچون اخلاق پزشکی، انسان‌شناسی پزشکی، تاریخ پزشکی، هرمنوتیک پزشکی، زیباشناسی پزشکی، الهیات و پزشکی، ادبیات و طب، زیست‌سیاست و ... می‌پردازد. در این میان، توجه به مسائل این‌جایی و اکنونی طبابت و امر سلامت، محور ایجاد میان رشته‌های علوم انسانی و علوم پزشکی است. پرسش‌های کلان وجودی و معرفتی با رشد فناوری‌های پزشکی، طبی‌سازی امر روزمره و تاملات زیست‌سیاست، نو به نو طرح می‌شود و نگاهی متاملانه و مسئله‌محور را طلب می‌کند. برخی از این پرسش‌ها همچون مسئله شر، رنج، درد، تعریف بیماری و سلامت، بازتعریف سرشت انسانی ناظر به سایبورک و انسان برساخته دستکاری ژنتیکی، توان‌افزایی، امر زیباشناختی و امر وجودی، ناتوانی، پایان و آغاز حیات و ... مستلزم داد و ستد مفاهیم و گفت‌وگوی ثمربخش فلسفه دین و فلسفه پزشکی است. ربط و نسبت فلسفه دین و الهیات عملی از این منظر می‌تواند به تامل در مفاهیم سلامت بینجامد و ابهامات نظری و عملی را بر آفتاب افکند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه پزشکی، علوم انسانی سلامت، فلسفه دین، الهیات عملی، مسئله شر، سرشت انسان

* استادیار گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران (hrnamazi@tums.ac.ir)

از تحریف الهیات عملی تا ایجاد جریان‌های تکفیری

جواد نوائی*

عمدتاً منشأ پیدایش جریان‌های تکفیری، ریشه در الهیات فلسفی آنان دارد که ظهور این تفکرات در حوزه الهیات عملی نمایان می‌گردد. از این رو می‌توان انحراف آنان از الهیات عملی اصولی را در نوع نگرش این جریان‌ها به دین و خصوصیات رفتاری پیروانشان مشاهده نمود. لذا بررسی کنش‌های مذهبی جریان‌های تکفیری از جمله داعش، موجب فهم و درک چگونگی انعکاس نظریات الهیاتی، فلسفی و کلامی آنان در ابتدای یک الهیات عملی تحریفی می‌گردد. مطالعه این موضوع، علاوه بر کشف رابطه میان نظریات الهیاتی و کنش‌های الهیاتی، سیر تطور و تحول و حتی انقلاب یک الهیات عملی دینی را نیز نشان می‌دهد و از آنجا که موضوعات الهیات عملی عمدتاً مسائل خود را از سطح جامعه برمی‌گزینند، می‌توان الهیات عملی تحریف‌شده را نیز از فعل و کنش پیروان جریان‌های تکفیری استخراج نمود. بررسی این کنش‌های فردی و اجتماعی، از جمله قتل عام انسان‌های بی‌گناه، جهاد نکاح، عملیات‌های انتحاری و ... نشان‌دهنده و حکایتگر از انقلاب ارزش‌های الهیاتی و نظریات الهیات عملی اصیل، در نزد آنان است. این انحرافات شدید دینی که از آن می‌توان به تحریف الهیات عملی نام برد، مورد کنکاش این نوشتار قرار خواهد گرفت. به طور نمونه قتل عام انسان‌ها به عنوان یکی از کنش‌های ناهنجار آنان ریشه در نگاه نادرست آنان به انسان و حقیقت آن دارد و پدیده مذموم «جهاد نکاح» نیز حاصل نگاه نامعقول و نامشروع آنان به مقام زن و غفلت از نقش خانواده در اسلام است. همچنین عملیات انتحاری نیز حکایت از درک نادرست ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و برداشت ناصواب از مسئله معاد دارد. ظهور جریان‌های تکفیری باعث پدیده دین‌گریزی در جامعه انسانی می‌گردد، لذا بررسی چالش‌های موجود در آن و ارائه پیشنهادهایی برخاسته از منابع الهیاتی در این زمینه، نه تنها موجب قوام اندیشه‌های دینی برای مومنان می‌گردد، بلکه موجب تصحیح اندیشه‌های نادرست دیگر انسان‌ها از دین نیز خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات عملی اصیل، تحریف الهیات عملی، جریان‌های تکفیری، جهاد نکاح، عملیات انتحاری

* دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (javadnavaei@gmail.com)

رهیافتی بر مؤلفه خود‌کنترلی در هوش اخلاقی در بستر مباحث

الهیات عملی

اعظم وفایی*

الهیات عملی رشته‌ای از مطالعات دانشگاهی هست که با مطالعه و بررسی کنش‌های مذهبی، به تحلیل و تفسیر الهیاتی از واقعیات اجتماعی و فرهنگی پرداخته و با برداشت از منابع الهیاتی و همچنین با کمک از توانمندی‌ها و معلومات انسانی، در صدد حل معضلات زندگی انسان است. یکی از توانمندی‌های انسان که روان‌شناسان بر آن تکیه دارند، هوش اخلاقی است که اولین بار توسط بوربا در روان‌شناسی وارد شد. وی هوش اخلاقی را به ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح تعریف می‌کند. هوش اخلاقی وابسته به هفت مؤلفه عمده است که خود‌کنترلی بیانگر هسته اصلی آن می‌باشد. خود‌کنترلی به معنای کنترل رفتار، عمل و اندیشه توسط فرد است که برآمده از بلوغ ذهنی و ارتقای انسان به مراحل بالا است. خود‌کنترلی از عوامل موثر در بازدارندگی فرد از رفتارهای انحرافی است. محققان بر این باورند که امروزه مشکل آن است که جامعه به جای تقویت ناظر درونی فرد، به دنبال کنترل و نظارت بیرونی است. از منظر دین، تقویت انگیزه از مهمترین عوامل خود‌کنترلی است که در دو بعد بینشی و رفتاری ارائه می‌شود. راهکار بینشی دین در این زمینه، معنابخشی به زندگی است. بر اساس آموزه‌های دینی، حیات انسان پایدار و جاودان است به گونه‌ای که مرگ هم آن را متوقف نمی‌کند. این شناخت، انگیزه فرد را تقویت کرده و موجب می‌شود که وی اقدام به کاری که موجب از دست رفتن یا محدودیت این جاودانگی شود ننماید. این همان مرحله رشدیافته خود‌کنترلی است. در زمینه عملی نیز دین، اموری همچون روزه‌داری را توصیه می‌کند. روزه‌داری باعث می‌شود افراد نیاز کمتری به نظارت و کنترل بیرونی داشته باشند. بر این اساس، معلمان و مربیان خود باید دارای انگیزه قوی بوده و با رجوع به منابع دینی، راهکارهای بینشی و عملی را برای تقویت خود‌کنترلی متربیان خود بیابند. آنها با اولویت دادن تقویت بعد بینشی در بستری مناسب همچون حلقه‌های گفتگو، همسفر شدن با آنها، و با استفاده از روش آسان به سخت و همراه نمودن آن از طریق بعد عملی، متربیان خود را به سوی اهداف تربیتی رهنمون سازند.

کلیدواژه‌ها: خود‌کنترلی، الهیات عملی، هوش اخلاقی، بینش، انگیزه، روزه‌داری

الهیات اجابت: بررسی تجربی اثربخشی دعا

هادی وکیلی*

بخش معتنهایی از ادبیات الهیات عملی در اسلام به بیان یک عمل متقابل خاص بین خداوند (رب) و مؤمن (عبد) اختصاص دارد که در نصوص اسلامی با عنوان «دعا» از آن یاد می‌شود. در چند آیه از قرآن کریم، خداوند متعالی به طور مستقیم و غیرمستقیم، بندگان خود را به عمل دعا کردن، فراخوانده و خود را به عمل اجابت آن، ملزم دانسته است. برخی آیات حتی دعا را به منزله عامل اصلی اعتنای خداوند به بندگان معرفی کرده‌اند. در این آیات، از طریق توصیف خدای مجیب به خدایی «قریب» و «أقرب من حبل الوريد»، و در قالب خصوصی من- تو، بر حتمیت اجابت دعا تأکید شده است. در روایات بسیاری نیز بر دعا تأکید فراوان شده و در عین حال، به ذکر انواع، آداب، شرایط و موانع آن نیز پرداخته شده است. ادعیه اسلامی عمدتاً در سه قالب نیایش‌ورزانه، درمان‌خواهانه و حاجت‌طلبانه وارد شده‌اند و خواسته عبد در این ادعیه به‌خصوص قالب‌های دوم و سوم، استعجال رب یعنی اجابت این‌دنیایی و کوتاه‌مدت دعاست نه اجابت ابطایی یعنی اجابت درازمدت یا اخروی آنها. تعیین اثربخشی این ادعیه بر جلب اجابت استعجالی خدا از مسائلی است که تاکنون به‌لحاظ تجربی مورد پژوهش جدی قرار نگرفته است. فرضیه صفر چنین پژوهشی به‌اقتضای حافظه تاریخی داعیان دین‌دار از واکنش‌های الهی، اجابت استعجالی در اقل موارد و سکوت مصلحت‌آمیز یا اجابت ابطایی اخروی در اکثر موارد است. به‌نظر می‌رسد که الهیات اسلامی، با نادیده گرفتن متغیرهای مستقل محیطی، سهم خدا را در اجابت ادعیه، بیش از اندازه لازم برآورد می‌کند. پژوهش‌های تجربی از نوع رابطه‌پژوهشی یا اثربخشی برای تعیین سهم مستقیم خدا در برآورده‌ساختن حاجات می‌تواند از کمینه‌بودن یا بیشینه‌بودن این سهم پرده بردارد.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات عملی اسلام، الهیات اجابت، اثربخشی دعا

* دانشیار گروه مطالعات تطبیقی عرفان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران (drhvakili@gmail.com)

تأثیر ایمان بر علم از دیدگاه ژاک مریتن

حسنی همایون*

ژاک مریتن فیلسوف نوتوماسی معاصر، درصدد نقد فلسفه‌های معاصر و پاسخ‌دهی به مسائل روز بر مبنای آراء فلسفی توماس است. به بیان دقیق‌تر اگرچه او یک اگزیستانسیالیست محسوب می‌گردد، اما با نقد آراء فلاسفه مدرن بخصوص اگزیستانسیالیست‌ها در باب وجود، دیدگاه سنتی توماسی را صواب دانسته و سایر ادعاهای اگزیستانسیالیستی را انحراف از آن و درافتادن به وادی ایده‌آلیسم می‌داند. یکی از مسائلی که مریتن در آن با فلاسفه معاصر مقابله می‌کند، مرتب‌ای از علم است که آن را باید علوم باطنی یا تجربیات رمزی و دینی نامید. او برخلاف فلاسفه عقل‌گرایی که این سنخ از یافته‌های بشری را مردود و غیرعلمی می‌دانند، نه تنها این علوم را معتبر می‌شمرد، بلکه آن را عالی‌ترین مرتبه علم انسان می‌داند که در آن مبدأ هستی و مجردات شناخته می‌شود. بر این اساس تنها با ایمان است که می‌توان حقایق هستی را شناخت و بدون آن علم بشر ناقص خواهد بود. او در این دیدگاه با پیروی از سنت توماسی با محور قرار دادن مفهوم تشابه، انسان را قادر به درک مفاهیم علوی بخصوص از طریق متون مقدس می‌داند. به این معنا که انسان خداوند را آنگونه که او خودش را توصیف و تعریف می‌کند، می‌شناسد و از آن‌جا که شناخت حقیقت خداوند برای ظرف محدود شناخت انسانی میسر نیست، او خداوند را از طریق تشابه و استعاره علم می‌یابد. نکته قابل تأمل آن‌جاست که در این دیدگاه مریتن از توماس و سنت متداول مسیحی فراتر رفته و این علم را محدود به درک مفاهیم از طریق تشابه و توسط عقل نمی‌داند؛ بلکه قائل است می‌توان به آگاهی بی‌واسطه از خداوند نیز دست یافت. او این حالت را امری می‌داند که تنها می‌تواند زیست و تجربه شود و نمی‌توان آن را در قالب عقل و کلمات گنجاند. به اعتقاد او چنین درکی محدود به امور الهی نیست و حتی درک حقیقت وجود نیز به چنین روشی ممکن است. به این ترتیب مریتن از سنت مسیحی فاصله گرفته و به تعبیر خود به سنت عرفانی هند نزدیک می‌گردد. به نظر می‌رسد می‌توان ادعا نمود که شهود باطنی و رمزی در نگاه مریتن می‌تواند متأثر از سنت فلاسفه اسلامی و تجارب شهودی ایشان باشد، چرا که مریتن نمی‌تواند به عنوان یک مسیحی نوتوماسی از تأثر توماس از ابن‌سینا و فلسفه اسلامی بی‌خبر باشد، اما به هر دلیلی او اشاره‌ای به این امر نداشته و خود را محدود به سنت مسیحی می‌داند. از این رو مطالعه آثار مریتن نه تنها می‌تواند ریشه‌های سبونی آن و تبار آراء او را مشخص کند، بلکه موجب گشودن دریچه‌ای برای گفتگوی بین دو سنت فلسفه اسلامی و مسیحی به خصوص به منظور روزآمد نمودن دیدگاه‌های سنتی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ایمان، علم، ژاک مریتن

* دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (h.homayoon64@yahoo.com)

غلبه انسان‌شناسی عملی در عصر مدرن و ضرورت الهیات عملی

حسین هوشنگی*

انسان مخاطبِ دین است و لذا تغییرات در انسان، سبب تغییر در دینداری و به تبع آن، تغییر در دین‌ورزی می‌شود و حداقل این پرسش را ایجاد می‌کند که کدام یک از ساحات دین (اخلاق، عقاید، مناسک و اعمال و غیره) باید اولویت و صدارت یابد. عصر جدید و روشنگری شاهد تحول انسان و انسان‌شناسی است که در آنها، انسان به مثابه موجودی جبران‌گر و اجتماعی، با نگاهی طبیعت‌گرایانه در کانون توجه قرار می‌گیرد. در دوره روشنگری و متعاقب انقلاب کپرنیکی کانت، انسان به مثابه سوژه و فاعل شناسایی متولد و معرفی شد؛ سوژه‌ای که تعلقات ادراک را خود برمی‌سازد. در این مقطع، انسان به مثابه عامل (agent) و نه عاقل مدنظر قرار گرفت. در انسان به مثابه عامل، بیش از التفات به بعد اندیشگی، به ساحت امیال و خواسته‌ها و اراده او نظر می‌شود. در چنین نگاهی به انسان، مقولاتی همچون آزادی، تعهد، مسئولیت و عواطفی مانند نوع‌دوستی، شفقت و حیا که بروز آنها در حیات عملی است، در انسان و انسان‌شناسی اولویت و صدارت می‌یابد و علوم معطوف به عمل انسانی (مانند اخلاق، سیاست، فلسفه تاریخ، فلسفه دین و انسان‌شناسی) تکون یا بسط می‌یابد. فارغ از اینکه تغییر انسان در مسیر مدرن شدن را خطا یا صواب بدانیم، الهیات مسیحی با تکوین الهیات عملی، این تحول و تلاطم در مفهوم و حقیقت انسان را به رسمیت شناخته است. الهیات و کلام اسلامی هم بالطبع نمی‌تواند این امر را نادیده بینگارد. انسان جدید، انسان در مقام عاملیت و فاعلیت است و از دین و الهیات هم انتظار راهنمایی عینی و عملی را در مسیر زندگی دارد. دین‌شناسان و اهل کلام باید از همه استطاعت و توان و ظرفیت علوم دینی اعم از کلام، فلسفه، اخلاق، فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم حدیث، همراه با استفاده از علوم متعارف مرتبط، در مسیر تحقق الهیات عملی اسلامی به مثابه یک علم دینی میان‌رشته‌ای گام بردارند.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات عملی اسلامی، انسان‌شناسی عملی، انسان‌شناسی نظری،

سوبجکتیویته

Messianicity without Messianism: Martin Heidegger and Jacques Derrida

Pablo Sánchez*

In this talk I will address the idea of messianism in Martin Heidegger's and Jacques Derrida's work. On the one hand, messianism plays a fundamental role in late Derrida's work. However, this messianism has a very particular characteristic: this waiting is such that it is a messianicity without messianism, a waiting that does not long for «something». As Deconstruction itself, it is about the absolute unforeseeable. An event that can be written within a horizon, an event that can be to certain degree «understood», is not an event and therefore it would not be a real messianic arrival. On the other hand, Heidegger stated at the end of his life that «only a god can save us». The question here is double. First: save us from what? And on the other hand: who is this god? In order to answer these two questions, I pick up here, mostly, Heidegger's ideas expressed about the «last god», and we understand the arrival of this god, which always and necessarily is withdrawal, retreat, from the realm of Language. Thus, the god that can save us is, in short, the *Aufriß* that every poetic word attempts to answer and however never attains to reach. God is always here, but as Heidegger states, we can only dwell «the holy» and prepare the space for its arrival, an arrival that will never happen «as such». We understand thus how Heidegger and Derrida both point towards a same sort of messianism. A messianism that, as Heidegger states, is a «waiting» but not of «something», but the «coming-into-the-nearness of distance». A messianism that, as Derrida says, means the absolute opening towards absolute alterity, an alterity that is the event itself. Messianism, thus, as event of the end of times, has already happened and yet is forth-coming.

Keywords: Derrida, Heidegger, messianism, messianicity, last god

* Assistant Professor, UNED (Universidad Nacional de Educación a Distancia), Madrid, Spain (pabersg@gmail.com)

Practical Theology and Kalam

Mohammad Saeedimehr^{*}

As a somehow new-born term among Christian theologians, "Practical theology" apparently is nowadays applied to a very broad spectrum of fields, issues, and activities. According to my general, albeit rough definition, practical theology consists of a project in which we study the practical implications of the theological beliefs and then try to realize them in daily life. In the Islamic tradition this project has been commonly seen as one which should be implemented by at least three branches of Islamic sciences; theology (Kalam), Islamic law (fiqh), and Islamic morality (akhlaq). In this paper, I focus on the theoretical teachings of Kalam to investigate their practical requirements. In order to develop a kind of Islamic practical theology, I believe, we should adopt two parallel strategies. First, we should revise those theological issues that in fact have noticeable human aspects to highlight their practical implications in our daily life. These issues include, but not restricted to, the doctrine of God's unity especially His unity as the agent and as the subject of worship; human freewill; man's need for religion and Prophethood; Imamate, and especially the issue of the Mahdism (the savior of the Apocalypse). Second, there seem to be some important theological issues with a great possible impact on human practice which are more or less absent in the contemporary theological discourse. The second strategy, then, would be to develop these issues in order to achieve their practical fruits. For example, teachings concerning the divine angels can potentially affect our religious life.

Keywords: practical theology, Islamic theology (Kalam), God's unity, Prophethood, Imamate

^{*} Professor, Philosophy and Logics Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(saeedi@modares.ac.ir)

Quakers and the Practical Theology of Peace

Matt Rosen*

Members of the Religious Society of Friends (or Quakers) share a corporate expression of their life of faith in refraining from war and often working actively to oppose it. This has become known as the Peace Testimony. Since the consolidation of their religious society in the seventeenth century, Quakers have protested various forms of fighting, conscientiously objected to conscription, engaged in acts of civil disobedience directed at war, and supported processes of reconciliation. The Peace Testimony was canonically first expressed in a declaration of 1660, in which Friends affirm that their principles and practices “have always been, to seek peace, and to ensure it”, and that they “utterly deny... all outward wars, and strife, and fighting”. This paper aims to clarify two elements of the Peace Testimony as practiced by Friends. First, the unity of testimony against war and testimony to peace. And second, the ground of peace as a value in Quaker faith and practice. I begin by arguing that we should see Friends’ denial of war and peacemaking as two aspects of the singular peaceful quality of Quaker life. Emphasizing only one aspect will yield a distorted view of the Peace Testimony. To this end, I discuss Rachel Muer’s work on negative testimony. I then claim that, although Quakers often appeal to the spiritual dignity of other people as a rationale for peace, and while this rationale is happily communicable to non-Friends, the ground of the Peace Testimony (and of this vision of dignity) is Friends’ dependence on divine guidance. I show how Quaker practical theology circumvents arguments against pacifism. I conclude by discussing the case of Helen Steven, a Friend whose demonstration for peace in the Faslane Submarine Base exhibits both the unity and ground of the Peace Testimony.

Keywords: Quakers, peace, revelation, testimony, pacifism

* Ph. D Student, Faculty of Philosophy, University of Oxford, England
(matt.rosen@new.ox.ac.uk)

The Normative Aspect of Practical Theology and "Living in the Present"

Mehran Rezaee^{*}

"Living in the present" refers to one of the keywords that received considerable attention today. Different expressions such as "find the moment," "live in the present moment," or "living in the present" address this notion. "Living in the present" has become the spirit that governs various aspects of contemporary human life in ethics, politics, cinema, art, clothing, society, culture, so on. It seems that one of the notable strategies for the application and promotion of practical theology is re-reading its normative aspect to uncover its normative principle for "living in the present". any theological thought must explain its own normative principles for "living in the present". The normative aspect of practical theology concerning "living in the present" in religious thoughts may be re-read on the following axes: 1- Re-explaining practical and applied model for observing the proportion of instantaneous pleasure to desirable pleasure (considering the components of past, present, and future, as well as the necessity of proportional distribution besides establishing a logical ratio in realizing each of the instantaneous pleasure and desirable pleasure); 2- Reconstructing the normative system in the proportion of material pleasure and spiritual pleasure (based on explaining the instances in modern life and postmodern life); 3- Analyzing the concepts of worldly and hereafter punishment (and the necessity of taking both of them into account with each other); 4- Comparative investigating and explaining instances of "good and bad deeds" in the contemporary lifestyle (emphasizing cyberspace and social media in various fields such as privacy, honesty, reputation, luxury, and extravagance).
Keywords: life, practical theology, normative, religious thought, philosophy of culture

^{*} Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (m.rezaee@umz.ac.ir)

prefers to hold the person in an ordinary level of religiosity to avoid possible changes in beliefs.

Keywords : subconscious, religiosity, actions, emotions, beliefs

How the Subconscious Affects Religiosity?

Morteza Motahari Farimani*

The subconscious is an accepted phenomenon in modern-day culture, but at the same time, the amount of impact it can have on our lives is usually underestimated. In my opinion, the subconscious works in a complicated way aiming to create and preserve a consonance between actions, emotions, and beliefs. It seems that the moral way to create this consonance is to prioritize beliefs and build actions and emotions based on them, but in most cases, this is not what happens. In other words, the subconscious strives to create consonance by any means, and this is a threat to living a religious life. The subconscious affects religiosity in many ways. For instance, when a religious person sins, a conflict appears between sinning and praying and unfortunately, the subconscious solves this conflict by abandoning religious practices and creating new coordination. Mental images are another significant example. When an irreligious person experiences a positive feeling about a religious notion, this positive feeling might ultimately require a lifestyle change. What the subconscious does here is that it creates childish images regarding the religious notion and after a while, that positive feeling disappears. The subconscious doesn't only affect irreligious people. Religious extremists are another victim of the subconscious. In the beginning, these people possess moral inclinations like other people. But these emotions are in contrast with the thought these people follow and this means mental dissonance. Gradually, the subconscious deletes these moral emotions to retain the mental coordination between actions, emotions, and beliefs. Another instance of how the subconscious affects religious people is the fear of religious growth or transcendence. In this case, the religious person has religious beliefs and he knows that growing in religious knowledge or piety is somehow a responsibility for him. But on the other side, he is afraid of having doubts or losing faith after digging deeper into religion. Here, the subconscious

* M.A Student in Kalam and Islamic Philosophy, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
(morteza.mfarimani96@gmail.com)

The X-analysis of Action Typology in Progressive Applied Theology

Reza Mohammadzadeh *

According to Mulla Sadra's philosophical principles (especially causality, primacy and gradation of existence all titled in "progressive theology"), God, creatures and even actions, and effects have necessary affiliation (i.e. strict conjunction) which should be centered in analysis of their beings. This affiliation, arising from homogeneity and oneness dominating all over the world, ascribes to each certain being or action two different sets of facts: precursor to a being/action and successor to it (i.e. the existential consequences of that being/action). Using token codifying, the relation between these two sets could be represented by the symbols such as: **0**, (point-sign for certain being/act) and **<, >, |** (set-signs which illustrate relation of the precursor and successor sets towards that certain being/act). The most important symbol arrangement in this regard confines in 6 modes as: **(|.), (.|), (|.|), (>.), (.<), and (>.<)** and the latter looks like English letter: '**X**'. In this article it will be indicated that **(>.<)** or **(X)** mode is Standard mode and is formed completely according to ontological theories like Muslim's. The completeness of **(X)** means the connection between the precursor and successor sets by the certain being/act. In Islamic theories, the relationship between each being/action and the precursor set as an ontological issue is studied in the realm of theoretical reason, while the rational analysis of their relation to the successor set is mainly observed in the field of philosophical teleology, as well as moral model studies. According to complete **(X)** in Muslim theory, the agent's self-determination in creating any action and the limitation of the action scope to its immediate and close consequences, or the actions performed for the action itself are disapproved types of actions, but the actions performed concerning personal, group, social, national, and international interests, are approved types of actions. In addition to the typology of actions and their distinguishing features, X analysis and its criteria can provide a different interpretation of religious concepts and facts like: praising God, trust in God, sustenance, divine mercy, the interaction between divine providence and human will, divine wisdom, servitude, worship, religion, and divine Law.

Keywords: X analysis, Mulla Sadra, progressive applied theology, action

* Associate Professor, Islamic Philosophy and Kalam Department, Imam Sadiq University (rmohaahomr@gmail.com)

nationalists, or western colonizers, or feminists. In this study, I first sketch an overview of Islamic womanist thinkers' criticism of the patriarchal discourse of the Muslim tradition, all the more the traditional reading of the Qur'an, which they find not just partial and biased but also authoritative. Then, I turn to today's present context and bring forth some examples from the western media - a TV-talk show and some extracts from two "best sellers" by two she-journalists - as to concretely demonstrate why Muslim womanist activist thinkers are critical of the western feminism and why they refuse any affiliation with them, even if they apparently fight for the same objectives.

Keywords: Islamic womanist theology, post-colonial studies, emancipation of women, critique of feminism, theology in praxis

Islamic Womanist Theology; A Challenge to the Traditional Discourse, An Objection to the Feminist Narrative

Saida Mirsadri*

Islamic womanist thinkers' major concern is to fight for more justice, equality and human rights, from within the Islamic tradition. For this purpose, they get inspiration from their religious tradition (theoria), all the more by drawing on the Qur'an - being strongly convinced that it promotes all of these ideals - for their practical activism (phronesis). Therefore, unlike secular Muslim feminists, Islamic womanists do not turn against their religious tradition, in order to defend their rights, just to the opposite, turn back to the roots, and seek to find the solution there. Moreover, unlike the secular Muslim feminists, Islamic womanist thinkers criticize all the same the western feminism, for their biased assumption that gender equality is an essentially western ideal. They denounce western feminists for falsely universalizing secular western perspectives, their generalized claim that Islam oppresses women, their authoritarian stance in respect to Muslim women, and as a result, their contribution in justifying imperial oppression and invasion. As such, Islamic womanist thinkers position themselves, not only against patriarchal and misogynistic interpretations of the Muslim tradition but also against the western feminist conception of Islam and Muslim women. It is why, while advocating certain feminist ideals and values, such as gender equality and emancipation and empowerment of women, many of them still resist the term "feminist", arguing that western feminism has been grounded in authoritarianism, imperialism and racism. Therefore, Islamic womanists fight against patriarchy, within both Islamic and secular societies, but all the same against Islamophobia, antireligious secularism, and western imperialism. They, in fact, challenge any "authoritarianism", whether local or foreign. Doing so, they struggle in all contexts where women are used as "objects" in various conflicts, be it amongst Islamic fundamentalists and anticolonial

* Postdoctoral fellow in Islamic Theology, Institute for Islamic Theology, University of Paderborn, Germany (smirsadri@gmail.com)

Decolonial Theology

Né stor Medina *

This paper is a retracing of the key theoretical connections between decolonial thinking and theology. The paper departs from an appreciative exploration of some of the earlier debates that contributed to decolonial thinking such as Dependency Theories during the 1960s and 1970s, and liberation discourses and theologies. Dependency theories helped uncover the colonizing effect of the global economic calculus in the imposition of foreign economic approaches upon poorer nations. The imposition of these economic approaches supported and demanded by the World Bank and the International Monetary Fund had as fundamental goal to ensure foreign economic interests in the regions. Meanwhile, liberation theologies contributed to the reclaiming of agency by the poor masses. It also made the connections between theoretical engagement and the theological task. At heart, these two traditions contributed to undermining inherited colonial social and economic structures and in imagining new directions for thinking about the divine. It is at this juncture that the Latin American decolonial impetus emerges drawing on the insights of Dependency theories as well as Liberation theological debates. From this discussion the paper focuses on key decolonial categories, such as coloniality of power and coloniality of being to illustrate the main thrust of the decolonial impetus. At heart, this paper is a move away from traditional approaches to theology that do not account for the social context, and instead embodies a theological imagination that draws on critical theoretical frames for its articulation. Thus, a decolonial theology is not only a theoretical abstract engagement but a critical praxiological reorientation that emerges from the people on the ground.

Keywords: decolonial theology, dependency theories, liberation theologies, Latin America

* Assistant professor of Religious Ethics and Culture, Toronto School of Theology, Canada (netto.medina@gmail.com)

Prejudice Against Women in Muslim Societies:

An Experimental Study

Nadia Maftouni^{*}

Is prejudice against women in Muslim societies an inherent principle of Islam? Or it is cause through cultural characteristics? Our experiment measures the extent to which a short film that we have directed weakens the belief among some Muslims that women are regarded as secondary creatures. We find that the film reduces sexism by 22.48 percent, compared to a control treatment that presents the same argument and story verbally. Results, moreover, indicate that prejudice against women is not an inherent feature of Islam and is rather a function of the descriptive beliefs that prevail in some Islamic societies regarding women's capabilities. The extent to which prejudice against women can be attributed to belief in Islam has long been a subject of debate. The treatment used in the study illustrates scientific facts orthogonal to Islamic teachings. It does not alter people's faith. Thus, my findings also demonstrate that prejudice against women does not result from Islam, but rather from descriptive beliefs about men and women's relative capacities. The long-term stability of the effect is some concern. Under the current study, it is not clear that the change in faith will persist in the long run. Another experiment in which we remain in touch with subjects and survey them after longer periods of time can measure how the effect develops across time. Notwithstanding this limitation, the experiment provides some evidence that cinema offers an instrument that enables policy makers to have a significant impact on society's beliefs. The benefits of the findings go beyond governments. Private actors, e.g. NGOs and movie studios, that have values and pursue social goals in addition to profits can benefit from this research agenda and have an informed approach.

Keywords: faith, film, cinema, gender, Muslim societies

^{*} Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Kalam, University of Tehran, Iran
(nadia.maftouni@ut.ac.ir)

Practical Theology and International Relations in the Colonial and Postcolonial Context

MohammadHassan Khani^{*}

If we accept this fact that theology and religion(s) can affect the lives of individuals as well as societies and nations, then this will be a valid question to ask that apart from providing an abstract theoretical world view, how in practice it can make the real life of human being better or worse, happier or more miserable? This article is an attempt to examine the manifestation of practical theology in international relations with an emphasis on colonialism. The article tries to evaluate the role of Christianity and Islam in the face of colonialism. It is the main argument of this paper that Christianity was one of the justification that European powers used to colonize and exploit the rest of the world, and it served as a means to justify and support the colonial powers actions and eventually helping and facilitating the colonization process. Islam on the other hand served as a theology to encourage and promote the resistance against the colonialism and contributed to delegitimization of the western colonial and post-colonial policies and actions.

Keywords: practical theology, Islam, Christianity, colonialism, post-colonialism

^{*} Associate Professor of Political Science & Islamic Studies, Department of International Relations, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (khani@isu.ac.ir)

The Calvinist Doctrine of Election in Relation to the Proclamation of the Gospel

Phil Hopkins^{*}

God is an electing God. God also is a God of universal love. God desires all people to be saved although he wills only the elect to be saved. God has a revealed will and God has a secret will. God's universal love is seen in his revealed will as God desires to save people from all ethnicities and races. God's electing love is seen through him dispensing mercy and salvation on 'whomever he pleases'. These themes are manifested clearest in the system called Calvinism. As the Protestant modern missions movement was (and is) forged and promoted by those who endorse Calvinism, this paper resolves these two seemingly opposing emphases of particularity and universality by emphasizing one theme: the glory of God. The glory of God is defined as God's 'moral beauty of [his] manifold perfections.' God's glory is part of him being 'infinite, eternal, and unchangeable' and this is seen through God's 'wisdom, power, holiness, justice, goodness, and truth.' God's ultimate goal is to uphold the glory of his name. This paper will first describe the most popular form of Calvinism seen in the acronym TULIP (total depravity, unconditional election, limited atonement, irresistible grace, and perseverance of the saints). This paper will then explain the term 'glory of God' and how it has been used historically by Calvinists and non-Calvinists. Finally, this paper will clarify how the glory of God unites the doctrines of election and universal love.

Keywords: Calvinism, glory of God, proclamation of the gospel, election, love, God's will

^{*} Associate Professor of Church History, Gateway Seminary, USA (philandmaryann@gmail.com)

Press as part of the Lived Theology series. Praying with Teresa of Avila explicates the theme of Teresa of Avila's experience with the presence of God as realized in the inner life of prayer and the outer life of service. The book unfolds the way that concepts of practical theology, notably action and contemplation, are lived out in the life and theology of Teresa of Avila. Contemplation centers on the inner awareness of God as living reality, while action denotes the daily activities of living in the world. The goal of this book and paper is to see practical theology through how Teresa lived it as wisdom for us today. The scope of the study introduces Teresa's welcoming approach to the mystical life through overarching themes, symbols, and metaphors in her theology and life, and approaches how and why she exemplified practical theology primarily through encountering her own writings. Teresa's story about experiencing the presence of God narrates how practical theology, especially contemplation and action, are embodied, enacted, and enshrined.

Keywords: practical theology, Teresa of Avila, action, contemplation

Action and Contemplation: Dialoging with Teresa of Avila on Practical Theology

Joshua Hollmann*

Teresa of Avila (1515–1582) is one of the most beloved Christian mystics. For centuries, readers have appreciated the affable and accessible way that Teresa describes the mysteries of contemplation and the inner life of prayer. Praised for her golden pen and ease in communicating the images and feelings of prayer, Teresa employs ordinary language and metaphors to beckon her readers to a deeper and more fulfilling spirituality. Teresa offers an inviting and inspiring approach to experiencing and living out the presence of God. In addition to being a plainspoken but profound spiritual guide, Teresa also lived a busy and enterprising life as abbess and religious founder. Teresa's efforts led to the establishment of a new religious order, the Discalced Carmelites. Since its foundation nearly five hundred years ago, the Discalced Carmelites have become an international order of nuns and monks that continue to inspire through their charism of contemplative prayer. Teresa embodies the practical theological nexus of action and contemplation, vocation and prayer. She was hardworking and devoted to the spiritual life. In addition, Teresa lived in a period of economic success and spiritual searching, commercialization and cultural flourishing, the golden age of Spain (siglo de oro). It was also the Counter Reformation and a time of religious and political upheavals throughout Europe. Fast forward to today, religion vies with secularity amidst political tensions and the mires of materialism while Teresa's search for intense and intelligible experiences of God's presence persists. Teresa has much to teach about deepening one's relationship with God even while living hectic schedules in stressful times. Teresa is a mystic familiar with God who still inspires us today through her writings about the inner life of contemplation and the outer life of charity. This paper-presentation is a brief synopsis of Joshua Hollmann's *Praying with Teresa of Avila* to be published by Lexham

*Associate Professor of Systematic Theology Concordia University, St. Paul, USA
(hollmann@csp.edu)

Is a Practical Theodicy Possible? Kant and the Philosophical Grounds of Theodicy

Pablo Genazzano*

Kant claimed in 1791 the miscarriage of all philosophical trials in theodicy. One of the difficulties of this essay is that, although Kant denies all philosophical theodicy, he affirms the possibility of thinking a different theodicy. This new theodicy is what he calls an “authentic theodicy.” In fact, from this philosophical turn emerges an inconsistency: How is it possible to claim that there is an authentic theodicy if every philosophical theodicy must fail? Which are the grounds of validity of such “authentic theodicy”? This question caused a quarrel in the Kantian scholarship: i. On the one hand, some authors claim that only theodicies grounded in the theoretical use of reason must fail. In contrast with this speculative theodicy, an authentic theodicy is grounded in practical reason, and, therefore, it is still valid for transcendental philosophy (Kremer, 1909; Lempp, 1910; Velkley, 1978; Brachtendorf, 2002; Busche, 2013). ii. On the other hand, some other authors claim that authentic theodicy has no philosophical validity whatsoever. This theodicy, although it is grounded in practical reason, cannot have any philosophical validity because its claims demand a kind of knowledge of which man is incapable (Geyer, 1982; Schulte, 1991; Dieringer 2009). My paper aims to defend the second position. In *Religion within the Boundaries of Mere Reason*, Kant excludes the concept of grace from moral philosophy. From this, it should be followed that practical reason should be indifferent to the problem of whether a theodicy is possible. For this reason, theodicy should be regarded as a religious problem. This means that, even though this religion is grounded in practical reason, this theodicy does not have any philosophical validity. As Kant briefly puts it, theodicy is not a matter of reason but a “matter of faith” (Glaubenssache).

Keywords: Kant, transcendental philosophy, theodicy, religion

* Assistant Professor, UNED (Universidad Nacional de Educación a Distancia), Madrid, Spain (pabersg@gmail.com)

Existentialist Theology and the Meaning of Life

Emilio Sierra Garcia *

Existentialist theology has had an extensive development from its beginnings in Kierkegaard to the theology of K. Barth, or the postulate of the death of God of J. Moltmann. Existentialism translates into a practical experience of theology. It is an attempt not to elaborate systems in which God is more of a concept that explains everything. God would be an abyss that guarantees freedom, vertigo, and authentically human existence. He is not only a mere guarantor of morality or pre-established society. The human of the contemporary world has settled into a dynamic of consumption, sensitive experiences, and communication networks that prevent him from entering the depth of existence (B-C. Han). Existentialist theology of Luigi Pareyson, one of Heidegger's disciples, places us before inescapable questions of life, evil, meaning, and love. Dostoyevsky claimed that these questions were cursed because they always come to a man's mind. In the XXI century, the questions of evil, meaning of life, love, and personal relationship with God are more current than ever. We will try to analyze how to open ourselves to interreligious and personal dialogue in which a human being can discover himself being himself. The fundamental question of theology is not whether God exists but whether God has something to contribute to the meaning of life. Only in this way can we go from the question of man to the question of God. Existentialist theology goes beyond the borders of concrete religions to deal with a theme that encompasses all religions and non-believers: What is the meaning of man's life on this earth?

Keywords: meaning of life, God, existence, evil, human being

* Associate Professor, Philosophy Department, CEU San Pablo University, Madrid, Spain
(emilio.sierragarcia@colaborador.ceu.es)

The Authenticity of Theology in Scientific and Technological Thinking

Ahmad Faizuddin Ramli¹; Anhar Anshory²

Science and technology are sciences ('ilm) produced by the attainment of the human mind. Therefore, this knowledge must be guided by the values of true belief to ensure beneficial results for human beings. The civilization of science when it was under the control of the Muslims has shown the best example in this regard. This deprivation of knowledge from the bond of true belief will bring destruction and ruin to human life and nature. This has been demonstrated in the western scientific and technological civilizations that dominate the world today. Western scientific civilization today is the product of scientists who have no real faith in the Creator of the universe. Nevertheless, there are efforts among western scientists who have an awareness in this modern era. They began to take steps to restore the agenda of science and technology within the framework of religious beliefs. In this article, the critical elaboration of science and technology is widely discussed by analyzing the contents of sacred scriptures and responses from the Islamic point of view. Previous literature works were produced in a critical manner from religious textbooks including Quran and Hadith, followed by interpretation works of Muslim scholars and related contemporary works. This literature-based study finds many negative effects resulting from the absence of true theology in the understanding of science and technology based on secular understanding, particularly the pollution of the air and the water, and the role of free of value technology in destroying the earth, putting humans in the condition of despair. Apart from that, this paper also discovers the nature and appearance of science as well as technology that is firmly embroidered with real theology leading to universal well-being.

Keywords: Theology, theologization, westernization, science and technology, modern science

¹ Lecturer, Department of Social Studies and Citizenship, Sultan Idris Education University, Tanjung Malim, Malaysia (faizuddin@fsk.upsi.edu.my)

² Lecturer, Faculty of Islamic Religion, University of Ahmad Dahlan Yogyakarta, Yogyakarta, Indonesia (anharanshori52@gmail.com)

A Situational Theologian: Duty of a Christian Intellectual Discharged through Pastoral Practice

Wai Lok Cheung^{*}

Gener (2018) complains, as an Asian theologian, that most texts on systematic theology are developed with a Western point of view, be it typically expressed in English, or focusing mostly on issues in Western societies. He proposes that the project of theology ought not have only focused on its product, but also the process: 'the dynamic interaction of faith with life' (ibid, 58); '[a] theologian should be a sort of midwife who assists in articulating the indigenous theology brought forth by a church doing God's mission in its local context' (ibid, 59). In this paper, I use pragmatics to elaborate this project of contextual theology, or situational theology, especially its interaction with epistemology, and the goal of theological communication as transmission of information encoded in the Bible. A theologian that puts this project into practice shall be a situational one, who, through interactions with believers when pastoring, and non-believers when on missionary and engaging in apologetics, perfects his theology in ways suited to the contingent conditions he finds himself in. What is universal across cultures, I hypothesize, shall be at the center of the Kantian formula of humanity: respect. This puts my theology of humanity into practice, whereas all practices are situational because always in some place at some time. Humanity obligates respect, such that it is in virtue of being human beings that we ought to have perfected our humanity through respecting all and only persons. The metaethical question of why we ought to respect has a theological answer: because God obligates humanity. A situational theologian learns through his missionary, apologetics, pastoral, and interreligious experiences, to perfect his theology, in response to people of different culture at different times. It is in difficult situations - whether for oneself and for others - that we see God's power be perfected.

Keywords: situational theology, experiential learning, culture, language

^{*} Ph. D Student, Department of Philosophy, Chinese University of Hong Kong, Shatin, Hong Kong
(rwl.cheung@gmail.com)

Qur'anopraxis: The Islamic Practical Theology as Lived Experience with the Qur'an Action

Siavash Asadi*

The term "Christopraxis" refers to the feature of practical theology in which the attention of practical theologians is shifted from human action to divine action that is a missional sharing in the life of Jesus Christ. In this context, the other feature of practical theology—related to human action—is an endeavor to express the truth of Jesus Christ in human terms and to extend this expression into concrete, social, and cultural forms. Inspired by the idea of "Christopraxis", in the present paper the suffix "praxis" has been applied on the Qur'an to claim the possibility of Islamic practical theology as lived experience with the Qur'an action. The hypothesis is that the Qur'an, as the sublime revealed God's word, is a live text with specific functions. It is not only a sacred text containing theoretical and practical instructions, and it not only has various regular and allegorical exegeses, but it has also a spiritual interaction with its audiences. This spiritual interaction is led by the Qur'an, and results in an ongoing ascent of believer toward a faithful life shared by divine action. Human reaction, on the other hand, is a function of praxis of the Qur'an and covers a wide range of acts. "Understanding" is an internal human action, and includes understanding of the Qur'an, understanding of the spiritual sphere the believer is in, and understanding of ascending to deeper experiences. The understanding is, of course, performed through the concepts, terms, and perception of human being, and so is relatively different from person to person. Human reaction to praxis of the Qur'an has also external effects that are more known as practical theology, such as interpreting the God's words, faithful everyday life, individual practices, social and cultural religious manifestations, and making civilization.

Keywords: praxis, Qur'anopraxis, Islamic practical theology, Quran action

* Adjunct Professor, Theology Department, Duquesne University, Pittsburgh, Pennsylvania, USA
(asadis@duq.edu)

Decolonial Theology

Néstor Medina 11

**Islamic Womanist Theology; A Challenge to the Traditional Discourse, An
Objection to the Feminist Narrative**

Saida Mirsadri 12

The X-analysis of Action Typology in Progressive Applied Theology

Reza Mohammadzadeh 14

How the Subconscious Affects Religiosity?

Morteza Motahari Farimani 15

The Normative Aspect of Practical Theology and "Living in the Present"

Mehran Rezaee 17

Quakers and the Practical Theology of Peace

Matt Rosen 18

Practical Theology and Kalam

Mohammad Saeedimehr 19

Messianicity without Messianism: Martin Heidegger and Jacques Derrida

Pablo Sánchez 20

Table of Contents

Qur'anopraxis: The Islamic Practical Theology as Lived Experience with the Qur'an Action

Siavash Asadi1

A Situational Theologian: Duty of a Christian Intellectual Discharged through Pastoral Practice

Wai Lok Cheung2

The Authenticity of Theology in Scientific and Technological Thinking

Ahmad Faizuddin Ramli; Anhar Anshory3

Existentialist Theology and the Meaning of Life

Emilio Sierra Garcia4

Is a Practical Theodicy Possible? Kant and the Philosophical Grounds of Theodicy

Pablo Genazzano5

Action and Contemplation: Dialoging with Teresa of Avila on Practical Theology

Joshua Hollmann6

The Calvinist Doctrine of Election in Relation to the Proclamation of the Gospel

Phil Hopkins8

Practical Theology and International Relations in the Colonial and Postcolonial Context

MohammadHassan Khani9

Prejudice Against Women in Muslim Societies: An Experimental Study

Nadia Maftouni 10

Rasoul Rasoulipour (Kharazmi University, Tehran, Iran)

Sajjad Rizvi (University of Exeter, England)

Mohammad Saeedi Mehr (Tarbiat Modares University, Tehran)

Maryam Salem (Shahid Beheshti University, Tehran, Iran)

Gholamhossein Tavakoly (University of Isfahan, Iran)

Tahir Uluç (Necmettin Erbakan University)

Klaus von Stosch (University of Bonn Germany)

Edward Wierenga (University of Rochester, USA)

Scientific Secretary

Reza Akbari

Executive Secretary

Roohollah Fadaei

Scientific Committee

Reza Akbari (Imam Sadiq University, Iran)

Amir Abbas Alizamani (University of Tehran, Iran)

Muhammad Asghari (University of Tabriz, Iran)

Abbas Ashrafi (Allameh Tabataba'i University, Iran)

Hossein Atrak (University of Zanzan, Iran)

Reza Berenjkari (Farabi Campus, University of Tehran, Iran)

Kent Bureson (Concordia Seminary, St. Louis, USA)

Abdulla Galadari (Khalifa University, Abu Dhabi, UAE)

Mohsen Ghanbari (Al-Mustafa International University, Tehran)

Ahad Faramarz Ghramaleki (University of Tehran, Iran)

Joshua Hollmann (Concordia University St. Paul., USA)

Hossein Hooshangi (Imam Sadiq University, Tehran, Iran)

Leila Hooshangi (Alzahra University, Tehran, Iran)

Hud Hudson (Western Washington University, Washington, USA)

Mohsen Javadi (University of Qom, Iran)

Ghasem Kakaie (Shiraz University, Iran)

Amirhossein Khodaparast (IRIP, Tehran, Iran)

Najaf Lakzaee (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom)

Mohammadhossein Mahdaviinejad (Payame Noor University)

Jahangir Masoudi (Ferdowsi University Of Mashhad, Iran)

Thaddeus Metz (University of Johannesburg, South Africa)

Yujin Nagasawa (University of Birmingham, UK)

Naeimeh Pourmohammadi (University of Religions and Denominations, Qom)

Qodratullah Qorbani (IAPR, Tehran, Iran)

Joshua Ralston (University of Edinburgh, Scotland)

Organizer

Imam Sadiq University

Sponsors

Allameh Tabataba'i University

Al-Mustafa International University

Alzahra University

Ferdowsi University of Mashhad

Association for Islamic Theology

Imam Khomeini International University

Iranian Association for Philosophy of Religion

Iranain Institute of Philosophy

Research Center of Imam Reza Holy Shrine

Islamic Sciences and Culture Academy

Kharazmi University | Payame Noor University

Shahid Beheshti University | Shiraz University

Tarbiat Modares University | University of Qom

University of Religions and Denominations

University of Tabriz | University of Tehran

University of Zanjan

Ministry of Culture and Islamic Guidance

practicaltheology.isu.ac.ir



University of
TEHRAN



Kharazmi University



دانشگاه زنجان
University of Zanjan



Shahid Beheshti
University



Shiraz University



Allameh
Tabataba'i
University



Ferdowsi University
of Mashhad



دانشگاه قم
University of Qom



Iranian Institute of Philosophy



Ministry of
Culture and Islamic Guidance

In the name of God



دانشگاه امام صادق

Imam Sadiq University

Book of Abstracts of

The International Conference on Practical Theology

March 7-9, 2022



Iranian Association for
Philosophy of Religion



انجمن کلام اسلامی حوزه



مرکز پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس قم



Research Institute
for Islamic Culture
and Thought



جامعة
المصطفی
العالمیة



Religion and
Denomination
University



دانشگاه اصفهان
University of Isfahan



ALZAHRA
UNIVERSITY

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY



Payame Noor
University



University of Tabriz